

پیام کلگون گفتن
۲۴ حوت
مہرات مہترمان



مسجد جامع مہرات

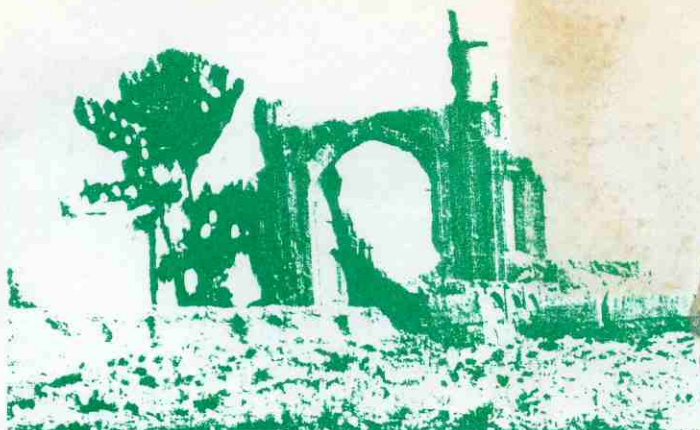
اثر: سید شریف یوسفی

۲۳ حوت ۱۳۶۳

Ketabton.com



ازین آستان عارف حسانی ابوالولید
وده ما آثارم مقام قبر که میراث باستان
دزیر آوار بمب های ابر حنا در روسیه
جن ویرانه دیگر اثری دیده نمیشود .



مزار پرشکوه و جلال عارف بزرگوار
ابوالولید (ح) وردیروز، ویرانه امروز در
زیر بامب های خانان سوز روسیه .

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

سر آغاز

این چکیده نوشته از حماسه های جا ویدانه سنگر گزینان
حق که نظر به مشکلات اقتصادی چاپ اول آن بصورت کافی
و منظم طبع شده نتوانست ، اینک به اساس تقاضا و مطالبه و
همکاری اقتصادی یک عده علاقمندان معرکه جهاد ، به چاپ
مجدد آن اقدام گردید و برای شان اجر عظیم نصرت الهی را
التجاء دارم .



فهرست

شماره	عناوین	صفحه
۱ -	مقدمه	۱
۲ -	قیام قریه سلیمی	۱۵
۳ -	رستاخیزی اهالی و اسوالی غوریان و زنده جان	۲۴
۴ -	قیام گلگون کفنان ۲۴ حوت هرات قهرمان	۲۹
۵ -	جبهه پایداری حوزه جنوب هرات	۳۰
۶ -	جبهه پایداری جانب غرب هرات	۵۱
۷ -	جبهه پایداری جانب شمال هرات	۵۵
۸ -	محبس پولادین هرات	۶۰
۹ -	جبهه پایداری حوزه شرق هرات	۶۹
۱۰ -	۲۵ حوت جمعه خونین کفنان ۲۴ حوت	۷۸
۱۱ -	رستاخیزی و قیام و اسوالی هری پشتون زر غون غوریان ، زنده جان ، کشک ، ادرسکن ، او بده ، کرخ	۸۵
۱۲ -	شنبه سومین روز خونین قیام هرات	۹۵
۱۳ -	قیام جاویدانه قوای نمین ۱۷ فرقه زلمی کوت هرات	۹۸
۱۴ -	صبح یکشنبه ۲۷ حوت خونین در غ آوش پیروزی مجاهدین و فتح فرقه	۱۰۷
۱۵ -	صبح دو شنبه حوت خونین	۱۲۰
۱۶ -	سه شنبه ۲۹ حوت خونین	۱۲۵

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقدمه

درین او انیکه جهاد با عظمت افغانستان قهرمان از میان
اوج پر تلاطم دریا های خون شهدا زنده جاوید افغانستان
مقاوم جبهه پایداری و مقاومت بی نظیر خود را عالی رغم
امپریالیزم متجاوز روسیه هر لحظه گسترده و گسترده تر توفنده و
توفنده تر پشت سر می گذارد درست ششمین سالگرد قیام حماسه
ساز و انقلاب آفرین ۲۴ حوت ۱۳۵۷ هرات مرد خیز مهد علم
و گهواره انقلاب پرورد در گذر است .

به یاد آن رستا خیزی بی همتا گامون کفنان راد مردان
راه خدا جل جلاله ۲۴ حوت خونین هرات علم بردار جهاد ،
این رشته نوشته امیخته به درد و رنج و مانعسرای فراغ وطن و
هموطن را به پیشگاه مادران داغدیده فرزند به رگبار بسته ، به کد
مگه یتیمان خاک الود پای برهنه ، به نظار گاه اوارگان بی خانه
و کاشانه و به خصوص به سنگر گزینان طلوع آزادی پاسداران
اسلام عرض میدارم :

بناء به ضرورت استدلال تاریخی ، قبل از ارزیابی قیام پر
شکوه ۲۴ حوت نظر کوتاهی به حماسه های ملت مسلمان و پس
منظر رستاخیزی نهضت اسلامی جانبازان راه حق و بی امدهای
ناگوار عوامل مزدور در پیرامون جامعه اسلامی افغانستان

مرد خیز می نمائیم تا در روشنی تاریخ ، بینائی کاملتری در جریان
نهضت اسلامی افغانستان و قیام پر شکوه ۲۴ حوت داشته
باشیم !

در آغاز زمزمه های ماکوتی دهه اخیر نهضت اسلامی
در استانه حکومت کاخ نشین بی خبر از عقاید جامعه اسلامی ،
راد مردان چون مجاهد دانشمند استاد صبغت الله مجددی از
میان عقاید جامعه به پابر خامته بود و سرود عقاید اسمانی جامعه
را در کنار منبر و مدرسه و در غلغل زنجیر های زندان چهار
سال و هفت ماه ۱۹۵۹ - ۴ - ۱۹ ابدیده از سیاه چالهای سهیب
عصر بگوش مات مسلمان میرساند این راد مرد بود که بعد از
رهائی به جرم مبارزه و دفاع از عقاید اسلامی خویش ناگزیر از
وطن خارج گردید و راه ازادی و رستاخیزی اسلامی را در کشور
های مختلف به یاد افغانستان مجاهد و دربند کشیده در پیش
گرفت .

فضای اختناق در کشور اسلامی ما علیه اسلام روز بروز
مکدر تر شده میرفت ، در استانه کاخ نشینان جلاد زمانیکه
پاسداران صدیق و رشید نهضت اسلامی و میهن در ساول های
زندان شکنجه میشدند و هر حلقه و هسته اسلامی مورد تعقیب و
باز پرس بود برعکس اولین نطفه های کمونیزم و اجیران مزدور
ادی کمونیزم در سکتاب ، پرمونتون ، در کاخ با و در حدار

های پارلمان القاء ورشد داده میشد و کمونیزم علناً از دروازه کاخ قدرت صادر میشد و همین جو نامناسب بود که همه جناح های سیاسی به نفع کمونیزم در حالت نوسانی بود اختناق به جای کشیده بود که دانشندان و علمای مکتب توحید در حدود ۴۵ نفر در سال ۱۳۴۹ از زمره چون عالم ربانی مولوی محمد نبی محمدی و سردار عبدالرشید پلخمری در زیر سقف اختناق انگیز دوره (۱۳) پارلمان دولتی، ببرک کارمل و اناهیتا، حفیظ الله امین لعین و نور محمد نور اجنت های مزدور (K.G.B.) عوامل روسی را مورد امت و کوب و ضرب و شتم افتضاح اوری قرار میدهند یک بار دیگر درس عبرت را برای کمونیست های حلقه بگوش و خدا ناشناس می آموزند.

ارهای سیاه و سایه های شوم زما مداران عیاش و فاقد عقیده در افغانستان بلاکشیده در بین نسل جوان و محروم عمداً پس آمد های ناگواری را بار آورده بود، عقاید اسلامی مورد تحقیر و بازبچه جراید عوامل خدا ناشناس و مزدور واقع گردیده بود - خواهی نخواستی از میان این همه جو اختناق و تاریکی های ضلالت روشنی و نوری که در احوال درخشیدن بود نمایان میشد. احتجاج علماء و مبارزین دانشمند و به بست نشستن در مسجد جامع پل خشتی کابل دیگر گونی و یک نقطه حساب شده به شمار میرفت و این شلاق، تازیانه خوبی بود که باید

زمامداران مدهوش از نشه قدرت از خواب سنگین خویش بیدار
میشدند و کشوری که تا به گلو میخواست به کام کمونیزم فرو رود
باید ازین مهلکه خود و کشور خود را نجات میدادند برعکس
جلادان قدرت و وابسته به عوامل کمونیزم، در تاریکی شب
۴ جوزا ۱۳۴۹ جنایت بارترین شیخون مستبدانه بالای علمای
مبارز در حریم مقدس مسجد جامع پل خشتی به انتهای بی
حرمتی مرتکب شدند و جوی های خون در کنار مسجد جاری
میگردد.

در حقیقت در کشور زادگاه مسلمان آفرین افغانستان که نور
اسلام را چون راد مرد سلطان محمود غزنوی همیشه جاوید تا
درون بت سومات می تابد و درخشش اسلام نجات بخش در
نیم قاره هند ازین خطه تیلور مینماید حالا کاخ نشینانی در حریم
خانه خدا جل جلاله بی شرمانه شیخون می زنند. درین مقطع
است که باید کمونیزم از لانه کاخ نطفه به بندد.

بوم سیاه و تاریکی گمراهی ایادی کمونیزم و ابرهای شوم
دور و بر کشور را فرا گرفته بود فساد اداره به اوج عظمت خود
خودنمایی میکرد. دوره دوره: اختناق بود در ۱۶ سنبله ۱۳۵۱ -
بزرگترین رهروان مکتب توحید و دلباخته گان فریاد رس راه حق
چون منہاج الدین کهیح با توطئه سفارت روسیه جان به جان
آفرین حق می سپارد.

با موج گرفتن رسته خیزی نهضت اسلامی پاسداران پوهنتون (دانشگاه) در سال ۱۳۵۱ یک اجنت سرسپرده کمونیست دو اتشه در زیر چکمه های جانبازان رشید و صدیق الین اسلام به جهنم مرگ فرو برده میشود، باز سایه های شوم سلول های زندان دژخیمان حکومت جابر برخ پاسداران بر حق اسلام و میهن باز میگردد و مجاهد ابدیده از زندان و هدفمند از جینر حکمتیار در آغاز رهائی و عرصه اختناق سال ۱۳۵۳ به خارج از کشور راهی هجرت می گردد. با خروشیدن رستاخیزی قیام توفنده با کبازان اسلام در زمان داود جلااد عصر در ۲۹ سرطان ۱۳۵۴ در پنجشیر افتخار افرین نه تنها سیل تلاطم خون راد مردان مجاهد از گردنه های پنجشیر سرازیر میشود بلکه کاروان هجرت پیکار جویان و الاهنت راهی بیرون از مرز میشوند تا حلقه وصف مبارزه را ابدیده تر سازند.

کشور در یک ورته خطر ناک قرار داشت، رهروان مکتب ازاده سیدجمال الدین اسلامی افغانی و جهانی، فرزندان رشید نهضت اسلامی در حقیقت جانبازان پیش مرگان راه حق چون ابو ذرهای زمان همچو پوهاند غلام مهد نیازی و رهروانش در بجزوحه های همان دوره کاخ نشینان فاقد عقیده وقت، در قید زنجیر و سلول های سیاه چالهای زندان های ماتمسرای عصر به بند کشیده میشوند و سرانجام در قید زندان

متوالی در ۸ جوزای ۱۳۵۸ با خنجر ملحدین کمونیست رهسپار زندگی نامه جاویدانه می گردند.

این موج های خونین نهضت اسلامی، صفحه تازه و افتخار آفرینی را در تاریخ آزاده و شکوهمند افغانستان قهرمان باز نموده بود و فریاد جوانان از قلب سرشار از ایمان و داغدیده جامعه سرشت میگرفت، در پس منظر خورشید خونین این سپیده دم های عاشوراها، سایه های سیاه و شرک الود اختناق دکتا توری زما مدار دیوانه قدرت (داود) را بیشتر خشمگین مینمود و فریاد های نهضت اسلامی در گلو با خنجر حکومت بریده میشد عرصه مبارزه تنگ شده بود کاروان هجرت یاران جانفدا نهضت اسلامی همراهی مجاهد دانشمند استاد ربانی در اوائل سال ۱۳۵۴ به سوی بیرون از مرز رهسپار ساختن هسته دیگری در عقب جبهه شده بودند.

این پی آمدها در پس منظر ان ابرهای سیاه و شوم نطفه کمونیزم، ان روز سیاه ماتم انگیز ۷ ثور ۱۳۵۷ اسپریا لیزم حيله گرگذار و جهانخوار روسیه که فاجعه کودتای خونین و ننگین کمونیستی را در میان آتش و خون به پا ایستاده کرد بوجود آورد و خواست که فرهنگ و عقاید پاک جامعه اسلامی افغانستان مسامان آفرین را هم در زیر چکمه های تانک و توپ و بمب های آتش افزا و شیمیائی به غارت و یغما برد،

را در هر گوشه و کنار کشور علیه دشمن متحد بر افروختند
هرات باستان در شول تاریخ و زدو بند های استعمار
امپراتوری به اصطلاح زوال نا پذیر برتانیاء یگانه خطه ازاده
بود که در بند اسارت فرو نرفت ازاده زیست و ازاده
حکمرانی داشت . همین سرزمین راد مردان است که فتح همه
جاوید جنگ میوند از برق شمشیر و از زیر چکمه های پولادین
جانبازان زبر مرد هرات پرخروش تبلور مینماید .

درین مقطع حساس و لحظات خطرناک در هرات باستان
شهد علم و دانش و علم بردار مبارزه و سهول مقاومت ، یک
عده جانبازان با بینش ، با خرد و با عقیده (شهید قاری ابوبکر ،
شهید سید فغفور و شهید محمد افضل شهیر که در استانه زندان
مبارزه جام شهادت را نوش کردند وعده دیگری هم از ان
راد مردان تاریخ به جمهوری اسلامی ایران و به کشور
نظام اسلامی پاکستان مهاجر شده اند که در امور جهاد با
انتهای اخلاص در تنظیم های اسلامی و جهادی با موجودیت
یک سلسله موانع و مشکلات زیاد بازم چانفشانی می نمایند) .
به اساس رهنمود های احکام کلام الهی و قاتلوا المشرکین
کافه نماة اتلوا نکم کافه و اعلمو ان الله مع المتقین .

یکی پی دیگر در حلقه های کوچک و انفرادی مخفیانه
در مرکز شهر هرات قهرمان دست به تحرک و جوشش و آمده

ساختن یک قیام گسترده میشوند و فریاد مردم از قلب خونین با ایمان و داغدار جامعه سرشت میگیرد و دعوت جهاد علیه کمونیست های ملحد از ساحه مرکز به واسوالی ها و اطراف توسعه پیدا میکند روحیه ضد کمونیستی و مخالفت شدید مردم علیه حکومت ملحد تروهی وابسته روسیه در سیمای فرد فرد اهالی هرات مجاهد افرین لمس میگردد اهالی متعهد و با عقیده هرات یکپار چه مبارز ، در قبال مسئولیت ایمانی خود چه به صورت انفرادی و چه به حالت اجتماعی حتی بدون تنظیم دهی و رابطه سازمانی یک موج پر حرارتی قبل از انقلاب بوجود می آورند تبلیغات ضد کمونیستی افراد مخلص و هدف مند جانباز ان راه حق اولین گام های انقلاب اسلامی (خوب بخاطر دارم که بعضی ها می گفتند که این حرف ها بوی خون میدهد اما انانیکه راه حق را انتخاب کرده بودند از خون دادن حراسی نداشتند) را راسخ و راسخ تر اساس می گذاشت و هرات سازنده موج های انقلاب اسلامی افغانستان چون تاریخ روشن و آزاده خود به سوی ساختن یک انقلاب اسلامی مرحله به مرحله صف ارائی میکرد (یک عده برادران مبارز و مجاهد در حلقه های مختلف ابراهیم وار در کنار برادر مجاهد و هدمند سید اسحق دلجو جمع شده بودند) کمونیست های اجیر و مزدور پا خیره چشمی خنجر غارت و چپاول گری را به هر سوی کوییده می

اجیران کمونیست ، دشمن دیرینه اسلام ، موضع خصمانه و درگیری جنگ عقاید را با ملت مسلمان افغانستان پاک فطرت آغاز کردند و این ماتمسرای عصر ، هجوم تازه نبود اگر به یک صفحه تاریخ قبل از امروز نظر اندازیم خیلی ناگوار و تلخ و زجر دهنده لمس می کنیم که کشورهای مسلمان جنوب آسیا دائم همچون افغانستان مردخیز مورد تاخت و تازہ پیرحمانه همسایه شمالی خود بوده و هنوز ناله غم انگیز سرو ، خیدوه ، پنجده ، بخارا ، سمرقند ، و تاجکستان و ازبکستان (ترکستان) همچو ناله های ماتم الگیز فرزندی که به نیزه دشمن ملحد خون الودسی شود و ازپستان مادر داغدیده جدا میگردد و در سیمای غم الود پیکر آسیا در بحر و حه های تاریخ تزارها لنین ها این حادثه های داخراش خیلی مشاعده میشود خوشبختانه یگانه کشور افغانستان مسلمان و مردخیز در دل آسیا این طلسم های و افسانه های دکتاتوری و کشور گشائی را هم اکنون در هم می شکنند و پوزه روسیه جه انخوار را به خاک می مالد . البته هر چند ملت مستضعف افغانستان استعمارزده و بلا کشیده بی سرو سامان بوده ولی در جنگ عقاید و لشکر کشی روسیه ملحد در افغانستان طاغوت سکن از سال ۱۳۵۷ به بعد چون را دمردان فاتح تاریخ عمر وار و علی گونه و ابو ذر روش جنبه پایداری و قبول مقابله

رفتند دروازه های سلول های زندان و سیاه چالها برخ مردم
مسلمان و با عقیده هر لحظه باز و باز تر میشد . موج تبلیغات
رستاخیزی نهضت اسلامی در هر خانه و هر محفل زمزمه کنان
نمک و حرارت مجالس گردیده بود هر لحظه سرود جهاد و
سرود اسمانی بگوش میرسید و به دل می نشست ، در پس منظر
این خروشیدن های سیلاب پر پیچ و خم دو چیز واضح و
اشکارا بود ! یکی رستاخیزی قیام حماسه افرین راد مردان راه
حق ، و دیگری وحشت و خون اشامی کمونیتست های جنایت
پیشه که دست همه دکتاتور های جهان را از پشت بسته
بودند و سرانجام این برداشت هم در عمل پیاده شد و مردم با
فرهنگ و با ایمان هرات باستان مقتدیان و رهروان حضرت حمزه
ها ، خالد بن ولید ها و ابوذر ها . . . در هرات مشعل دار
علم و ادب و علم بردار نهضت اسلامی و گهواره انصاری ها ،
رازی ها ، جا می ها ، ظاهر فوشنجی ها ، ابوالولید ها ،
تفتازانی ها ، بهزاد ها ، شاهرخ ها ، سلطان میرزا حسین بایقرا
ها ، و امیر علی شیرنوائی ها . . . درس جهاد و مکتب انقلاب
را اموخته بودند ، درین مرزبوم که هزار ها آثار ازادگی و
ازاده خواهی در کنار مردان مؤمن و مجاهد در زیر خاک پاکش
نهفته و مدفون بود در حقیقت ابدیة از عقاید اسلامی و مملو
از اخلاص و تعهد به اسلام و جهاد بودند . چه واضح و روشن

است در غائله های ماتم انگیز تاریخ گذشته بزرگترین خونخواری اسکندر ها ، چنگیز ها ، مغول ها ، قاجار ها و تزار ها و کمونیست های بلشویک ازین مهد علم و گهواره رادمردان نه شکست فاحش می خورند بلکه در قهر تاریخ خوار و زبون میگردند . و درین لمحہ تجاوز مسلحانه کمونیست های روسیه ، هر ان صف های فشرده و بیان مرصوص علم برداران مردم مجاهد هرات قهرمان برای بارور شدن نیروی جهاد آماده می گردند ، در آغاز در سیاهی دل شب . شبنامه ها و کارتون های پخش می گردید و چهره منحوس زیر پرده و نقاب پوش اجیر های مزدور و کمونیست در روشنی روز بذریعه همین شب نامه ها و کارتون ها افشاء میشد ، گرچه برنامه منظم سازمان داده نشده بود فقط این اهالی مجاهد و سرشار از ایمان هرات گهواره انقلاب و نهضت اسلامی بود که هر فرد به سهم خود دست بکار و تلاش به سوی یک قیام همگانی و سرتا سری بودند و در نفس خود پختگی و نظم را می آموختند بازهم حلقه های از جوانان مبارز و متعهد و هدفمند گرد هم آمده بودند که در اثر همین تلاش های پیروان نهضت اسلامی ، در آخرین لحظات حساس در مسجد جامع قریه پاشتان در بالای منبر ، و هفته های اخیر در ولسوالی های جوار شهر هرات چند سرپاز راه خدا جل جلاله در مسجد جامع سیوشان خطیب

صاحب مسجد جامع - در مسجد جامع تاریخی زیارتگاه خطیب صاحب مسجد جامع زیارتگاه ، در مسجد جامع باد مرغان شهر خطیب صاحب مسجد جامع ، و در مسجد جامع تاریخی ولی نظیر مرکز شهر هرات شهید جناب ملاه بهاء الدین واعظ صاحب مسجد جامع هرات ، و ده ها امام و خطیب از مقام سازنده و کوبنده منبر ، مردم غیور هرات گلگون کفان را علناً دعوت به جهاد عایه کمونیست های مزدور و دست نشاندۀ روسیه نمودند و در فضای گرم و پر حرارت هرات نیروی جهاد در حال خروشیدن بود که اعلامیه دعوت به جهاد و قیام سرتاسری کافه مات مسلمان و مبارز افغانستان از طریق اولین پیمان اتحاد اسلامی تنظیم های مجاهد افغانستان (تاسیس جبهه ملی نجات افغانستان متشکل از احزاب اسلامی و جناح های مردم مخلص و مجاهد) به امضاء پروفیسور دانشمند مجاهد صبغت الله مجددی و به اساس رهنمائی و فعالیت های جانبازانه برادر مجاهد و مبارز سید نور الله عماد که ابدیده از زندان و مبارزه پیکر بود ذریعه مرحوم حاجی محمد ایوب مرد کهن سال ولی متین و پایدار در استانه تاریخ ۱۸ حوت ۱۳۵۷ به سرزمین مرد خیز و مجاهد هرات فرا رسید ، در حقیقت فدائیان اسلام گوی عقابان آسیا در کمین سنگر های هرات که در انتظار طبل رزم دست په ماشه تفنگ و سیلاوه و شمشیر بودند هر چند اولین

نطفه قیام در ۹ حوت ۱۳۵۷ به قریه سلیمی تبلور نموده بود و ملت ابراهیم وار هرات ازاده در طلوع صبحگاهی سپیده دم ۲۴ حوت ۱۳۵۷ قیام ملکوتی و جبروتی خود ها را پیامبر گونه از کوه و دشت، از قریه و روستا و شهر به سوی قلع و قمع کمونیست ها تبلور بخشیدند و این راد مردان جهاد در میدان کار زار غلبه بر تانک و توپ و بمب، (۲۶) هزار شهید گلگون کفن در قلب تاریخ حماسه های آزادی افغانستان ارمغان زنده جاوید بقی گذاشتند، هرات باستان از میان آتش و خون برای (۶) روز آزاد و آزاده نگاه داشته میشود و اولین شکست امپراتوری دکتا توری روسیه و اضمحلال مکتب العباد کمونیستی از دیار این سرزمین حماسه ها آغاز میگردد، اما کمونیزم وحشی به سردمداری امین لعین معاون ترهکی مهره سفاک درجه (۲) روسیه وقت، امر بمباردمان و نا بودی و تخریب کلی هرات مقاوم را میدهد و (۹۶) طیاره میک ۲۱ - ۲۳ با مهارت و شطارت دشمن دیرینه روس های وحشی دست بکار میشود، و هرات قهرمان کوره از آتش و انفجار میگردد آزادی تمام اعیار هرات بر افروخته در زیر آتش و اوار هزار ها تن بمب به خاکستر مبدل میگردد، خاکستری که از آن زبانه های آتش جاویدانه جهاد ادامه دارد و پیش سرگان راه حق تا حال جبهه پایداری و مقاومت نهضت اسلامی را در

هفت سال نبرد و درگیری به قبضه دارند . و روز بروز ابدیده
تر و مقاوم تر میگردند .

در پس این پی آمده های انوار حقیقت های سنگر ، مسلماً
رستاخیزی جنبش اسلامی توفنده^۱ جانبازان مکتب اسلام در
هرات سازنده انقلاب ، در هرات دوران ساز بسان سیل خروشان
است که همه موانع دژخیمان دشمن دیرینه (روسیه) را در
هم می شکنند و با بلعیدن موانع و در همشکستن دیوار های از
تانک و توپ دشمن ، عظمت و شکوه بندی خویش را لحظه به
لحظه افزونتر می سازد و لحظه به لحظه به پیروزی و فتح نهائی
نزدیک میشوند .

و من الله التوفیق .

سید شریف یوسفی

با احترامات فایده

* * * *

کام فریه سلمی :

باروی کار آمدن کودتای خونبار کمونیستی (v) ثور ۱۳۵۷ در افغانستان مسلمان ، دیگر عقاید ، فرهنگ و کلتور جامعه اسلامی افغانستان ازاده به شدت مورد خطر و تهاجم عوامل فاقد ایمان و کمونیست های وابسته قرار گرفته بود و کمونیست های ملحد می خواستند بی درنگ بالای عقاید و مقدسات جامعه اسلامی افغانستان پا گذارند بی خرا زینکه هر قدر ملت مستضعف افغانستان مظلوم واقع شده بود اما زمانیکه مسأله عقاید جامعه در خطر رویا روی دشمن قرار میگرفت ان وقت بود که بزرگترین قدرت های طاغوتی در مقابل جنگ عقاید این ملت مواظب و با عقیده به زانو در آورده می شدند .

کمونیست های فاقد فرهنگ و کلتور در اوائل روزگار به قدرت رسیدن خودها دست به تلاش بی صبرانه بودند تا که ایدیو لوژی بی بند و بار کمونیستی را در جامعه افغانستان مسلمان به طرق مختلف و متنوع و از هر راه که می شود تعبیه و تزریق کنند ، از همین سبب بود که در مرحله اول به پایمال کردن و از بین بردن اخلاقی و عقاید جامعه اسلامی دست بکار شدند.

افغانستان ازاده دیگر در زیر سیطره دشمن شمالی (روسیه) به یک زندان بزرگ و مهیب تبدیل شده بود ، صرف نفس راحت

کشیدن مات جانباز فقط در جوف سلول های زندان پرا از شکنجه و ازار بود خنجر کمونیست ها و زنجیر های تانک و توپ ملحدین در کنار دروازه های منازل می پناه ملت مسلمان افغانستان حماسه جاوید در کوچه و بازار سیمای ادم کشی و زنا. ان جهنم معلو از خون و آتش ساخته بود زنده بگور کردن ها و کشتار دسته جمعی ملت مجاهد به جرم عقاید اسلامی شان یک امر معمول گشته بود بی خبر از اینکه بازی کردن در سر نوشت عقاید جامعه و جاری ساختن توفان دریا های خون ، موج های انقلاب اسلامی را بارور می ساخت و ملت مجاهد و مسلمان افغانستان مردخیز را بطرف ساختن جهاد اسلامی ، این جولانگاه ها نزدیکتر می نمود و در سینه دم حقیقت این قیام فرا رسید .

کوتاهی سخن یوم چهارشنبه ۹ حوت ۱۳۵۷ یک هیات از معلمین ایادی کمونیست بظاهر امر عرض تهیه و تدارک امور کورس سواد آموزی به قریه سلیمی ولسوالی پشتون زرغون هرات ، قاوم حاضر می گردند در نزد ملت مسلمان افغانستان ابدیده این ها و رنگ ها جز سیاهی ، رنگ دیگری نداشت و موی سفیدان مجرب و کارا گاه قریه مذکور بهد از جلسه و مفاهمه زیاد از شامل شدن دختران جوان و زنان خویش به کورس های به اصطلاح سواد آموزی ابا می ورزند و هیات ولسوالی

بدون نظر داشت ملحوظات منطوقی و شرایط ذهنی محیط و عقاید جامعه صرف در قسمت ادخال و شمولیت دختران در کورس های سواد آموزی اصرار و تأکید با لاقوه می نمایند. خطیب و امام مسجد و سوی سفیدان که با ارزش ترین منبع و مرجع قابل احترام و حیثیت رهنمای و راه گشا جامعه را به عهده دارند به اثر اصرار و پافشاری معالین نسبت شمولیت دختران قریه به کورس های سواد آموزی، از هدف و غایه شوم و ناشایسته ایشان عمیقاً درک مینمایند بصورت قطعی از شمولیت دختران و زنان خویش در همچو کورس های بظاهر سواد آموزی که لطمه شدیدی به حیثیت و شرافت فامیلی شان متصور بود جداً ابا و انکار می ورزند و هیات متشبث در مقابل رؤسای قریه به شہادت و اجابت خود تأکید کرده و از خطر اقدامات جدی و بالقوه خودها اهالی قریه را تهدید می نمایند. چون درین مقطع حیثیت، زاموس و عقاید جامعه با کوچکترین غفات و عقب نشینی مورد تجاوز قرار میگیرد اهالی مسلمان قریه با قاطعیت و شدت از موقف حیثیت فامیلی خودها دفاع می کنند و قضیه منجر به ات و کوب و جراحت برداشتن شدید معالین می گردد و معالین متشبث را در صحن قریه در رویا روی انظار عامه به جرم اعمال و اهداف شوم شان مورد ضرب و شتم قرار میدهند و ایشان را بعد از عجز و تضرع و بجا نمودن مراتب توبه و ندامت با

مروبا برهنه و مجروح رها و از قریه اخراج می نمایند .
رؤسای فامیل ها ، و جوانان با احساس قریه موصوف
که در عمق قضیه دور اندیشی درستی داشتند بی درنگ غرض
دفاع و آماده ساختن خودها نسبت جلو گیری از حمله و تهاجم
وحشیانه قوای واسوالی ، ترتیبات تدافعی و تأمین امنیت خاص
محلّی را اتخاذ و احراز می نمایند. جوانان رزمنده و مجاهد
و وظیفه پاسبانی فامیل های خود را به عهده میگیرند و موی
سفیدان را در حصار حویلی های شان مصئون و آرام می گذارند
هر چند این پیر مردان کهن سال با عقیده و با ایمان امادگی
مقابله و مبارزه با دشمن ملحد را گرفته بودند و جوانان با درک
قریه چون شیر مردانی خشمگین و راسخ به مراقبت و پاسبانی
و نگهبانی قریه پرداخته و در اطراف قریه شروع به تحفظ امنیت
می نمایند. در حوالی صبح روز پنجشنبه (۱۰) حوت یک تن
ساتنمن (صاحب منصب پولیس) و تعدادی ساتونکی (افراد
پولیس) قوای امنیه و اسوالی نسبت اعاده حیثیت معلمین (در
حالیکه این اجیر های جز اسارت و غلامی حیثیتی نداشتند) و
انتقام جوئی و دستگیری و انداختن موی سفیدان را در زندان
پراز مشقت و لسوالی ، سرا سیمه داخل قریه سلیمی می شوند
و این ها فکر می کردند که با حربه زور ، تهدید و شکنجه می
توانند بر بالای معتدات ملتّی پا گذاشت و دست به یک سلسله

اقدامات ماجرا انگیز می زنند ، و حربہ سلاح و زور دیگر در مقابل اهالی مصمم و مبارز قریہ سلیمی اثر نداشت قضیہ حالت نگران کننده و حاد را بخود میگیرد سر انجام منجر به ضرب و جرح افراد پوایس و قیام مردم میگردد و یک بار دیگر پوزه افراد پولیس ولسوالی به خاک مالیده میشود در حقیقت زمانیکہ عقاید و ناموس جامعہ در خطر کمونیست های اجیر قرار میگیرد اهالی مسلمان قریہ سلیمی جبہہ پایداری و مبارزه را بر می فرزند و موی سفیدان مجرب که شناخت درست از جهان بینی اسلام و اعتقاد به حفظ و حراست از حیثیت ناموس و کلتور محیط خود داشتند در پہلوی جوانان با احساس و غیرتمند خویش غرض پاسبانی و نگہداشت عقاید اسلامی کلتور و سنن ملی و مقدس خود بر علیہ واحد نظامی و ماجرا جوی ولسوالی متشبت که غرق در ظلمت و گمراهی بودند به پا می خیزند و دست اندر فعالیت قیام و جہاد میگردند به اسرع وقت قرا اطراف واکناف را بر علیہ اداره ولسوالی پشتون زرغون کہ مثل اداره روسی و چہرہ الحادہ حکومت دست نشانده بود دعوت بہ قیام می نمایند البتہ موقعیت آغاز قیام را فردای همان روز در گیری یعنی یوم جمعہ ۱۱ حوت در محل مسجد جامع « دشت یلان » تعیین میدارند .

روز جمعہ کہ نور خورشید از افق جہاد طلوع می کرد

جمعیت فشرده و کثیری از قرا' همجوار دوازده گانه با اراده' متین و مصمم و انقلابی به خاطر اعلام جهاد علیه اداره الحادى ولسوالى تجمع می نمایند. شعارها و خطابه هائیکه گویائی از جهان بینی جهاد و مبارزه را در برداشت از درون دل های پراشفته و با ایمان ایراد میگردد و علم درخشنده سبز و گلگون اسلام را به ایج عظمت خاص و انقلابی آن بر افراشته و در احتراز درمی آورند و اعلام جهاد را از سینه های برهنه ولی هر از جوش ایمان و مشت های پولادین از قوه به فعل در می آورند در حقیقت نطفه قیام نهضت گلگون کفنان ۴۴ حوت هرات شهید پرور از عمق دل های پر خروش و با عقیده و اراده' آهنین همین جا با رور می شود.

این قیام شکوهمند به مثابه اولین تازیانه و ضربه محکمی بود که بر فرق حکومت دست نشانده کوییده می شد، و دشمن بی نهایت سراسیمه شده بود چون از تاریخ روشن هرات انقلاب آفرین و هرات پرورش دهنده راد مردان آگاه بود، یک، کندک قوای نظامی مجهز با توپ و تانک و زرهپوش و سلاح های رگبار و مسلسل از فرقه نمبر (۱۷) بصوب قریه سلیمی اعزام می نماید، اولین موتر افراد مجهز با سلاح های کلاشینکوف به تصرف مبارزین در می آید در آغاز درگیری که بوقوع می پیوندد یک نفر ضابط و دو نفر افراد به کیفر عمال خود میرسند

و مبارزین پیکار جوی در بالای با مه‌ای خانه های خود موضع گرفته بردند و بیرق های سبز اسلام را به خنجر قتح و پیروزی نهضت به پا برخاسته به اختراز در می آوردند گویی بر قلب دشمن سرا سیمه فرو میرفت . ولی دشمن ملحد از دست زدن به اخرین جنایات و آتش افروزی دریغ نمی کرد توپ ها و قانک های زر هدار و زنجیری در اطراف قریه به غرش و فریاد در آمده بودند و به آتش باری بی امان خود بدون لمحه سکوت ادامه میدادند میدان کار راز نهایت دلخراش شده بود اکثر خازه های را در زیر آتش ویرانه ساخته بودند ویرانه‌ئی که از خون اطفال معصوم و انسان بی پناه گاه ماتم پر دل هر ایسان می افروخت بود ، درین آتش افروزی وحشیانه ۳۲ نفر زخمی و به شهادت میرسند و یک عده افراد معلوم الحال وطن فروش اجیر به اشطلاح حزب دمو کراتیک خلاق که مسئول این همه جنایات بودند جون دلاور و ظاهر پیدا و افراد چند درمیان تانک زره‌دار در تاریکی سیاهی شب به فاصله بسیار دور از قریه سلیبی تأییم شب دستور به خاک و خون یستن قریه میدهند این افراد اجیر و زبون هر چند شهامت نزدیک شدن حتی در حواشی میدان کار زار را نداشتند اما امرنا بودی قریه را بدون لحظه مکث و کوتاهی صادر می نمایند . البته مردم و جوانان رزم جوی قریه چون عقاب های آسیا و راد مردان راه

حق مردانه و پایدار از حریم عقاید اسلامی و ناموس خود دفاع می نمودند و این دفاع حرکتی بود انتقالی، دفاع قهرمان پهلزار و تاریخ ساز، که با دست خالی و با سینه های برهنه بر بام تانک های وحشی حمله و هجوم می آوردند و از دادن قربانی و استقبال مرگ حراسی نداشتند و یک عراده تانک غول پیکر دشمن را بامشت های توانای خود که از چشمه ایمان قوت میگرفت به جوی جوار قریه به بر غلطانیدند، هر چند که سلاح راکت و مرمی های ضد تانک نداشتند حالا بمشت های جانبازان با عقیده و با ایمان قریه قیام افروزین کازمراکت و مرمی ضد تانک را انجام میداد. مبارزین با ایمان در زیر آتش تانک ها از کشته پشته میدادند و حتی زن های مجاهد و غیور در زیر چادر با عصمت خود با چوب و چماق، کوزه اب و یا سنگ پاره و سفال بر فرق تانک ها و توپ ها می کوبیدند و از قربانی حراسی نداشتند واقعاً میدان نبرد و کار زار خلی خونین گردیده بود چه یک طرف جبهه درگیری که وزت های شدار و جبار با تانک و توپ و رگبار مسلسل آخرین جنایات را متحمل می شدند، و جانب مقابل با سینه های برهنه ملو از ایمان حاضر به شهادت بودند.

این درگیری غلبه خون بر تانک ها ناسه روز دوام پیدا کرد نیروی زمینی مجهز دشمن در سر کویی مسامان عاجز مانده بود قوای هوایی به کمک نیروی زمینی فرا میرسد در حقیقت نیروی قوای هوایی یک ابر قدرت چه عجیب به میدان کار زار جنگ خصمانه اهالی یک قریه کوچک با برهنه برمی



خیزد و جهنم آتش و باران را ارمغان می آورد و در زیر
اوار بمب ها ویرانه ها و قبرستان های بدون کفن اباد می
نماید ، و با خاک و خون غلظانیدن قریه و به زندان بستن پیر و
جوان فضای جوشش قیام را در زیر آوار ویرانه ها به سکوت مبدل
می کنند . * کمونیست های مزدور و جنایت پیشه های حرفوی
بعد از یک سلسله ماجرا جوئی ها ، یک تعداد جانبازان پا کباز
قریه سلیمی را بعد از دستگیری از میان طیاره های روسی یکایک
از کرانه های آسمان بزمن پرتاب نموده و خاطره همیشه جاوید
شان را ارمغان ماتمسرای همه داغدیده ها جاویدانه باقی می
گذارند که ازین خیل عاشقان شهادت میتوان از شهید خطیب
صاحب مسجد جامع سلیمی و شهید ارباب زئار احمد مجاهد یاد
کرد ، و سه راد مرد راه حق را در مرکز ولسوالی در محضر
عام نیز تیر باران می نمایند . مسلماً این خاموشی در میان
امواج خون و باز کردن دروازه های سلول های زندان، خاموشی
قبل از قوام قیام و توفان بود که در پس منظر رستا خیزی برحق
خود ها قیام طاغوت شکن سرتاسری گالگون کفنان ۲۴ حوت
هرات ازاده را در برداشت !

* مزدوران کمونیست به مجریکه نفس نیمه را حتی می کشیدند لفظ
دست از آتش افروزی بر نمی داشتند ، یوم پنجشنبه ۲۱ سرطان
۱۳۵۸ در مرکز ولسوالی پشتون زر غون به ادامه ده ها جنایت
دیگر در محضر عام سه نفر راد مرد راه حق سایمان خان ، قادر
خان و غفور خان را در یک لمحده به جوخه آتش کشیدند که
این جانبازان هم به خیل عاشقان شهادت همیشه جاوید پیوستند .

رستا خیزی اهالی ولسوالی غوریان و زنده جان:

ولسوالی تاریخی غوریان واقع در مرز جمهوری اسلامی ایران و در غرب افغانستان که (۹۰) کیلومتر از مرکزهای فاصله دارد. درین ولسوالی عوامل کمونیزم مانند دیگر همسایگان خویش با انتهای خیره چشمی و شماتت دست به غارت و چپاول فرهنگ اسلامی، اخلاق و منویات جامعه میزدند از هیچ نوع شکنجه غیر انسانی و عصیان انگیز، توهین و تعرض به کرامت رفیع انسانی دریغ نگرفته بنام کار دسته جمعی دا و طلبانه (اجباری) پاک کردن نهر جوی ابرسانی زمین های زراعتی و ترمیم کاری سرک غوریان که در حقیقت حیل و دامی بود بالوسيله این دام به اهالی شریف ولسوالی تشبث و توهین نموده حتی دروازه های زندان را برخ شان می کشد.

در پس این پی آمد های ناگوار عمال خدا ناشناس، اهالی دلیر و حماسه افزین ولسوالی غوریان خشمگین شده و تعدادی چند سربا زرا دمرد به عنوان احتجاج اوراق مالکین قلابی تقسیم اراضی را در نزد ولسوال بی خرد مسترد و پاره می کنند.

والسوال ملحد و غرق در نشه ضلالت در محضر عام تعداد چند ازین رهروان حق زنده زنده در زیر اوار تل خاک مدفون کرد این فاجعه غم انگیز و عصیانگر که زمین و زمان و

ملکوت را به لرزه درآورده بود در پس منظر ان برق شمشیر
راد مردان ، نور آزادی و سرود انقلاب اسلامی (جهاد) تیلور
می نمود. از همین فاجعه های دردناک است که این سرزمین
پهناور زا دگاه مردان دلاور و چیره دست شش روز قبل از قیام
پر شکوه و پر جلال شهر مدنیت پرور و دوران ساز هرات (۱۸
حوت) علم رستا خیزی جهاد با عظمت را علیه ایادی رژیم ملحد
ولسوالی بر افراشتند در اولین مرحله نطفه بستن قیام چند نفر
جاسوس و خبر رسان ولسوالی غوریان در یک فضای هیجانی
و سرشار از ایمان ، ورد ضرب و شتم جانبازان اسلام قرار میگیرند ،
اسامی نسیم ، منشی سازمان به اصطلاح حزب خلق به قتل
میرسد و به تعقیب ان اهالی با ایمان و با اخلاص ولسوالی
دسته دسته پی هم به سوی ولسوالی هجوم می آورند این تیلفون
و ارتباط ولسوالی را با مرکز شهر هرات قطع مینمایند ولسوال
که از قضیه قیام مردم قبلا' آگاهی حاصل کرده بود در حصار
قلعه ضخیم و مستحکم ولسوالی که از دست آورد های نیاکان این
ملت بود خود و عوامل کمونیست معه قوای امنیه در ان جای
تحصن بسته و قوای امنیه نیز در موقعیت های استراتژیکی ان
سنگر میگیرند و دروازه ولسوالی را مسدود نموده از سرا سیمگی
و وحشت عقب انرا تل خاک می انبارند.

البته هما هنگ با قیام مردم غیور غوریان اهالی ولسوالی

زنده جان یک روز بعد نیز قیام می نمایند و در ولسوالی گذره
هشیات کا دستر تقسیم اراضی بقتل میرسند و عکس های تره کی
در مرکز ولسوالی گذره تکه پاره میگردد و به بالای موتر
ولسوال گذره فیرمی شود که در اثر فیرهای مجاهدین ، درپور
ولسوال به قتل میرسد و ولسول از صحنه فرار میکند اینک به
اصل قضیه برگردیم در ولسوالی غوریان نبرد به شدت ادامه
پیدا میکند و ولسوالی برای دو روز در محاصره اهالی مجاهد
غوریان قرار میگیرد فقط دیوارهای بر افراشته و حصار ضخیم و
مستحکم ولسوالی در عرصه دو روز مجاهدت جانبازان راه حق
بازهم جلوگیری از نفوذ و رخنه کردن افراد مجاهد به داخل
ولسوالی می نماید صرف افراد وابسته و اجیر که در بیرون از
ولسوالی دستگیر می شدند مورد انتقام قرار میگیرند و یکی دولانه
کمونیستی دفاتر سروی اراضی مرکز صحیه مربوط ولسوالی که
در بیرون قلعه ولسوالی موقعیت لانه جاسوسی داشتند در اولین
گام برداشتن های قیام درهم ریخته میشود و حریق میگردد.
مسلماً اگر محاصره ولسوالی بیشتر دوام پیدا میکرد پیروزی
مجاهدین و نفوذ و رخنه کردن پاسداران اسلام در داخل حصار
ولسوالی حتمی بود که در تاریکی شب سه نفر از عوامل مزدور
کمونیست استفاده نموده از راهرو جوی اب از داخل ولسوالی
مخفیانه خارج میشوند اگرچه یکی ازین مزدورهای که از زمره

اعضای سازه‌انی به اصطلاح حزب دموکراتیک خلق بود دستگیر
میشود به جزای عمال خود میرسند و نفر دیگر خود ها را به
مرکز هرات میرسانند موضوع قیام مردم را به اطلاع باداران
ملحد خود میرسانند در همین اثنا است که قوای خصمانه زمینی
تانک و توپ بصوب ولسوالی عزیمت میکنند با آنکه اهالی
مجاهد غوریان پل های سرک ها را قبلاً از بین برده بودند و
نیروی هوای هم به شدت به بمباری آغاز مینماید ازین تنگنای
حساس میباشد که مردم دست خالی ناگزیر پراکنده می شوند ،
دشمن ملحد که در انتظار مرگ ننگین خود در حصار ولسوالی
لحظه های اخیری را محاسبه می نمود نجات می یابد و حالا این
مارهای زخمی که از سوراخ های مرگ بیرون می خزند و اب
حیات را دوباره می چشند دیوانه و اربه انتقام جوئی و خون
اشامی دست میزنند .

البته یک عده افراد مجاهد جبهه عقبی خود را جانب مرکز
هرات می پندارند و طرف مرکز عزیمت میکنند و تعداد عظیمی
افراد مسلح معه خانواده های خود در مرز جمهوری اسلامی
ایران عقب نشینی میکنند و مجاهدین مسلح اجازه ورود به خاک
ایران برای شان داده نمی شود بعد از جای یجا شدن خانواده
های شان به جانب ولسوالی و شهر هرات حرکت می نمایند .
در مسیر ولسوالی غوریان ولسوالی زنده جان که (ع .)

کیلومتر بیش از مرکز هرات فاصله ندارد موقعیت دارد ،
هماهنگ با قیام غوریان که بعداً به ان ولسوالی ار تباط قائیم
میگردد اهالی مرد خیز این ولسوالی نیز دست به قیام و هجوم
بردن به احاطه ولسوالی زنده جان میزنند و در اولین دقایق
قیام ، ولسوالی زنده جان که دریک محوطه هموار قرار دارد
بکلی خلع سلاح میگردد و مجاهدین بعد از تلفات سنگین بر
اوضاع ولسوالی تسلط کامل حاصل میکنند و ایادی کمونیست
بی درنگ صحنه را تخلیه نموده فراری نمایند ، مجاهدین
قهرمان زندان ولسوالی را بعد از کوچکترین مقاومت خلع سلاح
نموده و در هم می شکنند افراد مظاومیکه به جرم عقاید اسلامی
شان شکنجه میشدند ازاد می نمایند البته در اثر قیام حماسه
افرین اهالی زنده جان ، قوماندان و عبدالرحیم ساتنمن ولسوالی
زنده جان بی درنگ برای همیشه به جزای عمال خود میرسند و
اداره ولسوالی برای مدت دو روز بدست جانبازان مجاهد می
افتد . تا که به اثر شلیک آتش باری تانک های تازه دم و هجوم
متواتر نیروی هوائی دژ خیمان ، اداره ولسوالی واپس به تصرف
ایادی کمونیزم در آورده میشود و اهالی جانفدا زنده جان
محاذا کارزار را ترک داده و عقب نشینی می نمایند .

* * *

قیام گلگون کفنان ۲۴ حوت هرات قهرمان

یوم پنجشنبه ۲۴ حوت ۱۳۵۷ هجری شمسی صبحگاهان آزادی، افتاب خون الود در میان بانگ الله اکبر با رنگ دیگری در حال طلوع بود و خورشید توانگر جهاد با عظمت هرات، صبح ظفررا نوید میداد، این نبرد بی همتا رستاخیزی دوران ساز در دل شب های جفاء از میان دل های سوخته و زجر دیده و از درون فریادها و ناله های زندان ها و سیاه چالها، و از زنده بگور کردن ها و از اعدام ها، ترور ها و کشتار گاه ها الهام میگرفت و از سجاده و منبر سلاح عقیده و ایمان را از نیام می کشد و از میان موج های ایمان سرود جنبش ما دران داغدار یتیمان خاک الود در فضای تاریک گرد و غبار و دود باروت دشمن، چون سرود اسمانی بگوش میر سیدو به دل سنگر گزینان حق می نشست.

قیام پر شکوه ۲۴ حوت از آزادی خواهی قریه سلیمی، ولسوالی غوریان، زنده جان و مردم شدند، ولایت بادغیس، و غوررنگ تازه میگیرد، هرات باستان چون تاریخ روشن خود درین هنگام حساس، چهار اطراف و اکناف ان بصورت یک کتله فشرده و قابل بسیج چون جعبه با روت در حال انفجار در آمده

بود و اهالی ابدیده وبا دردهرات پهناور هر لحظه خود را به میدان نبرد و انقلاب اسلامی نزدیکتر می ساختند .

جبهه پایداری حوزه جنوب هرات :

یک شب قبل از صبح ظفر ، صبح رستا خیزی پیام حق ، اهالی مستضعف و مجاهد ولسوالی گذره و همجوار آن که پیوند عمیق و نا گسستی ئی ازائین فرهنگ اسلام و وطن خواهی داشتند از فاصله های (۲۰) الی (۳۰) کیلومتری با عزم راسخ و متانت و هیجان خاصی به جانب مرکز شهر هرات برسم جهاد بر علیه حکومت جابر والحادبه مارش پر داختمند و بیرق سبز اسلام را باشکوه و جلال خاصی برا فراشته و لوای توحید شعار الله اکبر فضای سکوت و آرامش آسمان و زمین را به لرزه وطنپنه انداخته بود ، این ها مجاهدین راه ازادی با سینه باز و پابرنه و دست های خالی مگر بارشادت و شهامت بی نظیری که حماسه افغان ها است خود ها را به کار زار جهاد گام بگام نزدیک می نمودند و به ندرت سلاح های محلی و تفنگ و سیلاوه به دست داشتند صرف چوب و چماق دست شان گوئی بالا تر از ارتش مجهز و کماندوهای ورزیده بودند درجهه مقابل دشمن طواغیت فتنه انگیز همان سلاح های مخرب زمینی و هوائی و بااتکاء به پشتوانه ابر قدرت امپریالیزم یکه تاز شوروی قرار داشت .

سر با زان مکتب نجاب بخش اسلام سیاهی شب صبح ظفر

را در کمین رزم و درمیان جنگل روضه باغ تا فرار سیدن شفق
سحرگذشتانند ، صبح ظفر افرین روز پنجشنبه ۲۴ حوت خونین
آغاز درگیری مشت و تانک بود در اول جولا نگاه تعمیر و اسناد
دفتر تقسیم اراضی ولسوالی گذره به آتش کشیده میشود و در جوار
مرکز ولسوالی گذره یک عراده موتر جیب روسی به قبضه
مجاهدین در آورده شده و راکبین آن با فریاد های تضرع و ندامت
کشیدن مورد عفو قرار میگیرند و جمعیت انبوه فرزندان رشید
دیگری در قسمت محله دشت روضه باغ که می خواستند ذر ادامه
و تداوم جریان قیام به صف پاکبازان مجاهد روضه باغ سریع
تر به پیوندند که در رویا روی دشت هموار از میان تعمیر مکتب
لیسه وزیر فتح خان بزرگبار مساسل و ماشین دار بسته شدند که
این جنایات ننگین عوامل کمونیست روی خورشید را گرد و
غبار می گرفت در پی امد های این ناگواری بیش از (۵۰) نفر
جانباز راه حق به شهادت رسیدند ولی این راد مردان اسطوره
های مقاومت مرکز صحی لانه مزدوران کمونیست را اشغال
نمودند و اهنگ کار زار را در مسیر صفوف جهاد به سوی فافله
های طرف شهر رهسپار کردند .

اینک واپس به کاروان اصل صف پاکبازان جهاد در روضه
باغ بر می گردیم ! مرد تاریخ افرین جهاد ۲۴ حوت مجاهد
قهرمان و غازی پاکباز گل عهد تیزانی (این غازی و فاتح معرکه

جهاد مقدس قبل از شهادت خویش ، داستان ها و ارمغان های
 حیرت انگیز جاویدانه در تاریخ پر شکوه هرات باستان باقی
 گذاشت) در پیشاپیش صفوف جهاد در میان موثر جینب روسی به
 غنیمت گرفته شده با علم بر افراشته و شکوهمند به قلب دشمن
 لحظه به لحظه پیشروی می کند سربازان راه خدا جل جلاله چون
 فرشته های اسمانی به تسخیر ولسوالی گذره اکتفاء نمی نمایند
 مسیر کارزار خود ها را از طریق پل مالان بصوب شهر هرات
 بر می شمرند عسکر فریب خورده چوپ دروازه ادخال مسیر
 شهر را با یک صاعقه از بین می برند و تفنگ او را در قبضه
 می آورند ، جان پر کفان مجاهد دهات دور و نزدیک پل مالان
 و قراء همجوار آن (از فاصله هلی ۲۰ کیلومتری) به اولین
 صفوف فشرده و پیکار جوانان اسلام گروه گروه می پیوندند
 (صوفی غلام نبی مجاهد پاک طینت در حالیکه در سینه سرشار
 از ایمان خود قرآن کریم را گرفته بود در میان همین صفوف
 جانبازان حق چون راد مرد مقاوم مردم را قریه به قریه دعوت
 به جهاد می نمود این مرد معرکه بعد از دو سال جهاد با
 عظمت در یک درگیری شدیدی در زیارتگاه ، معه فرزند مجاهدش
 به یک نمحه فاتحانه هر دو در زیر رگبار دشمن ملحد به دیار
 شهادت رهسپار گردیدند) و در مسیر پل کار بار درب قندهار
 چون سیل خروشان باندای طنین افکن الله اکبر به حرکت در

می آیند درین لحظه هیجانی هرات صحنه ساز نور و رنگ دیگری
میگیرد و زمزمه شور انگیز فریاد های ملکوتی الله اکبر فضای
سکوت قبل از توفان سرزمین هرات و آسمان و کوهکشان را به
تحرك و لرزه در می آورد البته همچو سیلاب خروشان اجتماعات
رزم جو در تمامی چهار جهت مجاور شهر بطرف مرکز شهر در
حال غلیان و انفجار بود و اهالی مبارز و با عقیده و سرشار از
ایمان شهر هرات به انتظار فرا رسیدن برادران هم سنگر خود
نیز کمین رزم گرفته بودند در حقیقت شهر مدنیت پرور هرات
باستان چون تاریخ زنده خود در حال ساختن انقلاب و غلیان و
خروشدن بود و از چهار سمت هرات کفن پوشان رزم جو
دلفریفتگان راه شهادت در مسیری در حرکت بودند تا در مرکز
شهر نفوذ نمایند و دژ های کفر و الحاد را از بین ببرند البته
حکومت لجام گسیخته با انتهای زبونی و سراسیمگی در تمام
مواضع شاهرگ های مواصلاتی شهر و موقوفات استراتژیکی
نظامی و مراکز حساس شهر عظیم ترین قوای تانک و توپ
های غول پیکر را غرض امحاء و نابودی جنبش حق طلبانه است
مسلمان جای داده بود تا به فشار قوای سنگین و مجهز و مدرن
گوئی قیام رستاخیزی غلبه نور بر ظلمت را در آغاز نطفه میتواند
خفه و معدوم نماید .

غافل ازینکه قوای عظیم و سلاح های محترّف دنیوی های

اندوخته شده شوروی هرگز نمی توانست در مقابل نیروی ایمان ملت به پا خاسته کاری از پیش ببرد ، هر چند با سلاح مجهز ملتی را به خون میتوان غلطاند مسلماً خون آن ملت نطفه انقلاب را ایاری خواهد نمود ، و نمی توان حرکت موج خون ملت ها را خاموش کرد و علی الخصوص خونیکه از میان موج ایمان و عقیده تبلور می کند .

اولین صف فشرده راد مردان جهاد از طریق پل مالان و اینک نعره کنان می خواستند از پل کار بار به جانب شهر در اویزند ولی پل کار بار را تانک ها و توپ های دشمن چون یک دژ غارتگر و ویرانه ساز محاصره و مسدود نموده بودند و در همین جا بود که صفیر رگبار مسلسل بدون لحظه سکوت که متواتر به نواختن در می آمد و هر مرسی آن در قلب و جگر گوشه پاسبانان اسلام و میهن فرو میرفت تانک ها و توپ های زر هپوش دشمن چون رعد و برق به صفوف مجاهدین راه آزادی و وطن به غرش و تهاجم بی امان در می اید از کشته پشته می ساخت و مجاهدین قهرمان چون کوهپایه های سربه فلک کشیده در میدان رزم بدون ترس و ارباب مقاوم و استوار در ستیز بودند درین اثناء یک نفر صاحب منصب پولیس غلام رسول امر تخنیک قوماندانی امنیه گرچه از زمره ایادی کمونیست ها نبود چون نا خود آگاه مردم به پاخاسته را دعوت به آراش

می نمود بی دریغ با اضایت مرعی جانبازان اسلام به دیار
نیستی فروکش مینماید و صدای شلیک توپ های عصیانگر در
داخل شهر به گوش مردم با احساس و مسلمان چون خنجری
که از پشت بر فرق شان کوبیده می شد میرسید در داخل شهر
شیون ناله ها و فریاد ها سرمیزند مردم داغدیده و بی پناه
دروازه های دو کانه را می بندند با دست خالی و کتف کتاره
های آهنی دو طرف سرک های شهر و با بیل و کانگ و چوب
و میله های آهنی به یاری برادران مجاهد خود می شتابند میدان
کار زار برق اسادر محاصره اهالی پیش مرگان راه خدا جل جلاله
قرار میگیرد و تانک های غول پیکر چون باداران لجام گسیخته
بی ایمان خود رویی به فرار و گریز گذاشته و در همین لحظه
غلبه خون بر آهن منظره ماتم انگیزی بوجود می آید که یکی
از تانک های دشمن در هنگام فرار در حدود بیش از ۷۰ سرباز
مجاهد را به خاک و خون کشانیده و اما صفوف فشرده مجاهدین
اسطوره های بی نظیر زمان و تشنگان راه شهادت مردانه به
نبرد پیگیر خود ادامه میدهند و با شعار شهادت و پیش روی به
سوی پیروزی صفحه تازه و افتخار آفرینی را در تاریخ مردانگی و
شکوهند افغانستان قهرمان باز می نمایند . جانبازان معرکه ،
غازی و سپهسالار گل محمد تیزانی رادمرد حماسه ها و جمعه خان
حاجی عبدل و برادرانش درین میدان کار زار با یک چشم به

همزدن چون شاهین های بلند پرواز دشمن را مورد هدف قرار میدادند و با گلوله آتشین * جمعه خان، تانکیست فیته سرخ حلقه بگوش که ناظر گلگون کفنان که خود به خون امیخته نموده بود رهسپار جهنم میگردد و جانبازان حق برق اساتانک جهنمی زرپوش را با اراده متین و خلل ناپذیر خود محاصره نموده به قبضه خود درمی آورند و به آتش می کشند و از زمره سرنشینان مزدور که یک نفر از افسران متجاوز روس بود و بدون لحظه تعلل نتیجه تجاوز در حریم کشور ازاده دیگران (افغانستان) را برایش می آموزند به زندگی ننگین آن برای ابد خاتمه میدهند و چهار سرنشین دیگر تانک که افغانی بودند سه نفر آن را به کیفر اعمال شان میسازند و یک نفر دیگر چون کلمه بزبان جاری میکرد تضرع و التماس می نمود که من مسلمان هستم رها گردیده و مورد عفو پاسداران اسلام قرار میگیرد و در همین لحظه حساس و بحرانی یک تعداد افراد مسلح با سلاح های مسلسل و خودکار خود به مجاهدین سربازان حقیقی اسلام و میهن می پیوندند و صفوف جهاد رنگ دیگری میگیرد و صفحه تازه را باز می نماید در حقیقت پاسداران نهضت و قیام دارای چند میل سلاح مدرن می شوند .

* جمعه خان حاجی عبدل در میدان کارزار گلگون کفنان

۲۴ حوت از زمره راد مردان حماسه افرین و پیشاهنگ جهاد بود مع الاسف در او اخر به دامن مزدوران کمونیست افتید و در همان دامن هم کشته شد .

در حالیکه صحنه کارزار و شدت درگیری سیمای از جهنم و
اتش سوزی راتمثیل می نمود. درین معرکه درگیری تانک
های خانما. نسوز دشمن بروایتی قریب (۷۰۰) نفر و روایت قوی
تر بیش از (۲۰۰) نفر مجاهد، کفن پوشان امت مسلمان جان
های شیرین خود را در راه رضا خدا (ج) قربانی کرده و صفحه
تاریخ را با رنگ خون خویش رنگ جاویدانه می بخشند.

درین لمحہ که جنبش به هیجان انقلابی خود موج خون
گرفته بود موانع حکومت پושالی و اجحاف بعد از ایثار و
قربانی هنگفت امت مسلمان بکلی استیلا گردیده و درهم ریخته
میشود و رزمندگان زیر مرد و باشور و هیجان از پل کاربار عبور
کرده بداخل شهر در مسیر درب قندهار (از زمانیکه صفررگبار
و حمابه های انقلاب اسلامی همیشه ازین دروازه ازاده سر بلند
می نماید این چهار راه بنام دروازه انقلاب مسمی شده است) به
حرکت درآمدند در برابر سیلاب حرکت سرشار از هیجان و
تلاطم جانبازان هر خروش یک نفر ما مور پولیس خلقتی و تعدادی
عساکر و افراد پولیس که شروع به درگیری نموده و لجاجت و
سرسختی از خود تبارز میدادند برق اسازیر هجوم لشکر خدا
(ج) به قتل میر سندو این جنبش اسلامی و اصیل که پیوند نا

گسستنی از عقاید جامعه داشت حتی بدون رهبری و سازمان دهی به سری نابودی ارگان ها و پایگاه های نظامی و امنیتی حکومت ملحد متحیرانه هجوم می آورند. ما موریت پولیس درب قندهار بعد از یک سلسله در گیری و نبرد شدید به ساطه مجاهدین در آورده میشود، تعدادی افراد زیادی از عناصر فریب خورده به دیار مرگ رهسپار می گردند وعده هم از افراد پولیس در اثنای اشتعال آتش جنگ و تداوم جریان درگیری به فرزندان رشید و مجاهدین غیور می پیوندند. محاذ کارزار به حالت بحرانی خود ادامه دارد مسلماً در دقایق اخیری در گیری های افتخار آفرین جانبازان سرشار از نشاط ایمان و اراده آهنین بوضوح روشن می گردد که تمام سلاح های اتوماتیک ساخت روسی ما موریت درب قندهار به تصرف مجاهدین جانباز در می آید. و در همین لحظه است که افق جهاد ، رنگ دیگری میگیرد و حالا یک تعداد سلاح هائیکه از خون بیوه زنان داغ دیده فرزندان به رگبار بسته ، و از سیمای یتیمان خاک الود و گرسنه وطن خریداری و اندوخته شده بود بدست فرزندان جانفدا و پاسبانان حقیقی ملت مسلمان افغانستان می افتد تابه قلب دشمن فرو برده شود در چهار راهی (فلکه) درب قندهار آتش باری متواتر تانک ها و رشادت مجاهدین صحنه هیجانی و جبروتی بار آورده بود با هجوم راد مردان سرشار از ایمان دو عراده تانک دشمن سرا سیمه

شده در مقابل بازار مندوی به بر می غلجده و یک عراده تانک در حالیکه صدای شلیک و آتش افروزی آن لحظه قرار نمی گرفت بایک حمله متحیرانه و برق اسامی مجاهدین جانباز به آتش کشیده میشود و تانک حریق شده و محیل بی محابا و به سرعت به ستون یک درب دوکان ضربه زده و سقف دوکان را بالای تانک فرود آورد با این ترفند شعله های لهیان آتش تانک را خاموش و خفه می کند. در حالیکه جنبش سیمای ملکوتی و سرود آسمانی را در بر گرفته بود دشمن سبانه او این بمب را در سپیده دم ۲۴ حوت بالای جانبازان فریاد رس جهاد پر شکوه فرو ریخت که ویرانه های امیخته به خون از خود باقی گذاشت .

نبرد پیروز ماندانه جانبازان راه حق لحظه به لحظه شدت میگیرد ، در سرک کارته مقابل حمام مجیدی ها یک عراده جیب روسی در حالیکه سرنشینان آن مسلح بوده و جانب درب قندهار مجاهدین جان برکف را با شلیک رگبار ، ورد هدف قرار میدهد و با هجوم سیل خروشان مجاهدین قهرمان به محاصره در کشیده میشود سرنشینان آن به کیفر اعمال خود میرسند و پودر جیب روسی به آتش خشم مجاهدین زبر مرد حریق میگردد. در اثنای که صحنه درگیری و نبرد آتشین و متحیرانه رادمرسان سرشار از عقیده و ایمان به اوج عظمت و شکوه بندی خود ادامه دارد در میدان کارزار عبدالصبور امر امنیت قوماندانی امیه

برای ابد به جهنم مرگ سپرده میشود .

بیکار جوانان با درد و چهره های ملکوتی راهی راکه در پیش گرفته بودند ادامه میدهند. اما یک عده خلقی های فرصت طلب تا آخرین لحظات فرار دست از ترور و ادم کشی بر نمی دار در بالای بام مکتب صیفی ستر اخفا نموده وبا تیرا نندازی های متواتر و شلیک مسلسل بالای فرزندان صدیق و دایر وطن ، گروه زیادی از شیر مردان راه آزادی را به خاک و خون می غلطانند اما مجاهدین بلند پرواز چون عقاب های اسیا بر بام مکتب صیفی در میان موج های آتش مردانه هجوم می آورند و این دژ بزر فساد را هم تسخیر می نمایند و خلقی هایی مسلک چون موش های زبون در سوراخ های خود فرار کرده و اگر دوبا داشتند دوبای دیگر هم قرض می نمایند در عقب مکتب در لانه های تاریک و نا معلوم پناه میبرند.

سبل جنبش ملکوتی همچو کاروان نور به طرف چهار سوی شهر کهنه میلان مینماید و باید ملتفت بود که در همین لحظات و دقایق در تمام نواحی شش گانه قیام مردم با اوج عظمت خود در حال تلاطم و غلیان بود .

حالا نزدیکترین شاخه جبهه پایداری رزمجو سبل مقاومت که از ساهراه غرب هرات نسبت یکجا شدن و همبستگی در یک صف واحد و فشرده نهضت رستا خیزی جهاد پر شکوه بطرف

مرکز شهر در حرکت بود همانا جمعیت وسیع پیکار جویانی بودند که از صوب زیارت میر مالح و قرا اطراف آن (شاخه از مجاهدین حوزه غرب هرات) به جانب بازار و درب عراق با نعره های جبروتی و ملکوتی الله اکبر میل اساسا سرا زیر می شوند. قوای فریب خورده و یا چهره های ملحد حکومت دست نشانده در بالای پا مهای ما موریت پولیس درب عراق مخفی می شوند و ازین لانه و دژ طاغوتی بی محابا در قلب پاسداران اسلام و میهن آتش ورگبار مسلسل حواله می کنند و این گلوله های آتشین و تیر های خصمانه که در دیدگان فرزندان رشید فریفتگان اسلام فرو میرفت ارمغان به اصطلاح فرشته های صلح امپریا لیزم روسیه بود که به ملت مسلمان افغانستان قهرمان تحفه و هدیه می گردید ، و امت مجاهد هرات شور انگیز با تحمل تلفات سنگین و از دست دادن تعداد زیاد از فرزندان اصیل و مبارز خود در بازار عراق مقابل ماموریت پولیس هرگز روحیه مجاهدت خود هارا از دست نمی دهند لحظه به لحظه فشرده ترمی شوند و هر نوع قربانی را برای آزادی میهن خویش با دیده باز و خون الود و اغوش گرم استقبال می نمایند در حقیقت این صحنه های حکایتی از تاریخ مملو از خون هرات شهید پرور و تداوم جریان رشادت و حماسه های دل انگیز مجاهدین جان برکف است که در لبه حساس و خطرناک تعدادی از مجاهدین و به خصوص شهید

فضل احمد و کیل داشگر ها از عقب ماموریت با سوراخ کردن
 ماموریت و تحمل تلفات و قربانی زیاد معبر ادخال بام ماموریت
 درب عراق را باز می نمایند درین ازمون حق و باطل و دقایق
 حساس (۵) نفر مجاهد راه حق مورد اصابت گلوله های اتشین
 افراد پولیس قرار میگیرند و به زندگی شیرین خود در اغوش
 پاسداری از اسلام راه نجات وطن جاویدانه وداع می گویند و
 ماموریت پولیس یا جولانگه خونین کمونیست ها به تصرف
 مجاهدین در می آید ، اسامی قادر مامور درب عراق (امر ما
 موریت درب عراق) در اتش در گیری که آغاز نموده بود بتلی
 رسیده و به تعقیب ان اسامی حنان ساتنمن درب عراق به کیفر
 عمال خود میرسد و تعداد (۷) نفر از مؤظفین جنایت پیشه
 ماموریت نیز به زندگی ننگین شان خانمه داده میشود و در اسرع
 زمان سلاح های ماموریت پولیس به قبضه مجاهدین در آمده ،
 فوتوهای تره کی و نشان های خلتی و برجمی از در و دیوار
 های ماموریت برین انداخته شده و در زیر چکمه های راد مردان
 مجاهد تکه باره گردیده و به اتش کشیده می شوند و در مسیر
 جاده ها لوحه های سرخ و شعار های کمونیستی (رژیم ملحد و
 منحنط افغانستان گمان میکرد که روند مبارزه و انقلابی بودن این
 معنی را دارد که در ، و دیوار و ادارات و بازار را رنگ سرخ
 تابه کنند) را به جهنم فناؤنا بودی فرورده میشوند . و

همانگ با پیدر زاد مردان این دیار در تمام شاهک های عمومی
شهر مجاهدین قهرمان در قلب دشمن بیشروری می کنند .
در همین اعطات اخیری در هم شکستن ماموریت درب
عراق ، یک عراده تانک زرهپوش غول پیکر دد منش که غرق
در نشه ظلمت و گمراهی بود به کمک ویاری قوای در هم ریخته
شده ماموریت درب عراق می شتابد در حدود پیش از (۵۵) نفر
مبارز ورزمنده را در زیر شلیک آتش بیر رحمانه خود به خاک و
خون فروکش می کند . وصفوف جانبازان سبیل مقاومت هر
چند از نگاه کمیت و کیفیت داشتن سلاح تهی دست بودند ولی
با سینه های برهنه پرسوز و مملو از ایمان و رشادت ، دیگر
حکایتی از حماسه های جاویدانه بشریت خواهند بود و با دست
خالی بدون راکت و مرمی ضد تانک ، برق آسا بایک تنهاجم
دلیرانه وراسخ بر بالای تانک خون اشام فایق می آیند و تانک
جنایت پیشگان حرفوی را محاصره نموده و به آتش می کشند و
تعداد (۷) نفر سر نشینان تانک مذکور که ازان جمله دو نفر
ان از افسران متجاوز روسیه بود در زیر چکمه های پولادین خود
برای ابد ازین بردند ویک بار دیگر نتیجه درس تجاوز را به
روس های ماجرا جوی طواغیت فتنه انگیر و توسعه طلب
اموختند .

در حالیکه طلوع صبحگان ۲۴ حوت خونین هنوز چند نیزه

بلند نه شده بود این روز حماسه ها ، اشعه خورشید ونگ دیگری داشت و خون شهدا رنگ آزادی ولاله های آزاده را ترسیم می کرد. صفوف مجاهدین درب قندهار (دروازه انقلاب) و جمعیت مبارز درب عراق در محل چهار سوی شهر کهنه چون فرشته های آسمانی وباران ملکوتی دریک مسیر ویک سنگر قرار میگیرند . درین اثنا اجتماع دیگری از مجاهدین قهرمان در نفس چهار سوی کهنه به ماموریت پوایس شهر کهنه هجوم می آورند دو نفر از افراد پوایس بقتل میرسند و بعداً ماموریت پوایس در میان سیل خروشان جمعیت انبوه مجاهدین بدون محاربه و مقاومت سر تسلیم و تعظیم راخم می نماید و سلاح های مسلسل و تجهیزات ماموریت پوایس بدون ضیاع وقت بتصرف مجاهدین می افتد مسلماً عکس های تزه کی ، شعارهای کمونیستی و لوحه های سرخ در زیر انگه های مجاهدین معرکه جهاد ، نمودی از شکست و زبونی کمونیزم بود و کمونیست ها بود که دژ های طاغوتی شان با تانک و توپ یکی بی دیگر سقوط کرده میرفت .

جبهه پیکار جوی جانبازان راه حق برق اما به طرف شهر نو سرا زیر میشود و دشمن مبتلا به جنون ، سرا سیمه و وحشت زده در کنار افسران روسی از پناه گاه ها و سوراخهای مخفی ناجوان مردانه به اعمال وحشیانه و خصمانه خود ادامه داده میروند و از ناحیه پای حصار از طریق جاده کم عرض ذریعه

تانک های زرهدار مجاهدین تهی دست را مورد اصابت صرمی های متواتر قرار میدهند و تعداد کثیری بیش از (۲۰۰ الی ۵۰۰) نفر از مجاهدین و فرزندان رشید قیام اسلامی که سرود آزادی را زمزمه می کردند جام شهادت را نوش می نمایند ، این ها چون فرشته های آسمانی و سبدهای گل های جامه سپید که در موج های خونین ، رنگ خون و داغ لاله گرفته بودند در زیر انوار آسمان در صحن سرک می درخشیدند که امار این جامه گلگون کفنان نهایت هنگفت و حیرت انگیز بود که همچو جنایتی تاریخ هرگز بیاد ندارد ، البته ارقام دقیق و مؤثق شهدا زنده جاوید ان معرکه که صفحه تازه تاریخ خونین کمونیست های جهانخوار را به خاطر می آورد تا حال بصورت درست معلوم نشده و تعدادی زیادی هم از مجاهدین شیفتگان مکتب شهادت به اثر اصابت گلوله های تانک به شدت که زخمی شده اند ارقام تلفات بعدی آنها هم نیز مجهول و نامعلوم مانده است و صرف نعلش های (۲۰) نفر مجاهد مجهول الهویه در بین صدها جامه به خون تپیده که معطر به خون شهادت گردیده بودند در محضر سرک عام باقی مانده بودند چون نوبت کراچی های دستی که گل های از گلواله بریده شده و به خون فرو رفته را به جای های امن حمل می نمودند و از جانی از شدت وخامت آتش باری دشمن و از طرفی این شهدا حق از خود

وابستگان نداشتند که آنها را در منزل شان انتقال دهد و این ها با سینه های برهنه و سرشار از ایمان از قرا و حومه دور از شهر به میدان کارزار جهاد آمده بودند در حقیقت این گلگون جامه های به خون خفته تا شام مهمانان خدا جل جلاله بودند که فرشته های اسمانی آنها را نظاره می نمود و از انوار سیمای ملکوتی این شهدا، نور آزادی بر فضای سرتا سری هرات شهید پرور هر لحظه می درخشید، و تداوم جریان انقلاب اسلامی را در اغوش پیروزی نطفه می بست.

در میدان این معرکه حق و باطل امبولانس های مدرن و اتومبیل های سریع السیر موجود نبود که نعش های شهدا راه حق را به محل معینی انتقال دهد بازهم کراچی های دستی کارگران محروم ولی سرشار از ایمان و احساس چون امبولانس های سریع السیر و شاهین های بلند پرواز از میان رگبار و شلیک آتش باری های متواتر نعش های راد مردان به خون خفته خود را به مساجد و خانه های همجوار معرکه انتقال می دادند و زخمی ها را تیمار داری و مداومی نمودند و هر لحظه فریاد مردم از قلب خونین و داغدار جامعه به خون خاسته، به سوی ساختن حماسه های جدید و انقلاب گسترده اسلامی نطفه تازه می بست. در حالیکه تانک های پای حصار به آتش باری متداوم خود مسیر بازار شهر کهنه و محل چهار سوی ادامه میداد و مجاهدین

سنگین ترین تلفات نیز همانه دشمن را متحمل شده بودند. اینک صفوف مجاهدین درب قندهار (دروازه انقلاب) و جمعیت انبوه مبارز درب عراق با صدای طنین انداز الله اکبر به یاری مجاهدین محل چهار سوی می شتابند چون فرشته های آسمانی و یارانی ملکوتی در اغوش هم در یک مسیر و یک سنگر به طرف پای حصار و شهر نوبوق اسرا هجوم می آورند و غرش تانک ها و توپ های ویرانه ساز مانع از پیش روی مجاهدین در قلب دشمن میگردد و فضای تاریک پر از زود و باروت، تانک ها و رعد و برق شلیک مرمی های مسلسل سیما از جهنم و ظلمت را بار آورده بود و مجاهدین قهرمان چون عقابهای بلند پرواز از کوچه پوستین دوز ها و از طریق مسجد مشهور به غودال ماهیرانه بر فراز بام های دوکان های اطراف سرک بالا شده و با سرعت و با سرع وقت خود را به محل پای حصار موضع توپ ها و تانک های غارتگر میرسانند درین فرصت هر چند شلیک توپ و تانک و مرمی های رگبار مسلسل بطور سرسام آور فضای شهر را به کوره آتش ویا شبهه به یک کپکشان مملو از رعد و برق مبدل کرده بود و رزمندگان تاریخ ساز، قهرمانانه بر دژهای دشمن، هجوم می آورند و با متانت و ولایت گوئی چون کماندو های ورزیده یک عراده تانک زرهپوش را تسخیر نموده (۲) نفر ضابطه خلقی و یک نفر روس را از تانک بیرون می کشند و بقتل میرسانند و (۲) نفر عسکر داخل تانک

را بعد از خلع سلاح کردن و جاری نمودن کلمه توحید مورد
عفو قرار داده رها می نمایند البته یک نفر روس دیگر که سراپا
جین و رس او را احاطه نموده بود به هیچ وجه از تانک خارج
نگر دیده معه تانک او را به آتش می کشند و چهره کثیف روس
متجاوز در داخل تانک سوخته و به یک کالبد ذغالی روی سیاه
مبدل گردیده بود که حتی تا مدت سه شبانروز این کالبد روی
سیاه و جنایت پیشه در بالای تانک حریق شده در محضر عامه
به نمایش گذاشته میشود ، و هر لحظه شدت درگیری و حماسه
های رشادت جانبازان حق ، دنیای از هیجان و عظمت و هیبت
جهاد را ترسیم کرده میرفت ، چه پرشکوه و با عظمت که یک
نفر قصاب مجاهد از انتهای خشم از بام دوکائی بالای یک نفر
عسکر فریب خورده که متواتر بالای مجاهدین قهرمان آتش باری
می نمود خود را انداخته و با کارد خود عسکر را از پا در آورده و خلع
سلاح می نماید ، و همچنین دو عراده تانک دشمن سرا سیمه در
کنار ارگ در مقابل مقام جبروتی خرقة مبار که سرور کائینات به
زمن فرو می غلطد و در زیر چکمه های پولادین مجاهدین جان
بر نف منهدم و تخریب میگردد و یک نفر از سر نشینان آن که
تازک لحظه پیش از خدا (ج) غافل بود اینک در جوار خرقة
مبارکه پناه می آورد و از مرگ نجات می یابد .
در حالیکه کاروان مجاهدین منزل به منزل در قلب دشمن

پیشروی میکرد یک گروه از مجاهدین در حساس ترین موقعیت
استرا تیزیکی قلعه اختیار المدين . مشهور به ارگ سیل اسما هجوم
آورده و به قطعه کندک ضابطان و تولى تقيه تسلط حاصل می
کنند ، عساکر فریب خورده را خلع سلاح نموده ورها می کنند
و مجاهدین سلاحشور چون شیران خشمگین در مواضع حساس قلعه
سنگر می گیرند و دشمن را سردانه مورد هدف قرار میدهند و
جمعیت انبوه از مجاهدین دلیر با مشت های آهنین و سلاح بیل
و کلنگ و میله های آهنی بر تانک ها هجوم می آورند و روس
های متجاوز زنده زنده قضایای حماسه های صیبه پایداری و
مقاومت ملت مسلمان هرات را به چشم سر می بینند و طعم تلخ
جنبش مقاومت اسلامی را در مقابل خشم و اراده آهنین جانبازان
حق یک بار دیگر تجربه می کنند و در می یابند که دیگر آتش
تانک و توپ تاب و تون مقابله جنگ عقاید است مجاهد هرات
مقاوم را ندارند ، بی درنگ تانک ها و توپ ها میدان کار زار
پای حصار را تخلیه نموده فرار می نمایند .

لحظه از حماسه های جاویدانه کفن پوشان مجاهد بشنوید !

در اثنا شدت درگیری میله یک تانک که در حالت یک
حرکت دورانی بطور مسلسل به سوی مجاهدین هدف گیری می
نمود و از شدت آتش باری گداخته شده بود یکی از فرزندان
صدیق و کفن پوشان سر سپرده راه حق در مقابل زیارت میر

سلطان عبدالواحد شهید غرض جلو گیری از حرکت دورانی میله تانک ، تا حیات صدها مجاهد را از آتش باری تانک نجات دهد میله تانک را با دو دست خود در سینه مملو از ایمان خود محکم گرفته بود و مانع از حرکت و هدف گیری میله تانک می گردید . زمانیکه جمعیت وسیع مجاهدین راد مرد تانک خون اشام را معاصره نموده و به تصرف در می آورند درین لحظه در می یابند که گوشت و پوست دست ها و سینه این سرباز جانفدا در اثر شلیک متواتر گداخته شدن میله تانک تا ذل اسفخوان های آن سوخته و به تانک چسبیده است این جاست که حماسه ظفر افرین یک سرباز مؤمن بر تانک ها و توپ های دشمن نقش جاویدانه تاریخ میگردد .

حماسه از حماسه های دیگر ! یک جوان کم سن ولی مبارز و اسطوره مقاومت ، در حالیکه صرمی گداخته شده رگبار مسلسل شدیداً به پایش اصابت کرده بود و قسمت شتالنگ (مفصل بچولک پا) مجاهد را بکلی قطع کرده و از حرکت انداخته بود در چهار راهی پای حصار بدون ترس و توحش با چهره نورانی بزمین افتیده بود و باسیمای بشاش از خون و ایمان مردم را دعوت به جهاد و پایداری می نمود و هرگز حاضر نبود که از صحنه کارزار در گوشه مصئون او را انتقال دهند .

شهر هرات در زیر امواج حباب های خون و نعش های
شهادت ملوکوتی و ندا های جبروتی ۱۴ حوت خونین گگون
کفتان ده ها حماسه های جاویدانه دارد که بر شمردن آنها را
قلم شکسته پارای آن نیست .

چشمه یادداری جانب غرب هرات :

غمازنگ و همزمان با قیام مردم درب قندهار (دروازه
افتلاب) و اهالی درب عراق ، در حومه غرب شهر مرد خیز هرات،
جمعیت وسیع گسترده از مردم بلا دیده و ستم کشیده قرا و
قصبه های مجاور چون سیل خروشان پر پیچ و خم منزل به
منزل در معاذ کار زار مرکز شهر هرات یکپارچه مشتمل سرا
زیر می شدند یک گروه از مجاهدین در پل هاشمی به فاصله
(۲۰) کیلو متری غرب هرات با قوای مجهز و مسلح دشمن در
گیر شده و به اسرع زمان قوای دشمن را متلاشی نموده و بطرف
مرکز هرات هجوم می آورند و گروه گروه افراد قرا و قصبه های
غرب شهر به صفوف مجاهدین می پیوندند ، در حالیکه فریاد و
نعره های آسمان خراش مجاهدین از نواحی دور و نزدیک بر
فضای شهر انعکاس وطنین انداخته بود که پشت هر کمونست
را به زمین خم می کرد . صفوف مجاهدین لحظه به لحظه
گسترده و گسترده تر به صوب شهر در حال نفوذ کردن و
پیشروی قرار داشت که در قسمت شاهراه عمومی مقابل زیارت

خواجه کله به موانع دیوار پولادین قوای مجهز توپ و تانک و رگبار مسلسل مواجه میگرددند و آتش درگیری به کناره های آسمان شرازه می کند و با شلیک آتش بار یک تانک زرهپوش در حدود بیش از (۲۰) تن از مبارزین تپه دست به خون گرم خود اغشته می گردند و گروهی هنگامت زخمی شده و جراحت بر میدارند نعش های شهدای راه آزادی ذریعه کراچی های دستی دلباختگان رنج دیده و با احساس به مسجد دیوانچه نقل داده میشود و به اثر آتش باری یک عرابه تانک حرفوی و جنایت پیشه در جوار سرک عمومی یک در بند حویلی محقرانه منهدم و به خاک فروسی غلطد و در زیر آوار این آتش باری خانمانسوز تعدادی (۷) نفر طفل معصوم که از صدای مهیب توپ ها و تانک ها سراسیمه و مضطرب در گوشه از حویلی پناه برده بودند بیرحمانه به خاک و خون کشانیده میشوند . درین مرحله حساس مسلماً ندای غیبی شهدای معصوم از زیر آوار ویرانه های ماتمسرای ، و خونا به ها ، و سرود های ما دران داغدیده در فضای جنبش انعکاس نموده و اثر سختی باقی می گذارد . و صفوف فشرده مجاهدین خشمکین غرض همبستگی و متحد شدن با مجاهدین داخل شهر و نفوذ ورخته کردن در مرکز شهر و پایگاه های نظامی ، مسیر حرکت خود را بعد از تحمل و قبول عمیق ترین تلفات زیاد ادامه داده میروند که امار

دقیق شهردا، این معرکه ملکوتی هنوز واضح و روشن نیست . و جانبازان با درد و مملو از عواطف اسلامی که می خواستند در نزدیکی پارک (چون) بازار ملک نعش های شهیدان زنده جاوید خود را از متن سرک عمومی کنار بیاورند و یا به جای دیگری انتقال دهند ، پیرحمانه مورد شلیک و آتش باری متواتر دشمن قرار میگیرند که تعداد هنگفتی بمقام رفیع شهادت می شتابند . موج عظیم جنبش غلبه حق بر باطل بعد از قربانی و ایثار بی نظیری توانست که معبری برای عبور و ادخال شهر باز نماید، در نواحی درب ملک و بازار شهر نو شعار ها ، لوحه های خاکی و ارم و نشان های خلقی ها و پرچمی های کمونیست و مزدور بدون لحظه سکوت به دیار نیستی فرو برده میشد و به تعقیب آن محوطه و ساختمان بزرگ شاروالی را با اولین هجوم دلیرانه خود به قبضه و تصرف در می آروند عکس ها و شعار ها و آثار کمونیستی یکی پی دیگر طعمه حریق گردیده و دیگر با نعره طنین انداز الله اکبر و قدرت جبروتی مجاهدین قهرمان فضای شهر و زمین و آسمان به لرزه در می آید و کمونیست های زبون یکی پی دیگر سراسیمه صحنه کار زار را ترک میدهند ، و جمعیت مبارزین به سوی ما موریت پولیس شهر نو سرا زیر میشوند و با اولین هجوم دلیرانه مجاهدین ، ما موریت پولیس بدون مقاومت . مقابله که حتی یک فیرهم صورت نمی گیرد به مجاهدین جان

بر کف تسلیم می شوند و یک میل تفنگ یازده تیر برسم
همبستگی به مجاهدین راد مرد اهدا می نمایند، شعارها و
اسناد کمونیستی به آتش کشیده شده و میل مجاهدین واپس
به جانب شهر میلان می نماید درین اثنا تعداد سه تن از افسران
روسی که استرا تیزی مقابله و پلان جنگ را رهبری و بر روی
می نمودند با هجوم برق اسامی مجاهدین دلیر به قتل میرسند که
نعش های متعفن این جنایت پیشگام متجاوز تا صیاهی شب
در میان جاده عمومی به رسم خار چشم کمونیست های زبون
افتیده بود چه عجیب شب هنگام از میان صدها نعش معطر
شهدا گلگون کفن صرف همین سه جسد متعفن روس های وحشی
سگن بازار تکه پاره می نمایند و گوش بینی این ها را می خورند
و هر چه بیشتر به رسوائی و افتضاح کمونیست ها می افزایند.
مجاهدین زبر مرد میدان کارزار را لحظه به لحظه وسعت داده و
به هیبت و جلال قیام می افزودند و از هر پناه گاهی مخفی و
سوراخ تاریکی اگر خلقی و یا مزدور سرسپرده را در می یافتند بی
درنگ او را به کیفر عمال آن میرساندند در همین لحظه های پر
شور و هیجانی است که سیل پرخروش مجاهدین راد مرد به منزل
و یستوک اینترک روسی (نماینده پشم) هجوم می آروند در
حالیکه زن این مزدور منجمد بیگانه فرار نموده و خودش بدون
لمحه درنگ برای ابد به جزا عمال خود میرسد.

جنبه پایداری جالب شمال هرات :

گروه انبوه مبارزین سرشار از احساسات و مملو از ایمان از نواحی شمالی شهر به جانب مرکز شهر نو با زمزمه دل انگیز الله اکبر به حرکت و میلان در آمدند در قسمت سه راهی مقابل لیسه مہری علی رقم آتش باری دو عراده تانک زر هپوش آلوده به ظلمت به یک در گیری نبرد خونین مواجه میگرددند و تعداد (۷) تن از مجاهدین دلیر زندگی را پدرود گفته و تعدادی هم زخمی و مجروح می شوند بآنهم مجاهدین تہی دست با سلاح ایمان گروه گروه بطرف نانک های جنایت پیشه هجوم می آورند دشمن سست عنصر و زبون هر چند درمیان مدرن ترین تانک های عصر قرار دارد فرار را برقرار ترجیح داده سراسیمه میدان کار زار را تخلیه می نمایند و گروه مبارزین سمت شمال در محل چهار سوی شهر نو با جمعیت انبوه مجاهدین و سربازان مجاور و ماحول فرا شهر هرات چون یاران بہشتی بہم پیوستیده و در آغوش گرم یک سنگر قرار میگیرند و این یاران بہشتی صفوف فشرده مجاهدین چون سیل پر خروش و مدحشی عصر با زمزمه شوز انگیز الله اکبر و کلمه دل انگیز لاله الا الله کہ فضای کہکشان و دل شنونده را مہبوت و خیره نموده بود بصوب مرکز ولایت و محبس هرات کہ آخرین دژ مستحکم و ظلمت گاہ زمان بود بہ حرارت در می آیند در امتداد جاده شهر نو اوج

های سرخ و شعار های دست آورد های مزدوران خلقی و پرچمی را سنگ باری نموده از بین می برند و سلاح مجاهدین هما نا کتاره های فازی کنار سزک و میله های آهنی لوحه های اشتهارات دولتی و چند دیل تفنگ پنج تیر ، یازده تیر ، برناو ، ژسه و سلاح های غنیمت گرفته شده محدودی بش نبود . پرچمی ها و خلقی های مزدور و زبون در سوراخ های تاریک و بالای بام دوکان های کارخانه برق و تعمیر داتر بیروی سیاسی حزب تحصن بسته بودند مذبوحانه از پناه گاه های مخفی بالای مجاهدین متواتر شلیک می نمودند و مجاهدین با تحمل تلفات سنگین دسترسی به پناه گاه های مخفی این دشمنان خلق و میهن پیدا کرده نمی توانستند مجاهدین جان برکف با حریق نمودن دروازه کارخانه برق سعی و تلاش بخرج میدادند تا معبری غرض تعقیب کردن و نا بود ساختن خلقی های تحصن یافته بار نمایند در میان سرک و کنار دروازه طاهر های لاستیک را آتش زده بودند و شعله های آتش فضای جاده را فرا گرفته بود ولی چون دروازه اکثرآ از فلز بود و کار به جانی کشید: شد و ار جدار سوراخ های دروازه مجاهدین راه حق بطور متوارد و پی در پی مورد شلیک مسلسل های افراد فریب خورده و روس ها قرار می گرفتند که در نتیجه نا گوار یش از (۲۰) تن مجاهد به مقام رفیع شهادت نایل آمدند و تعدادی هم جراحت برداشتند

البته کراچی های مردم محروم و با احساس چون امبولانس های سریع السیر از جاده لیسہ مہری ، سرک کلاب بہ میدان کار زار برق اسا فرا میرسید و نعلش های شہدای زندہ جاوید و زخمی های جامہ آمیختہ بخون را در جای های امن انتقال میدادند و صدای رگبار و صفیر گولہ و دود سیاہ و غلیظ باروت فضای شہر را بہ یک کابوس جہنم سوزان مبدل کردہ بود و مجاہدین قہرمان با تحمل تانکات ہنگفت بر دفتر مرکزی بیروی سیاسی کمیٹہ ولایتی بہ اصطلاح حزب خلاق چون عقاب های بلند پرواز ہجوم بردند دفاتر حزب و دفتر اصلاحات تقسیم اراضی را بہ آتش کشیدند عکس های ترہکی و اسناد لانہ جاسوسی حزب در میان آتش لہبان کہ شرارہ می نمود سوختانده شد عکس سربریدہ ترہکی ماخذ را بہ رسم زبونی و خار چشم کمونیست های مزدور بر دیوار تعمیر دفتر حزب وا رونہ اویزان کردند و کتلہ های انبوہ و وسیع جانبازان راہ حق بہ جہت استیلا مرکز ولایت و مجلس ہرات بہ اخرین پناہ گاہ های مزدوران خلتی و پرچی شتافتند در چہار راہی چوک پارک شہر نو نبرد حیرت انگیز بوقوع می پیوندد کہ در اثر آن یک عرادہ جیب روسی مجہز با سلاح های کلاشینکوف کہ افراد زیادی را در مقابل مسجد جامع و جادہ شمالی مسجد جامع با عظمت ہرات بہ شہادت رسانیدہ بود با ہجوم ظفر مندانہ مجاہدین

در اولین ضربه از بین برده میشود. جمعیت عظیم مجاهدین که از بالای بام بانک ملی مورد اصابت مرمی های مسلسل قرار میگیرند بی درنگ بانک ملی با یک حمله همگانی سرکوب گردیده و درهم ریخته میشود و به منابع پولی آن کوچکترین تصرف و تشبث بعمل نمی آید در مسیر راه مجاهدین جانپاز به دفتر اطلاعات کتور مواجه گردیدند که این دفتر جهمی نمودی از دست آورد های چهره نحس نظام فاسد بود و در حقیقت این دستگاه ارتباط جمعی به مثابه سالون ادب و وزی وارداتی مارکسیزم و لانه تخدیر اعصاب مات در آمده بود و بطور روز افزون علی رغم مقدسات و منویات جامعه اسلامی مطبوعات به حکم خنجری بود که بر احساسات و دلب ملت کوبیده میشد مسم مطبوعات به شدت بر بالای جامعه در پهلوی ده غاستم و شکنجه دیگر روا داشته میشد. مبارزین هدفمند و با عقیده چون شیر های خشمگین برین لانه فساد هجوم می آورند و بی محابا این کانون الحاد را به آتش می کشند. و جنبش در انتهای رفعت و عظمت خود با بر افراشتن علم اسلامی معلی سربه فلک کشیده در حال پیشروی و سبقت جوئی به جانب مرکز ولایت و حصار محبس در حرکت میباشد زمزمه شعار های انقلابی مجاهدین گوئی فرشته های آسمانی تعقیب می نمودند انعکاس آن فضای دگر گونی بار آورده بود. توپ ها و

تانک های غول پیکر که در مقابل مرکز ولایت لنگر انداخته بودند بدون لحظه سکوت متواتر بالای مجاهدین قهرمان آتش حواله می نمودند و از عقب ستون زرهی قوای قوماندانی امنیه در موقعیت حساس چهارراهی پارک شهر نو به آتش باری دامن گیری ادامه داده می رفتند و گروه انبوه مجاهدین در حالیکه از دو طرف هوای دشمن محاصره شده بودند و مبارزین اسطوره مقاومت با آخرین لحظه ایثار و قربانی برای دفاع از وطن باجبین باز و اغوش گرم مرمی های دشمن را استقبال می نمودند . با شلیک متواتر توپ های مغرب دشمن ، مجاهدین از کشته پشته میدادند و یک جوان کم سن در عین رزم که دست تپه آن مورد اصابت مرمی یک نفر ضابط خلقی قرار میگیرد با دست خالی و چشمان خیره به ضابط ملحد نگاه می کند و یک نفر عسکر با احساس حاضر می شود که تفنگ خود را به آن مجاهد زخم برداشته بدهد تا ضابط مزدور را به کیفر اعمالش برساند مع الاسف که دست مجاهد خورد سال از قوت و فرمان رفته بود و دیگر مجال انتقام گرفتن را نداشت . از جانبی عوامل مزدور از پناه گاه های شفاخانه هرات ، و روس های متجاوز از بالای بام و مخفی گاه های تعمیر مدیریت عمومی زراعت و یک تعداد روس های متشبث از تعمیر (نیازی) که قبلاً شرکت مالداري در آنجا بود و حالا مکتب صنایع را تشکیل میداد متواتر مجاهدین

جانباز را به مسلسل و رگبار ماشینی‌دارها می بستند در میان سرک عمومی از نعش های افتخار آفرین مجاهدین دیگر جای پائی ماندن باقی نمانده بود و دریا خون درمیان سرک و با تلاطم زیاد جریان داشت و امار این شهدا به خون فرورفته را نمی توان به حساب آورد ، گرچه مجاهدین دلیر با حمله آن به تن ، روس های مسلح تعمیر (مکتب صواعق) را به کیفر عمال شان رساندند بانهم چون از چهار طرف محاصره شده بودند و از زمین و آسمان بالای شان آتش حواله میکردید مبارزین کار آگاه و ابدیده به همت توانای خویش از طریق منازل رهایش اهالی هرات معبر های باز نمودند و متواری و متلاشی گشتند و بعد از نجات یافتن از حلقه محاصره به سرعت گروه های مجاهدین منسجم و متراکم گردیده . گروه وسیع جانب قوماندانی امنیه مارش نمودند و جمعیت انبوه و عظیمی غرض رهائی محبوسین سیاسی بصوب محبس هرات سرا زیر گردیدند .

محبس پولادین هرات :

قلعه حصار مستحکم محبس جنائی هرات که دارای چهار برج سنگی سربه فلک کشیده است و ساختمان بزرگ و ضخیم آن که بطرز فنی و خاصی اعمار گردیده در حقیقت بزرگترین پایگاه نظامی و تهاجمی میباشد که به قسمت شمال شهر واقع است تا آغاز قیام قریه سلیمی در حدود (۳۲) محبوس سیاسی در سلول

های آن رنج می بردند و تا شب قیام حماسه ساز ۲۴ حوت تعداد زندانیان سیاسی به (۷۵) نفر رسید که در قسمت مرکزی آن یعنی در توقیف محبس- محبوس بودند. و با فرا رسیدن زطفه های قیام هر روز زنگ خطر مرگ توأم با شکنجه زندانیان سیاسی بصدا در می آمد سه روز قبل از قیام انقلاب افرین ۲۴ حوت خونین (یوم دو شنبه ۲۱ حوت) به یک حالت خطر ناک و غیر منتظره سه نفر از زندانیان سیاسی، بنده قاصر، جناب خطیب صاحب مسجد جامع زیارتگاه و غلام حیدر پرچی را دو نفر صاحب منصب مسلح عسکری گوئی به اقامت گاه مرگ می بردند از محبس خارج نمودند بعد از چشم بستن و خریطه به سر انداختن ها بصوب نامعلوم در بین موتر لندور با یک ساسله صحنه سازی ها و سر انجام به زندان مخفی که ناله و فریاد و صدای شکنجه و شلاق زدن هادر هر گوشه و کنار آن به گوش میرسید انتقال داده شدیم هر یک ما جداگانه در سلولی که ده ها مرگ با شکنجه و اعدام اندوهگین در آن سلول های انجام شده بود به بندکشیده شدیم تهدید مرگ، دندان شکستن ها بذریعه تننگچه، برچه زدن ها و برق دادن های متواتر یکی پی دیگر جز تحقیق و استنطاق مستنطقین ملاحظه بود همه باز پرسى ها و تحقیق روی قیام قریه سلیمی و پس منظر پیروزی آن بود مستنطقین کمونیست چیزی پدست آورده نتوانستند تهدید مرگ به یک ساعت بعد

اعلام گردید در اطاق (سلول) دیگر با چشمان بسته به زنجیر کشیده
 شدم گمان میرفت که تحقیق و شکنجه دو نفر دیگر همسفرم آغاز
 شده بود حقیقت هم همین طور بود صدای فریاد، شلاق زدن ها،
 گوئی چشم از چشم کشیدن ها به گوشم میرسید سیاهی تاریکی شب
 به اضطراب ماجرا می افزود در نیم شب در اطاق در بسته در
 کنارم جانباز راهی حق در زیر پتوی سیاه به خواب رفته بود
 وجودم سراپا برق گرفته بود حرکت کردن مشکل بود ساعت
 قریب ۲ بجه شب بود دریانتم که این سر باز راه حق در زیر
 فشار شکنجه ملحدین در میان موج های خون به خواب جاویدانه
 فرو رفته است از در و دیوار این مخفی گاه بوی خون و زنده بگور
 کردن ها و داغ و فانه کردن ها لمس می شد و به مشام میرسید
 قصه کوتاه دروازه باز شد گوئی به طرف مرگ رهسپار می شلیم
 اما در حصار خدا (ج) بودیم سه روز ما را مهلت دادند تا چیزی
 که از ما گرفته نتوانسته بودند بدست آرند و سه روز بعد مرگ به
 سراغ ما حتمی بود ما را واپس با چشمان بسته به محبس هرات
 انتقال دادند اینک ما را در سلول های یکی در دو متر قید نمودند
 روز های پر اضطراب را به سر می بردیم فقط انتظار لمحعه آزادی
 و قیام هرات ما را از مرگ نجات می داد دیگر امید باقی
 نمانده بود روز پنجشنبه روز موعود به سر می رسید که روز چهار
 شنبه از مغان قیام صبحگاهی خونین کفنان ۲۴ حوت فرا رسید

روزنه های امید برای رهائی محبوسین و نجات وطن به نرخشیدن در آمد و از جانب دیگر شب فرا رسید فضای محبس در تاریکی سیاهی شب رنگ خون و اختناق گرفت وحشت و مرگ بر چهره محبس نقش بسته بود صاحب منصبان خلعتی و پرچمی و نوای عسکری چون زخمی های تیر خورده سرا سیمه در داخل زندان گوئی نسبت انتقام گرفتن یکی پی دیگر فرا میر سیدند تا نیم شب و حشت ادامه داشت شهید حافظ قاری ابو بکر ، و شهید ملنگ خان همکار و همز زم شهید گل محمد هر قوماندان علی قیام ۲۴ حوت از محبس بیرون کشیدند این انتقام جوئی ها در دیگر زندان های هرات بلا کشیده در همان شب ادامه داشت این ها در دل شب تا قبل از سپیده دم ۲۴ حوت به جوخه آتش کشیده شدند .

سپیده دم پنج شنبه ۲۴ حوت فرا رسید با آنکه دیوار های ضخیم سربه فلک کشیده محبس ، محبوسین را از جریان قیام دورنگا داشته بود اما از شفق صبحگاهی ۲۴ حوت صفیر دلخراش آتش باری توپ و تانک های دشمن و نوای دل انگیز مجاهدین به گوش میر سید لحظه به لحظه اهنگ قیام شدید تر و نزدیکتر می گردید در حوالی قریب (۱۱) بجه قبل از ظهر در حالیکه صدای مهیب و ماتم انگیز تانک ها ، توپ ها ، ورگبار مسلسل دشمن از ماحول شهر مشتعل شده شنیده میشد ، فریاد و زمزمه

های دلنشین الله اکبر مجاهدین قهرمان گوئی ندای اسمانی در مغز و اندیشه هر مؤمن گذاخته می شد عجیب اثر می گذاشت . مجوسین در بند کشیده در زیر سقف سلول های زندان چون شیرانی در زنجیر کشیده شده در میان توفان خشم خود بر افروخته و مشتعل می گشتند ، راه و معبری نبود تابا برادران مجاهد خود پیوندند. لحظه های هیجانی حساستر می شد ، دقیقه ها و ثانیه ها شمار می شد . عده افراد پولیس که دارای احساس و عقاید پاک اسلامی بودند و وظیفه نگهبانی توقیف محبس را به عهده داشتند در فراز با سهای محبس رویداد و قایع عینی ، بر افروخته وسیع و گسترده را یکا یک چون را پور تر های ماهرو دقیق برای مجوسین سیاسی توضیح و تشریح می نمودند قوای عسکری مسلح و مجهز (قوای ضربه) در چهار اطراف دیوار های سنگی حصار های محبس موضع گرفته بودند برج های محبس با افراد و سلاح های ماشیندار ثقیل و خفیف بطور مکفی مجهز و تعبیه شده بود. از سپیده دم صبحگاهی فضای جنبش و قیام حق طلبانه انعکاس دهنده و متجاهر به پیروزی مجاهدین بود اهنگ ظفر نمون انقلاب اسلامی به نفع مجاهدین راد مرد نواخته میشد . اخبار و اطلاعات متواتر به محبس میر سید که پایگاه ها ، دژ های حکومت الحادی و دست نشانده یکی پی دیگر استیلا و به تصرف مجاهدین قهرمان در می آید لحظه ها و

نازیه های تلخ و بی صبرانه تمام میگردید زمزمه 'انگ انقلاب
لحظه به لحظه با انتهای پختگی بیشتر شنیده میشد عتربک
ساعت قریب اعلام (۱۱) بجه راسی نمود که صدای شور و
هیجان مجاهدین جان بر کف در فضای محبس طنبن انداخته بود
اندام دشمن سست و به لرزه در آمده و جرئت مقاومت و مقابله
نداشتند. افراد پولیس از بالای باسهای محبس صحنه قیام را
توضیح و تمثیل میکردند که گروه عظیم بی حد و بی پایان
کاروان نور با چهره های متین و راسخ با بیرق های پراشسته
وبا شور و شعف چون تیرهای رها شده از کمان به مسیر محبس
در حرکت اند، با رابطه که در میان بود قبلاً اطلاع داده شده
بود که مؤظفین امنیتی محبس (صاحب منصبان پولیس مدیریت
محبس به جز یکنفر ضابط خلقی، باقی همه از زمره مسامانان
بودند و حتی رابطه بین مجاهدین و زندانیان سیاسی را نیز قائم
کرده بودند) ازاینکه از عظمت و پیروزی رستاخیزی قیام اسلامی
اگاهی داشتند تصمیم گرفته اند که قدرت مقابله را ندارند و باید
بدون درگیری به مجاهدین قهرمان تسلیم شوند. افراد پولیس
بالای بام توقیف مستقیماً شاهد پیشروی مجاهدین بودند که علم
های پراشسته پارچه سبز که پیشاپیش طلایه مجاهدین در
جوار دیوارهای ضخیم محبس در حال سبقت جوئی اند که
حکایت از صلابت و سر بازی مجاهدین قهرمان تا سرحد پیروزی

می نمود، و دشمن مسلح و زبون در کمین گاه های مخفی
میهوت و غرق سکوت بود، توان رزم و مقابله نداشت، و
محبوسین در حال انفجار آخرین دقایق لحظات حساس را نسبت
باز گردیدن دروازه فولادین محبس انتظار بی صبرانه و عجولانه
می کشیدند (از داخل محبس باز کردن دروازه ممکن نبود)
صفوف فشرده مجاهدین پیکار جو در استانه بیرق های پر شکوه
و پر جلال از کنار سنگر ددمنش برج جنوب غربی محبس بدون
برخورد پیشروی نمودند رمز فتح و پیروزی مجاهدین یک بار
دیگر اشکارا گردید جمعیت انبوه مجاهدین فاتحانه به نزدیک برج
جنوب شرقی محبس رسیده بودند (یک عده کمی از مجاهدین
خود هارا به دروازه محبس رساندند و مدیریت محبس را سنگباری
نمودند) ناگهان اواز کف زدن های غیر مترقبه بکوش رسید این
کف زدن های که از مغانی از پیروزی را تمثیل میکرد در
واقعیت امر خنجر و حربه غافل گیری بود که پیروزی مجاهدین
را به فاجعه شکست و عتب نشینی توأم با تلفات سنگین مبدل
نمود اولین و آخرین اشتباه (خبط سیاسی) انقلابی بود که
مجاهدین در عن فتح فرصت پیروزی را چون ابر های زود گذر
بهاری به اسرع وقت از دست دادند و نقشه باز گردانیدن دروازه
محبس که ذریعه جانبازان در بند اسارت طرح ریزی شده بود
نیز نقش براب و خاکستر زیر آتش گردید.

تر فد قضيہ صعبت ازین نقشہ مرموز داشت که خلقی
های مکار ، پیروزی مجاهدین را بلا وقفه ، مشاهده کردند ، به
عجله دست به یک توطئه و حيله زدند ، بر فراز تانک زر همپوش
دو پارچه بیرق سبز نشان اسلامی بلند نمودند و تانک از عقب
به عنوان همبستگی و کمک به صفوف مجاهدین نزدیک میگردد.
مجاهدین مبارز بدون رعایت و هوشیاری انقلابی ، که در مرحله
اول باید تانک را خلع سلاح می نمودند و یا رهبری تانک را
بذریعه یکی دو مجاهد مسلح در داخل تانک در کنار پرسونل
فنی آن به قبضه خود می آوردند و این کار را نکردند و بایک
لحظه خبط ، نه تنها تانک دشمن را استقبال نمودند بلکه با کف
زدن های ممتد تانک را در پیشا پیش صفوف خود ها حساس
ترین موقعیت را دادند . تانک معیبل با استفاده از آخرین فرصت
به مجردیکه در جلو صفوف مجاهدین در محل برج جنوب شرقی
محبس نزدیک دروازه محبس سنگر میگردد عوض آنکه دروازه
محبس را مورد هدف قرار دهد بلا درنگ بر میان صفوف فشرده
مبارزین پاک طینت متواتر آتش باری می نماید و در اولین ضربه
در حدود (۲۰۰) نفر مبارز جام شهادت را نوش می کنند آتش
جنگ شعله ور می گردد ، همین لحظه خطرناک است که
عساکر و صاحب منصب های مبتلا به مرض ترس و سکوت
یائس جرئت میگیرند بی درنگ به تیر اندازی و شلیک رگبار

مسائل دست انداز فعالیت خصمانه می شوند برج های معجز از بهترین پناه گاه های مخفی سنگر مستحکم خود با سلاح های ماشین دار ثقیل به آتش باری آغاز می نماید و نیز تعداد چند تانک و توپ دیگر هم به میدان کارزار فرا خوانده میشود. میدان معرکه و صحنه نبرد جالبین چنان به شدت و صلابت ادامه پیدا کرد که گویی از غضا و کپکشان بیکران نبرد زمین و آسمان آغاز گردیده است و مجاهدین قهرمان با سلاح های معمولی خودها (تفنگ پنج تیر، شش تیر، برناو و ژسه) مردانه وار چون چریک های ورزیده چیره دست و کماندو های تعلیم یافته و ماهر با انتهای رشادت و زبردستی در میدان کارزار بدون پناه گاه و سنگر به نبرد شدیدی علی رغم توپ ها و تانک ها و ماشین دارهای خفیف و ثقیل و رگبار مسلسل دشمن ادامه و دوام دادند و شعله های آتش جنگ به شدت خود زبانه می کشید، و یک نفر ضابطه خلقی در حدود بیش از ۲۵ نفر مجاهد زبر مرد را به شهادت می رساند و تعدادی هم مجروح و به خون اغشته می نماید که یک نفر مجاهد کهن سال ولی متین و اسطوره مقاومت، ضابط خیانت پیشه را با تفنگ قدیمی خود شدیداً مجروح نموده و به خاک و خون می غلطاند. و میدان نبرد چنان وحشت انگیز شده بود که میلیون ها سر می، رگبار و خمپاره انداز در میدان کارزار شلیک شده و بصدا در می آید و

بدون لحظه سکوت و آرامش هزار ها مرمی و گلوله محرق و
آتشین از در و دیوار و فضای برق اسا به چهار جهت ردو بدل
می شد گوئی فضا و کپکشان به غیظ و غضب در آمده در
عوض رگبار ژاله و باران به شدت مرمی و گلوله های آتشین به
زمین فرود می آورد و مجاهدین جانبازو راد منش با عزم راسخ و
متین خود توانستند که درین ازمون نبرد آتش و خون ، مشت
و تانک و توپ بیش از یکنیم ساعت دلیرانه مقاوت نمایند و
پاسخ دهند و بیش از (۸۰۰) تن شهید قلب تاریخ را درین
معرکه متحمل شدند و سنگین ترین قربانی و تلفات را با سینه
های برهنه و مملو از ایمان در سر زمین حماسه های همیشه
جاوید هرات ار مغان داستان های بی نظیر باقی گذاشتند . مسلماً
تعداد کثیری هم مجروح و زخمی گشتند . صحنه سازی و توطئه
دشمن حیله گر و موقیعت حساس استراتژیکی محبس ، میدان
کار زار راهه جای می کشاند که مجاهدین ناگزیر غقب نشینی
نموده و متواری می کردند .

جبهه پایداری حوزه شرق هرات :

اهالی جانباز و مجاهد قرا' اطراف زلمی کوت ، قریه شاطر
رباط نو ، چونگر ، شیدائی ، پل خیمه دوزان ، جکان و نواحی
دور دست قصبه های کورت ، نشین ، سیوشان ، امام شش نور،
سراسیاب ، ساوه ، تریاک ، عبدل اباد ، و پل رگینه چون شاهین

های بلند پرواز جانبازانه به کمک مجاهدین میدان کار زار نواحی شهر و محبس فرا میرسند و صفوف متلاشی شده مجاهدین محاذ در گیری محبس، در عقب محبس به همبستگی یک تعداد افراد مبارز و مجاهد دیگر قرا و قصبه های نواحی شرق هرات واپس منسجم شده و با تشکیل یک جمعیت فشرده و انبوهی به جانب هتل پارک و هتل هرات که مقر روس ها بود چون سیل خروشان در حال حرکت و غلیان در می آیند در قسمت چهار راه تانک پطروول مورد اصابت آتش باری و شلیک توپ ها و تانک های که در مسیر راه لنگر انداخته بودند قرار میگیرند صحنه کار زار و محاذ در گیری سیمای از آتش و دود و جهنم سوزان را تمثیل کرد و جانبازان راه حق بعد از دادن تلفات خونین در مقر هتل با مسارعت زیاد هجوم می آورند در حالیکه روس های زبون و فتنه انگیز قبلاً این محل بودوباش خود ها را سراسیمه ترک داده و تخلیه نموده بودند و مجاهدین رزمنده چون اسطوره های مقاوم تاریخ مسیر کار زار را به جانب درب خوش و قوماندنی امنیه تغییر جهت داده تابه صفوف برادران خود در آن محل پیوندند .

مجاهدین رزمنده و ابدیده از کار زار نسبت جلو گیری از تهاجم وحشیانه تانک های روسی در جاده باد مرغان درخت های ناجو (کاج) را قطع کرده در میان جاده راه بندی می کردند

درمیان جاده باد مرغان از تعمیر هتل حاجی عبدالکریم صوفی که لانه عمال کمونیست قرار گرفته بود متواتر مورد رگبار مسلسل و آتش دشمن اسلام قرار میگیرند. شیفتگان شهادت راه حق با تحمل تلفات سنگین، برین لانه جاسوسی مزدوران کمونیست غلبه حاصل می کنند و هدین کانون و مرکز فساد را از لوٹ وجود این جنایت پیشه های حرفوی پاکسازی می نمایند. در محل درب خوش سیل مهاجمین راه حق شدیدترین تلفات را متحمل شدند، چون دو نفر روس و چهار نفر خلقی مزدور در هتل باد غیسی مخفی گردیده و از همان پناه گاه مخفی متواتر بالای مجاهدین آتش باری می نمودند که در پی آمد های این نا گواری بیش از (۱۰۰) نفر از مجاهدین دلیر به شهادت میرسند و سر انجام دو نفر از راد مردان مجاهد سید فنفور (شهید) و شیراقا چونگر از عقب هتل باد غیسی معبری باز نموده و با سرعت عمل و رشادت بی نظیر به داخل هتل هجوم آورده دو نفر روس های متجاوز و چهار نفر خلقی های وطن فروش و مبلد

* شیراقا چونگر در معرکه رستاخیزی ۲۴ حوت، حماسه های از خود ارمغان گذاشت مع الاسف بزودی به دامن کمونیست ها فرو رفت و خطر ناک ترین نقشی را علی رغم نیروی جهادی حوزه غرب بازی میکرد و درین او اخر به نصرت خدا (ج) و جانبازان راه حق به جهنم اهدی فرو بوده شد.

را به قتل میرسانند و اجساد منحوس این جنایت پیشه ها را از خارج هوتل به محضر عام می اندازند تا خار چشم روس ها و عوامل مزدور آنها قرار گیرد و ازین سنگر متواتر بالای قوماندنی امنیه باچیره دستی و مهارت خاص آتش باری مینمایند . و از جانبی یک عده خلقی های زبون از مخفی گاه های منازل خود بالای مجاهدین آتش باری می نمودند که در کوچه خواجه عبدالله مصری یک نفر مزدور و ملحد بنام کیوان معاون لانه جاسوسی دستگاه سمپاشی اطلاعات و کلتور ، از یک سوراخ مخفی خانه خود در حدود ۱۵ نفر مجاهد جانباز را مورد هدف قرار داد و به شهادت همیشه جاوید میرساند .

مکتب تازی که یکی از لانه های تبلیغاتی کمونیست ها بود ، مرکز و هسته زهرا گین سا زمان جوانان خلقی ملحد را تشکیل میداد در یک لحظه برق اسا مورد تهاجم فریفتگان آزادی قرار میگردد و بی درنگ به آتش نا بودی فرو برده میشود .

اگر چند صد متر بالاتر از درب خوش نظر اندازیم که در سپیده دم صبح هماهنگ دیگر محاذ های در گیری ، در فلکه کارته مسیر درب خوش در آغار در گیری ، آهنگ رزم محاذ پیکار جوانان مجاهد گرمی و شدت خاص گرفته بود که در آغوش راد سردان ، شیر بچه های مجاهد صحنه در گیری را حرارت و هیجان و جبروتی و ملکوتی بخشیده بودند جگر نمد افضل امر جنائی

محل هلا و قنه بتل میرسد هر چند این صاحب منصب پولیس خلقی نبود اما نا خود آگاه در خدمت مزدوران کمونیست قرار گرفته بود .

در میدان کار زار درب خوش تعداد هنگفت خلقی های بی ایمان و مزدور کشته و نابود میشوند و اکثراً مخفی گاه های خود را با سلاح های خود رو خویش ترک داده و متواری می گردند و تعدادی هم به آخرین پناه گاه دژ طاغوتی در کنار دیگر مزدوران وطن فروش در قوماندانی امنیه. تحصن می ورزند و قوماندانی امنیه که در مقابل موقعیت حساس و مستحکم خود با چندین حلقه خط تدافعی تانک و توپ و سلاح های مدرن قوای عسکری و قطعه منتظره امنیه و پولیس حمایه می گردید تمام سردمداران خلقی های مزدور و خاکی های متواری درین دژ تحصن بسته بودند و از آغاز قیام حماسه افزین قوماندانی امنیه به محاصره جانبازان اسلام در آمده بود البته با فرا رسیدن صفوف مجاهدین درب خوش حلقه محاصره قوماندانی شدید تر شده و تهاجم و حمله های پیگیر مجاهدین از آغاز قیام تا تاریکی شب در بالای قوماندانی امنیه به شدت ادامه داشت و جانبازان مکتب توحید سنگین ترین تلفات درین معرکه و حلقه محاصره متحمل می شدند .

فرزندان رشید نهضت اسلامی بخاطریکه به مقام مقدس

مسجد جامع باعظمت هرات ، از جانب دشمن و ملحدین بی حرمتی و تخریب نگردد در حالیکه بهترین و مستحکم ترین موقعیت استراتژی نظامی داشت در فراز مناره های شاهق آن سنگر نمی گیرند و دشمن محیل از آخرین فرصت استفاده می نماید در تاریکی سیاهی شب درین پناه گاه و سنگر با عظمت بزرگترین موقعیت را احراز میکند و ازینکه از آغاز قیام قوماندانی امنیه در حلقه محاصره راد مردان مجاهد قرار داشت فریفتگان راه حق در مقابل آتش افروزی های متواتر قوماندانی امنیه صرف به صحن پارک گل های مسجد جامع عظیم ترین تلفات را متقبل میشوند و بیش از (۵۰) پاکباز گلگون کفن گل های لاله بهشتی غرق در خون رهسپار زندگی همیشه جاوید می گردند و ازین لاله زار ها حماسه های خونین داغ های جاویدانه باقی می ماند ازینکه خلقی های محاصره شده از موضع های مخفی و حساس و پناه گاه های بامهای قوماندانی امنیه بالای جمعیت انبوه مجاهدان متواتر آتش باری می نمودند خطوط تدافعی تانک ها و توپ ها از پیشروی مجاهدین جلو گیری می نمود مجاهدین تهنی ده با تحمل تلفات سنگین بازهم نمی توانستند که به حصار پولادین قوماندانی امنیه نفوذ و رخنه نمایند هر چند جانبازان اسلام از درب خوش و از بالای بامهای خانه های رهائش نزدیک قوماندانی و از فراز باره نزدیک کوچه صاحب زاده صاحب

انتهای مهارت و چیره دستی ضربه وارد می کردند که تعدادی
الراد خلقی را هم بقتل رساندند .

میدان کار زار و معرکه جنگ در چهار اطراف
قوماندانی امنیه شدت و حرارت خاصی داشت و در اولین لمحّه
آتش جنگ در مقابل درب شمالی مسجد جامع با عظمت یک
عراده موتر جیب روسی مسلح در زیر چکمه های فولادین
جانبازان نهضت اسلامی به آتش کشیده میشود و سرنشینان آن
به دیوار نیستی فرو برده میشوند و به تعقیب آن یک عراده موتر
سرخ اطفائیه که دارای ۲۰ نفر مسلح نظامی بود پی درنگ در
حلقه محاصره کفن پوشان مجاهد احاطه میگردد افراد آن خلع سلاح
گردیده بعد از التماس زاری و ندامت کشیدن رها میشوند و موتر
اطفائیه طعمه حریق میگردد .

در همین لحظه های حساس و از مون جبهه حق و باطل ،
افراد نظامی هم بودند که صحنه کار زار را تخلیه نمودند در
کوچه گدام جوار مسجد جامع سلاح و تفنگچه های دست داشته
خود را به مردم و جانبازان حق میدادند تا دشمن مشترک
خویش را با حمایه مجاهدین از پا در آورند . بازهم معرکه به
انجام نرسیده بود ، البته مجاهدین جانباز و دلیر توانستند که
حلقه محاصر قوماندانی امنیه را تا تاریکی شب حفظ کنند تاریکی
شب فرا رسید اکثر جانبازان اسلام سنگرها و مواضع حساس

شهر را که فاتحانه بدست گرفته بودند به امید اینکه بر دشمن چیره و غالب شده اند بواسطه گذشتاندن شب به منازل خود دور از شهر چون غازیان فاتح از معرکه برگشتند و بعضی از مجاهدین جان پر کف به فکر اینکه پیروزی نهائی را به دست آورده اند و دشمن متواری را دیگر یاری باز گشت در میدان کار زار نیست ، مجاهدین فاتح به قرا و قصبه های خود عودت کردند از جانبی فضا توفانی شده بود از آسمان ریزش باران به باریدن آغاز کرده بود ، نیروی هوائی دشمن شکست خورده از حوالی بعد از ظهر به بعد در اجتماعات مبارزین و نواحی شهر به بمب باری و آتش باری متداوم دست به گریبان بود گوئی با فرا رسیدن شب همه عوامل زمین و آسمان به نفع دشمن متواری هماهنگ شده بود و دشمن در حالیکه در روز روشن در سوراخ های تاریک پنهان شده بود سخت در کمین فرصت بود . و تعداد وسیع از مجاهدین هم جهت ادامه پیکار و غلبه نهائی بر دشمن ، شب را در حصار های مساجد که بهترین پایگاه ایدیولوژیکی و عقیدتی خود میدانستند تحصن جسته و در حدود بیش از یکتیم هزار افراد مبارز در داخل مسجد جامع شهر بدون تحفظ امنیت ، ساختن سنگر ، و تدارکات نظامی و یا موضع گرفتن در منار های سر به فلک کشید ، مسجد جامع ، نا خود آگاه خود ها را در حلقه محاصره دشمن مجهز با تانک و توپ اسیر کردند در حالیکه

قبلاً دشمن بمیل در مناره های مسجد جامع سنگر گرفته بود . البته هماهنگ شدن همچو زمینه های نا سازگار و غیر مترقبه از نبودن حد اقل یک رهبری منظم و علم پلان و برنامه در مسیر قیام همگانی مات مسلمان مجاهد حماسه افروز بود . تاریکی شب که گلیم سیاه خود را روی شهر گسترده بود ختمی های سست عنصر و فرصت طلب که در روز روشن در هر گوشه و کنار شهر در سوراخ های تاریک برای بقا حیات خود پناه برده بودند با استفاده از تاریکی شب از لانه های خود بیرون می شوند پذیریم قوای تازه دم عسکری بمضی مواضع شهر و شاهراه های عمومی و نقاط استراتژیکی شهر که مجاهدین تخلیه نموده بودند واپس به تصرف خود در می آورند و بروایتی یکنیم هزار افراد مجاهد و جازاز داخل مسجد جامع را دست بسته و غافل گیرانه بذریعه قوای تانک و توپ و نفر برها در مقر قوای نمبر (۱۷) زلمی کوت فرقه هرات انتقال میدهند در همین تاریکی شب است که ایادی مزدور و ملحد در مناره های مسجد جامع موضع و سنگرمی گیرند و از سنگری که تادیروز آنرا افیون ملت ها می گفتند حالا در تاریکی شب به آن پناه می برند و از مناره های آن تا آخرین روز قیام گالگون کفزان ، بالای امت مسلمان و مجاهدین راد مرد آتش شلیک می کنند . و همچنین با استفاده از تاریکی شب از میان جاده ها تعداد از نعلش های خود ها را

در حال وحشت و اضطراب و سراسیمگی برداشته و زخمی ها و مجروحین خود را به شفاخانه ملکی غرض مداوا انتقال داده و داخل سرویس های جراحی و معالجه قرار میدهند و در عوض آن مریض های داخل بستر را به یک حالت رقت بار و پیر همانه از بستر بیرون انداخته و یک تعداد زخمی ها و مجروحین هنگفت و بی شمار مجاهدین را با یک عده اسرای ، تا صورت ممکن به جوخه آتش و حتی زنده به گور می نمایند و یکتیم هزار اسرای مسجد جامع را نیز می خواستند که به جوخه آتش بکشند اما آهنگ سرعت زمان (ضیقی وقت) برای شان اجازه ارتکاب این همه جنایات را نمیداد چه نهایت مضطرب و سراسیمه بودند که با طلوع سپیده دم یوم جمعه باز مورد حمله و هجوم برق اسا مبارزین و فاتحین معرکه ۲۴ حوت قرار بگیرند و با استفاده از زمان و تاریکی شب برای مقابله علیه مجاهدین قهرمان تا صورت ممکن نیروی شکست خورده و مورال (روحیه) از دست داده خود را از عقب جبهه اماده و تدارک می نمودند . و نیروی هوائی تا نیم شب بذریعه مرسی های رسام نواحی شهر و جاده عمومی شهر نو و مسیر ولایت و اطراف قوماندانی امنیه را یکنواخت آتش باری می نمود .

۲۵ حوت جمعه خونین کفنان ۲۴ حوت :

صبح جمعه قبل از آنکه شفق خورشید روی زمین و بر

بسترانوار خون آلود شهدای اسلام بهمن و گسترده گردد راد مردان مبارز، مجاهدین مملو از ایمان و اشفته به میهن از هر گوشه و کنار به سوی مواضع شهر و سنگر های جهاد پر شکوه سیل آسا سرازیر میشوند و با عساکر تازه دم تن به نبرد و پیگار آتشین رگبار مسلسل توپ و تانک در میدهند و با سر بازی دلیرانه و قبول قربانی که حماسه های جاویدانه تاریخ باقی خواهد ماند مواضع حساس شهر را یکی پی دیگر دوباره به تصرف خویش در می آورند و حصار قوماندانی امنیه آخرین دژ مستحکم غارتگران کمونیست باز در میان موج های خونین و خشم فزاینده مجاهدین محاصره میگردد، در محل درب خوش جمعیت عظیم مجاهدین به صوب صفوف قوماندانی امنیه در حرکت می شوند که خلقی های بوقامون آراسته به لباس مجاهدین، مسیر جمعیت مبارز را با حيله و صحنه سازی متوجه کوچه پخته مصالح سرک زیارت خواجه محمد تاقی می سازند و جمعیت انبوه مجاهدین غافل گیرانه در کوچه پخته مصالح در مقابل آتش باری تانک زرهپوش و رگبار مسلسل خاتی های مخفی شده قرار میگیرند که در نتیجه این توطئه بیش از (۱۵۰) تن مجاهد زندگی را و داع می گویند و نام شان در قطار شهدای جانبازان اسلام ثبت اوراق ملکوتی میگردد و باقی مجاهدین اسطوره های مقاومت به صفوف مجاهدین که اطراف قوماندانی امنیه را محاصره نموده

بودند می پیوندند و جانبازان مجاهد با قبول تلفات و قربانی سنگین هر لحظه حلقه محاصره را فشرده می نمایند .

صفوف مبارزین راه حق در هر گوشه و کنار شهر به مجردیکه به بقایای عساکر فریب خورد و با خلقی های شکست خورده مواجه میشوند مسرعانه میدان نبرد بی امان را آغاز کرده به آخرین بقایای خاکی ها خاتمه میدهند . در قریه جکان غلام رسول یک اجیر استخدام شده و پسر خلیفه امیر خیاط معاون لیسه مهری در حالیکه در ۲۵ حوت خونین یک موتورزیل هشت سلندره مملو از سلاح به لانه خود آورده بود جانبازان راه حق را از مخفی گاه تاریک و پر از جبن و ترس از سر پل جکان مورد هدف قرار داده و درین پی امد های ناجوان مردانه مجاهدین قهرمان ضایعات سنگین را متحمل شدند و با هجوم مرد افرین مجاهدین دلیر این غلام حلقه بگوش در زیر نقاب چادر صحنه را تخلیه نموده و فرار می نمایند .

در حالیکه پیکار حق و باطل در تمام نواحی شهر به نفع مجاهدین دلیر ادامه دارد گروه انبوه از مبارزین فریفته مکتب شهادت از نواحی مجاور زیارت میر سلطان عبدالواحد شهید بصوب مرکز شهر با جوش و خروش سرشار از احساسات گرم اسلامی در حرکت بودند که از عقب زیارت مورد آتش باری قوای توپ خانه و سلاح های اتوماتیک مسلسل قرار میگیرند

که در اثر آتش باری متواتر فوای توپ خانه دشمن ، تعداد (۱۳۰) تن از مجاهدین به خاک و خون یکسان می شوند و تعداد زیادی هم زخمی و مجروح می گردند و هرگز آتش افروزی دشمن و دادن قربانی زیاد مجاهدین مانع از پیشروی و نفوذ مجاهدین در داخل شهر نگردیده و جانبازان راه حق چون میل خروشان به داخل شهر رخنه می نمایند . و نیز یک مزدور سر سپرده بنام حاجی معلم از پناه گاه مخفی منزل خود که اجتماع جانبازان اسلام و میهن را مخفیانه مورد رگبار مسلسل و آتش باری های متواتر قرار میداد و تعداد زیادی مجاهدین دلیر درین سو قصدنا جوان مردانه به بهشت جاویدانه پیوستند و مجاهدین قهرمان با یاقتن این لانه فساد برق اما این جرثومه فساد و مملو از جنایت را به کيفر اعمال ان رسانیده و نهش متعفن انرا در فلکه دروازه قندهار در مقابل انظار عامه تا دو روز بدر ختی اویزان می نمایند تا مایه پند و عبرت و خار چشم برای عناصر منحذ و متجاوز گردد در روز جمعه طیاره دشمن دیرینه به بالای اجتماع ناظر این صحنه بمب پرتاب می کند که در اثر ان بیش از (۴۰) نفر مسلمان به شهادت می رسند . در حقیقت این رستاخیزی برحق از میان عقاید جامعه و ساخت اجتماعی جامعه بافت عمیق گرفته بود که در نفس خود همه امت مسلمان هرات دوران ساز قهرمانانه درین تحریک

اسلامی سهم فعال داشتند حتی زنان تاریخ افرین و نوجوانان اطفال که محصول نسل انقلاب اسلامی اند بنوبه خود با ارزش ترین کاروانی ها را انجام دادند چه همین فرزندان نسل خورد سال انقلاب بود که بیرق های سبز اسلام را در پیشا پیش صفوف مجاهدین حمل می نمودند و با شعار های گرم خود صحنه هیجانی را هیجان تر می نمودند و زنان دلیر و قهرمان بودند که زخمی های میدان کارزار را تیمار داری می نمودند و برای پناه دادن مجاهدین در حریم خانه های خویش بهترین پاسداری از جهاد و نگهبانی از پاسداران جهاد می نمودند .

در حقیقت روز جمعه روز فتح و پیروزی جانبازان حماسه افرین در تمام نواحی و مواضع شهر بود اهنگ شادی توأم با اتن های ملی و نثار گل نواخته می شد و حتی مسالغی هنگفت برسم شادیانه افتخار افرین مجاهدین به فضا باد می شد . شرینی و چاکلیت و نقل از در و دیوار و با مسهای به بالای صفوف مجاهدین چون باران رحمت سرا زیر می گردید بیرق سبز ارمغان فتح جانبازان اسلام در چهار راه شهر نو باقبه بلند و افتخار افرینی به شکو همنندی خاصی برا فراشته شده بود .

نیروی زمینی دشمن در تمام مواضع شهر سخت شکست خورده بود نیروی هوائی میک های غول پیکر میک (۲۱) میک (۲۲) و هلیکوپتر های گنشین در فراز شهر باستان ،

گهواره علم و ادب به پرواز در آمده بود در مهد علم و اماکن مقدسه و اجتماعات مردم آتش و خمپاره حواله می نمود ، هرات گهواره عام به اشیانه آتش کشیده و ویرانه ماتم انگیز تبدیل شده بود اطفال معصوم در زیر ایوان خانه های منهدم شده طعمه حریق می شدند در اثر بمباری پیر همانه دشمن در نهر کار بار یک در بند حویلی منهدم شده و سر نشینان آن طعمه حریق می کردند و چندین خانه و حویلی دیگر خساره مند و متضرر می شوند ، آتش باری متواتر دشمن به شدت ادامه دارد ، بمبهای خانما نسوزی در نواحی کار بار ، آسیاب کاوخی ، بکر اباد ، باد مرغان ، غور درواز ، محله نو ، کلاب ، پل رگینه ، با غدشت ، گازر گاه شریف ، تخت صفر ، زیارت مولانا عبدالرحمن جامی ، برامان و شهر نو یکنواخت از فضا به زمین پر تاپ می گردید ، اکثر و اغلب این بمب ها از نوع بمب های مغرب و مهیب و حتی از بمب های آتش افزا بود .

در محل پل رگینه در بالای جمعیت مجاهدین در اثر پر تاپ نمودن بمب مهیب تعداد (۱۲۶) نفر در یک لحظه به شهادت رسیدند و به روایتی دیگر (۱۷۰) نفر شهید گردیدند .

در جوار پل رگینه قریه جکان با انداختن بمبی تعداد ۷۲ تن مجاهد به خاک و خون اغشته شده جام شهادت را نوش کردند ، اگر کمی دور نگاه کنیم این جنات ایشای حرفوی

نمائیم در اثر انداختن بمبی در کال تریاک بالای مجاهدین راهی شهر تعداد زخمی شده و به خون اغشته می گردند. عجیب این جرثومه های پرچی و خاکی های ماحد و وطن فروش که دائم سنگ به اصطلاح وطن پرستی را به سینه می کوبیدند فریاد و ناله های هزاران افغان به خون تپیده و زجر دیده در زیر چکمه های همین مدعیان و حامیان عوام فریب کمونیست در گلو خفه و بریده میشود. باز هم سنگ مردمی بودن را به سینه می کوبند. و اینک در هر گوشه و کنار هرات بکارچه افروخته و گذاخته شد. اگر جمعیتی محدودی (غیر نظامی) را می بینند زیر اوار بمب های انتش افزا نابود و احمای می نمودند چنانچه در قریه سروستان تعداد افراد محدودی که نعش یک شهید گانگون کفن خود را دفن می نمودند و بی گمان از فضا مورد اصابت بمب قرار میگیرند که تعداد (۵) نفر بگناه به شهادت میرسند و تعداد (۱۹) نفر زخمی و مجروح می شوند.

در صفحه دیگر تاریخ جانبازان مهربان از سرنه دم جمعه خونین ناله گسترده گایم سیاه شب در تمام مواضع و سنگر های شهر مسلط بوده اند و قوماندانی امنیه در حلقه محاصره راد مردان مجاهد لحظه های تاختی را سپری می نمود و خاکی های زبون به مجردیکه از پناه گاه های مخفی قوماندانی امنیه سر بلند می نمودند بی درنگ با اصابت مرمی جانبازان چیره دست به دیار

ناودی سپرده می شدند .

تاریکی مدحش و قیر گون شب فرا رسید طیاره های میگ
سریع السیر در فضای شهر به پرواز در آمد در تمام مواضع شهر
و اطراف قوماندانی امنیه سر سام اور رگبار مسلسل و مرمی
های رسام حواله می نمود آتش افروزی تانیم شب ادامه داشت
و مجاهدین دلیر چون حماسه های جاویدان در دل شب تا سپیده
دم پاسداری از میهن می نمودند . صبح دگر گونی قیام به نفع
مجاهدین جان برکف فرا رسیدنی بود اردوی جانباز قوای نمبر
(۱۷) هرات طلسم اسارت را درهم می شکست اعلام جهاد می
نمود روز شنبه صفحه جدیدی در قیام ظفر نمون راد سردان راه
حق ارمغان می گذاشت . حالا بخاطر تکمیل نمودن ادامه این
نوشته ، رستا خیزی ولسوالی های هرات را در عرصه این دو روز
حماسه های مردخیز بررسی می نمائیم و بعد به سراغ حماسه
های اردوی قهرمان هرات میرویم .

قیام ولسوالی پشتون زرغون :

ولسوالی پشتون زرغون در جنوب شرق هرات واقع بوده
و در حدود (۸۰) کیلومتر از مرکز فاصله دارد . اولین خطه بود
که نطفه قیام ازین سر زمین افتخار افزین بزور شده بود ، قریه
سلیمی اولین گم رستا خیزی غایبه نور بر ظلمت را یوم چهار
شنبه ۹ حوت (جریان قیام قبلاً توضیح شده) عایبه دشمن ملحد

آغاز نموده بود .

زمانیکه زمزمه رسا خیزی قیام گاکون کفتان ۲۴ حوت در مرکز هرات تبلور می نماید اهالی رزم دیده ولسوالی پشتون زرغون از قرا و قصبه های مجاور به مرکز ولسوالی هجوم می آورند عوامل مزدور و قوای مجهز و مسلح دشمن در پناه گاه های بام محس ولسوالی موضع میگیرند و به آتش باری آغاز می نمایند . سنگر گزینان دلیر و رهروان مکتب شهادت چون کوهپایه های مقاوم در دور و بر ولسوالی لنگر می اندازند و قوای دشمن را در حلقه محاصره سخت می فشارند در اولین ضربه زندان ولسوالی را درهم می شکنند فرزندان مؤمن که در سلول های آن شکنجه می شدند و به میخ کشیده بودند آزاد می شوند، نیروی هوائی دشمن زبون و سرا سیمه مواضع مجاهدین و ماحول ولسوالی را به شدت آتش باری می نمایند میدان نبرد تا تاریکی شب ادامه دارد ، غلام محمد فدائی ولسوال پشتون زرغون که چند روز قبل سه نفر مسلمان را که در محضر عام به جرم قیام حق طلبانه به جوخه آتش می کشد و چند نفر را تابه گردن زنده به گور می کند حالا چنان در مقابل رستاخیزی غلبه نور بر ظلمت خوار و زبون شده بود که ولسوال جلا و دیگر ایادی کمونیست با استفاده از تاریکی شب خود ها را از بام ولسوالی بیرون انداخته از منطقه فرار کرده و متواری می گردند ،

و در پرتو رشادت و قربانی های جانثار سر بازان اسلام ، اداره
و لسوالی پشتون زرغون به تصرف مجاهدین دلیر در می آید و صفحات
تاریخ شکوهمند این دیار را افتخار تازه می بخشند .

قیام و لسوالی غوریان و زنده جان :

و لسوالی غوریان قبل از قیام شکوهمند ۲۴ حوت ، در
۱۸ حوت قیام گسترده را بیار آورده بود (قبلاً بطور مفصل تحریر
گردیده) که در استانه درخشیدن مبارزه بزرگ قیام ۲۴ حوت ،
در و لسوالی غوریان قیام مردم دم تازه میگرد .

در و لسوالی زنده جان در ۱۹ حوت قیام همگانی (قبلاً
مفصل درباره صحبت شده) مردم دلیر ان دیار چنان جان میگیرد
که در یک خیزش و حرکت برق اسا تمام و لسوالی به قبضه
جانبازان اسلام در می آید . و در ان هنگامیکه پیروزی سنگر
گزینان با ایمان ۲۴ حوت در دل تاریخ حماسه ها ثبت
جاویدانه دلنشینان جهاد مقدس میگردد جانبازان فدائی خط
اسلام در و لسوالی زنده جان باز هم وقوع قیام را قوام می
بخشند و لسوالی را یکسره به قبضه خویش در می آورند عوامل
مزدور و خاکی ها را در هر لانه و بیشه دستگیر می نمایند در
داخل مساجد ایشان را دعوت به اسلام نموده مراتب به جانمودن
توبه و ندامت کشیدن بالای شان تطبیق می کردند این
فریفتگان اسلام در حقیقت دشمنان سر سخت خود عبارت از

اسرای خلفی و پرچی های جنایت پیشه را با جاری نمودن کلمه حق نه تنها از مرگ نجات می دادند بلکه در لحظات قدرت امنیت شانرا هم تأمین و تضمین می نمودند برعکس نیردی هوائی دشمن سرا سیمه در مقابل آخرین آتش افروزی و بمباری را در منطقه مرتک می شد که در اثر بمب باری متواتر چندین خانه منهدم و ویرانه شده و سر نشینان آن به خاک یکسان میگردد . ویک عده از جانبازان و فریفتگان مکتب شهادت بعد از چیره شدن بر ولسوالی زنده جان راهی شهر قیام افرین هرات میشوند که در مسیر راه در پل هاشمی باقوای مجهز دشمن در گیر شده و درین ازمون هم فاتحانه از میدان کار زار برمی آیند و نیروی دشمن را امحاء نموده و به برادران مجاهد خویش در داخل شهر هرات ملحق میشوند .

قیام ولسوالی کشک :

ولسوالی کشک در شمال شهر باستان هرات در شاهراه استرا تیزیکی نظامی تور غندی به فاصله (۴۰) کیلومتری مرکز هرات موقعیت حساسی دارد . راد مردان دلیر این دیار هماهنگ با نضج گرفتن رستا خیزی قیام فرسایشی شهر هرات از فراز کوی و برزن این سرزمین پر پیچ و خم با متانت و پایداری توفنده و گسترده به رزم دشمن سرا زیر میشوند با اولین جوشش قیام، ولسوالی را خلع سلاح نموده و بر اوضاع ولسوالی مسلط

می کردند .

ازینکه ولسوالی کشک از طریق شاهراه نظامی تور غندی (دروازه ادخال روسیه) و در هرات قیام آفرین هر لحظه بیم هجوم کاروان های زرهی تانک و توپ روسیه احتمال میرفت و دشمن پرپا قرص قوای تازه دم را برای سرکوبی قیام طاغوت شکن هرات ازین طریق به هرات اعزام میدارد جانبازان زبر مرد پاسداران فریفته اسلام از کعبین گاه های سنگر حق با تفنگ های عادی و سلاح های محلی بر کاروان های غول پیکر دشمن هجوم می آرند و دشمن مجهز را به آتش لهیان هجوم مردانه خود مهار نموده و شاهراه نظامی مزبور را قطع و مسدود می نمایند (این جنگ افروزی مجاهدین دلیر تا حال بر بالای این شاهراه نظامی ادامه دارد .) نیروی هوائی طیاره های میک وهلیکو پتر به سرعت و مسارعت زیاد مواضع مجاهدین و اهالی ولسوالی کشک را طعمه حریق ساخته و ویرانه های ماتم انگیزی در دل مردم باقی میگذارد . و در صفحه دیگر تاریخ مبارزین والا همت این ولسوالی چون نوهپایه های استوار و مقاوم جهاد با عظمت را تا به مرز پیروزی ادامه می دهند .

قیام ولسوالی ادرسکن :

ولسوالی ادرسکن در جنوب هرات واقع بوده (۸۰) کیلومتر از مرکز شهر هرات فاصله دارد . دران هنگام که قیام پر شکوه

۲۴ حوت در گهواره علم پرور هرات پدید می آید این قیام فرسایشی در همه ساحات سایه می افکند و لسوالی ادرسکن را به اسرع وقت دعوت به رستا خیزی می نماید باشکوفائی قیام تعین کننده و لسوالی ادرسکن در اولین مرحله محس و لسوالی درهم ریخته میشود مسلمانانی که در سلول های زندان کمونست های مزدور شکنجه می شدند آزاد میگردند و با آغاز درگیری راد مردان جان برکف مجاهدین قهرمان ، ولسوال ، قوماندان ، اکبر و سالم ساتمن های ولسوالی به زباله دان ، نیستی برای ابد فرو برده میشوند و ولسوالی ادرسکن به قبضه مجاهدین درمی آید . و علم سبز اسلام با عظمت و شکوه مندی خاصی در فراز ولسوالی آزاده بر افراشته میگردد .

قیام ولسوالی اوبه :

ولسوالی اوبه به سمت شرقی و در (۱۰۰) کیلومتری شهر هرات موقعیت حساس دارد . اهالی این خطه مرد خیز بالهام گرفتن از قیام جبروتی شهر هرات ، یکپارچه با صفوف متحد و مملو از عقیده و ایمان چون فرشته های آسمانی به جانب ولسوالی سرا زیر میگردند صحنه پیکار آتشین بوجود می آید ، جانبازان حق در ۲۹ حوت با نبرد سر نوشت ساز خویش ، قوای ولسوالی را بکلی خلع سلاح نموده و عبدالفتاح دوراندیش ولسوال ملحد برای ابد به کیفر عمال خود میرسد و چندین نفر از عوامل

مزدور و خداناشناس ، عبدالحق منشی کمیته ولسوالی حزب به اصطلاح خلق ، عبدالشکور معان منشی حزب، عبدالاحد و عبدالصمد برا در های منشی کمیته ولسوالی حزب به اسرع وقت بقتل میرسند و تعداد پنج نفر ملحد از اعضای زراعت و ادم خان امر زراعت با نطفه جنایات که بزر کرده بودند دیگر در یک مرگ ننگین به سزای اعمال خود هارسانیده میشوند . درین اوانیکه دامنه در گیری و اشتعال جنگ که به شدت ادامه داشت یک نفر عسکر بنام ملنگ که تعداد (۱۲) جانباز راه حق را به شهادت رسانیده بود در زیر چکمه های مجاهدین قهرمان بقتل میرسد و همچنین حاجی عبدالرحیم اجنت سر سپرده و مزدور یکه سابق ارباب یکی از قرا ولسوالی اویه بود و اینک بایک سلسله جنایاتی که مرتکب شده بود گه ا خوش خدمتی خود را به اربابان کمونیست ثابت نموده بود حالا به حیث مامور احصائیه ولسوالی کار میکرد، در بها" خیانت و جفا که به مردم مسلمان خود نموده بود و بایک ضربه دلیرانه مجاهدین بقتل میرسد در حقیقت نبرد و صحنه کارزار راد مردان پاکباز ولسوالی او به نمودی از یک ظفر و حاسه های همیشه جاوید این دیار افتخار افرین بود که (۲۸) نفر از قوای امنیه ولسوالی در آتش جنگی که مشتعل نموده بودند به خاک و خون کشیده شده به قتل میرسند ، وجانبازان حماسه افرین مکتب نجات بخش اسلام از

هرسوراخ و پناه گهی اگر خلقی نمی را درمی یافتند بی درنگ به حیات ننگین آن خاتمه میدادند ، درین میدان کارزار و خاطره انگیز یک تن چهره " منافق " که به لباس علما در آمده بود و در دربار ظلمت جز جاسوسی ، مداح گری و اشوب سازی و ظیفه دیگری نداشت و این جرثومه " فساد و حرفوی بنام مولوی نظام الدین در زیر نقاب اسلام بزرگترین جنایات و خیانت به دین و ملت می نموده در محضر عام در بین بازار در زیر چکمه های فرزندان رشید نهضت اسلامی تکه پاره گردیده و به دیار مرگ ننگین برای ابد رهسپار میشود .

در حالیکه مجاهدین زیر مرد در محاذ جبهه پایداری و مقاومت در این فتح که ارمغان پیروزی کامل ولسوالی را در اغوش داشتند برق شمشیر راد مردان مجاهد با خون دشمن دیرینه رنگ و جلای دیگر میگیرد چه تصادف نیک که یک نفر افسر روسی به عزم بند سامه در پشت چه پلان های مرموز و خائینانه روانه بند سلمه بود این افسر مجاوز به جرم تجاوز و خیانتی که در مدت مسلمان افغانستان مجاهد نموده بود در قطار دیگر خائنین به کیف اعمال خود رسیده و بتتل میرسد و صحنه کارزار بکلی لحظه به لحظه بیش از بیش به نفع جانبازان راه حق در می آید ، ولسوالی اونه در تمام ابعاد آن کاملاً به تسلط مجاهدین زهر سرد در آمده و سلاح های ولسوالی به قبضه زاد سردان

و با سداران وارث حقیقی اسلام و میهن در می آید و دشمن خونخوار در حالیکه به هیچ نحوه ازین زخم های خونین که برداشته بود مرجم بالای آن زخم ها گذاشته نمی توانست ، نیروی هوایی ددمنش دشمن خصمانه و زخمی بطور متواتر مدت پنج شبانروز فرا و قصبه های این دیار مرد خیز و فتح افرین را یکسره ، اماج آتش و بمب باری های محرق و مخرب قرار میدهد . و فرزندان رشید نهضت اسلامی این دیار مرد خیز تا حال در تداوم جریان ورستا خیزی برحق خویش ، مبارزات شجاعتمندانه پیکار جوی خود ها را کام بکام تعقیب می نمایند .

قیام ولسوالی کرخ :

ولسوالی کرخ در شرق هرات بوده و در حدود (۴۰) کیلومتر از مرکز هرات فاصله دارد . و با آغاز قیام ۲۴ حوت شهر انقلاب افرین هرات ، اهالی با احساس این دیار سرشار از ایمان چون عقاب های پیشه زار ، و شیر های کوهسار با علم های قبه خضرا از کمین رزم قد علم می نمایند ولسوال زیون متواری گشته و خلقی های جنایت پیشه دریک لحظه برق اسا به خون می غلظند و عبدالکریم منشی ولسوالی که در لجن زار ذلالت و گمراهی غرق شده بود در حالیکه در دست جنایت پیشه او آثار گمراهی (مرگ بر اسلام) خال کوبی گردیده بود مجاهدین قهرمان به آخرین لحظه زندگی نکین او خاتمه میدهند .

مرکز و اسوالی در تحت قیادت عالم ربانی و روحانی مجاهد آن دیار فتح و تسخیر، میگردد که تا حال این شخصیت دانشمند و مبارز با مخلصین خود در کمین رزم و جهاد است وعده خلتی عائیکه درین نبرد مصاف کردند به قتل میرسند و باقی خلتی های ربون و فاقد عقیده در سوراخ های تاریک و سرموزی مخفی میشوند و یک عده خلتی های ملحد به حمایه یک تن دو چهره به اصطلاح از افراد مبارز نما در محبس ولسوالی مخفی و نگهبانی میگردد و از مرگ حتمی که به سراغ شان آمده بود نجات می یابند به همین منوال در همه ولسوالی ها و نواحی ماحول شهر هرات قیام گسترده و فرسایشی سر تا سری میدرخشد که در اثر آن صرف اسامی افرادی که بدست آمده عبارت از سید نظام الدین ، آتمن گلران ، محمد علیم قوماندان جوی نو و دو نفر ساتنمنان توی جوی نو ، و عبدالرحیم دروور جوی نو ، سه نفر ساتنمنان نون چاه ، یک در یک لمحہ در گیری جانبازان حق بقتل میرسند و جلیل ساتنمن چاه ریگ با یک نفر ساتنمن دیگر در آغاز در گیری به مجاهدین قهرمان می پیوندند و همچنین درین از مون رستاخیزی قیام گگگون کفنان ۲۴ حوت خونین در زیر سقف آسمان نیل گون هیبت و عظمت ملکوتی را که در برداشت و در شهر انقلاب پرور هرات راد مرد ، عبد الصبور امر امنیت قوماندانی امنیه ، جگرن محمد افضل امر جنائی محل ، امر سابق

توقیف و نظارت خانه قوماندانی امنیه و معاون قاعه منتظره ،
حبيب الله ساتنمن مخابره، امر دفتر جنائی ، عبدالملک مامور
پاسپورت و زهرا تايست قوماندانی امنیه به زندگی ننگین شان
در استانه قیام ظفر افرین جانبازان راه حق خاتمه داده میشود .
و جگر ن غلام رسول امر تخنیک قوماندانی امنیه ، محمد کریم
امر ماموریت کارته ، امامی قادر مامور درب عراق ، و حنان
ساتنمن درب عراق و باقی ابرهای سیاه و شوم صاحب منصبان
قوماندانی امنیه یکی بی دیگر به زباله دان تاریخ فرو برده
میشوند و زندگی ننگین عناصر ملحد در استانه قیام ظفر افرین
چانبازان حق در آخرین نوحه خاتمه داده میشود .

این قیام حماسه جاویدان اسلام به خط درشت در دل
تاریخ نقش می بندد و روز خونین جمعه با افق خورشید به تاریکی
شب خونین مبدل میگردد و محاذ های جنگ تاسپیده دم صبح
شنبه در بسا حصص و قرا' هرات ادامه دارد و صفحه تاریخ نوین
رمز پیروزی جهاد از میان امواج خون شهدا' تبخیر می نماید و
صبحگاهی آزادگان در اولین لمحّه قیام نازه دم روز شنبه روز نه
امید بی پایان آغاز میگردد و شفق خورشید از بالای راد مردان
مجاهد فرقه هرات رنگ دیگر می دمد .

شنبه سومین روز خونین قیام هرات :

در حالیکه قیام هرات هر لحظه به مسیر تک حرکت منظم

میلان پیدا می نمود سومین روز خونین خود را به سوی آهنگ تکامل و نضج گرفتن قیام ظفر آفرین می پیود، که شفق روز شنبه فرا رسیده بود و مجاهدین قهرمان تمام مواضع استرا تیزیکی شهر پر خروش هرات را در زیر سلطه داشتند برق شمشیر و علم پیروزی پاسداران اسلام در فراز هرات به اهتزاز بود و حصار مستحکم قوماندانی امنیه در حلقه محاصره مجاهدین مقاوم قرار داشت و نیروی زمینی و هوائی دشمن به این محاصره که از سینه های مملو از ایمان و دست های بیعت مسلمانان متعدد پیوسته حلقه بسته بود هرگز در آن رخنه کرده نمی توانست. ایادی کمونیزم سر از قامت بلند کرده نمی توانستند، فقدان مواد غذایی و کمی مرمی و مهمات حربی قوماندانی امنیه هر لحظه زنگ خطر پیروزی مجاهدین به گوش ملحدین و مرگ حتمی پرچمی ها و خلقی ها را صدا می زد. درگیری مجاهدین به شدت ادامه داشت تا گهان بوم سیاهی به فراز قوماندانی میرسد و طیاره هلیکوپتر روسی مواد غذایی و مهمات جنگی را از هوا به داخل قوماندانی پرتاب می کند ایادی کمونیزم جان تازه می گیرند طیاره های میک (۱۸ - ۲۱ - ۲۳) با سرعت سرسام آوری در فضای شهر (ارتفاع کم) دیوار صوتی را می شکستند صدای دلخراش و مهیب طیاره های دشمن میدان کارزار را خطرناک تر می ساخت طیاره های توپ دار میک با سرعت

مدحش در میان جاده های شهر و اجتماعات پیک اپ می نمودند و خطوط شاهراه های عمومی شهر را مورد اصابت توپ قرار داده و با اوج گرفتن در فضای شهر، مرمی های رگبار مسلسل را متواتر بالای اجتماعات و حتی منازل رهایش اهالی بی دفاع فرود می آوردند و چندین مرتبه به حالت وحشیانه شاهراه جاده شهر نو به امتداد مرکز ولایت مورد آتش باری قرار داده می شود و همچنین جاده کلاب و جاده بهزاد با شلیک مسلسل و توپ های طیاره های جنگنده میک بیرجمانه مورد تاخت و تاز قرار میگیرد و در اثر همین آتش باری های ماتم انگیز قوای هوائی دشمن یک در بند حویلی واقع در درب قندهار به خاک یکسان گردیده و از سر نشینان آن اثری باقی نمی ماند. اما در جنبه دیگر از سیمای قیام ملکوتی و جبروتی هرات که از سینه های پر موزامیخته از درد و احساس و سرشار از ایمان سرشت و الهام میگرفت رنگ ظفر و حماسه جاوید می درخشید برق شمشیر جانبازان اسلام و موج های خون شهدا در کناره های آسمان سکوت یأس نداشت بلکه زمزمه فرشتگان و ندا غیبی بود که خورشید توانگر جهاد، افق و روشنی دیگری بر زمین می تایید، در همین دقایق اوضاع حساس صحنه دیگر گونی بوجود می آید یاران اسلام از فرقه قوای نمبر (۱۷) زلمی کوت دیگر نمی توانند در مقابل دریا های خون شهدای وطن خود

سکوت نمایند به پامی خیزند و از قیام، قیام دیگری می سازند .

قیام جاویداله قوای نمبر (۱۷) فرقه زلمی کوت هرات :

فرقه زلمی کوت که دارای (۶) الی (۸) هزار افراد عسکر از زمره مجهزترین اردوی لشکری افغانستان بوده در موقعیت استراتژیکی خاص منطقه در کنار دولت جمهوری اسلامی ایران و روسیه متجاوز، و در شرق هرات واقع است .

در حالیکه والی هرات، قوماندان فرقه، صاحب منصبان عسکری و جنرال های روسی غرض امجا و نا بودی هرات مدنیت پرور از نقشه افغانستان و خفه نمودن جنبش اسلامی جانبازان راه حق در بالای نعلش های دسته جمعی ملت داخل مفاهمه و مشوره بودند . جنرال روسی (ویسلوویچ) و والی مزدور و جنایت پیشه تصمیم اتخاذ می نمایند که باید بلا درنگ مجاهدین و اهالی شهر هرات بصورت کلی زیر آتش باری متواتر توپ خانه عسکری قرار گیرند و از هرات کانون علم و ادب جز ویرانه آتش کشیده چیزی دیگری باقی نماند و تعداد یکنیم هزار مجاهدین اسیر در داخل زلمی کوت به آتش توپ خانه بسته شوند که در پی آمد این حادثه ماتم انگیز در دل های سوخته و نا آرام صاحب منصبان عسکری اثر عمیق نموده بود که هر لحظه سیمای انفجار و قیام صاحب منصبان مسلمان در

پس مظر سکوت و آرامش تا آرام شان ملاحظه می شد. درین لحظه از مون حساس و خطرناک که فاجعه نا بودی هرات در حال نطفه بستن بود یک نفر صاحب منصب که عتاید اسلامی اش او را در قربانگاه شهادت ره نمود می کرد با فیصله و تصمیم نا بودی هرات مخالفت می نماید که موضوع باید از طریق مصالحه و مفاهمه با مجاهدین نهضت اسلامی که اکثریت قاطع نفوس مجموعی هرات را تشکیل میدهند بمیان گذاشته شود ولی صاحب منصب مسلمان به اثر امر مشاور جنرال روسی به ذریعه تفنگچه والی مزدور نظیف الله نهضت به زندگیش خاتمه داد. میشود در همین لحظه سرنوشت ساز صاحب منصبان مسلمان که قبلاً در یک مانور عملیات نظامی در غرب شهر هرات دشت مواوی صاحب موظف شده بودند تصمیم همبستگی با مجاهدین و پلان قیام فرقه را یک شب قبل اتخاذ نموده بودند و در حالیکه قبلاً آمادگی داشتند قریب ساعت (۱۰) بود که صالون رلمی کوت با ترک داده به فرماندهی و قومانده شهید جگتورن نور مجد صاحب منصب توپچی (که در عرصه چهار روز نبرد فاتحانه و آخرین لحظه رزم از سنگر جهاد کنار زرفت تا که بمقام رفیع شهادت رسید) و به قومانده جگرن عبدالعزیز سروری قوماندان کندک قوای توپچی بدون لحظه سکوت و ضیاع وقت توپ های فرقه را بطرف صالون طعام خوری (کنفرانس) و پرچم

سرخ عمال کمونیست ، به آتش بازی متواتر آغاز کردند البته قبلاً طبق نقشه طرح شده سه نفر صاحب منصب مجاهد به سالون طعام خوری که روس ها و خلقی ها داخل مفاهمه بودند هجوم می آورند و در زیر رگبار مسلسل تعداد (۶۰) نفر ایادی کمونیست را به جهنم زهسپار می گردانند .

درین لحظه که فرقه حماسه های قهرمانانه می ساخت نظیف الله نهضت والی و سید مکرم قوماندان فرقه در اولین دقایق نبرد که در باغ فرامرز خان فرقه لحظه های خطرناک را می گذشتانند و مرگ بسراغ شان آمدنی بود ، صحنه را تخلیه نموده فرار می نمایند و به مرستون مخفی می شوند و از آن جای با استفاده از آخرین فرصت به میدان هوائی گریخته و به شیندند فرار می نمایند و نبرد آتشین بین جبهه صاحب منصبان مسلمان و انقلابی ، و افراد پرچمی و خاکی های مزدور و افسران روسی به شدت آغاز میگردد درین نبرد غلبه حق بر باطلی تعداد شش توپ دافع هوائی جکتورن محمد اسمعیل (امیر امارت فرقه حضرت حمزه ولایت هرات) و صاحب منصب شترین گل جکتورن علاء الدین (معاون امارت فرقه حضرت حمزه) جکتورن شمشیر خان قوای توپچی ، شهید جگرن غلام رسول بلوچ ، نگر من محمد ازور نصرتی تورن نجیب الله ، بصیر خان صاحب منصب ، سید اسد الله صاحب منصب ، سلطان احمد

کفیل و ضابط خلیل الله در کنار فرماندهی جکتورن نور محمد
مجاهد و جگرن عبدالعزیز قوماندان قوای توپچی چون ابوذر ها
و خالد بن ولید ها به پا می خیزند و مردانه وار غازیان جهاد
و فاتحان معرکه می گردند . و درین لحظه حساس (ساعت ۱۱)
نبرد آتشین بین جبهه صاحب منصبان هدفمند و مجاهد ، و خلقی
های مزدور ملخدر روس های متجاوز به شدت آغاز میگردد و
صدای توپ خاذه که یک لحظه پیش سہیب و داغراش بود
اینک صفیر رگبار و صدای قوای توپ خانه سرشار و مملو از
عشق به وطن چنان دلنشین و گوارا بود که ملت مسلمان را به
اوج تہیج و هیجان خاص فرحت می بخشید ، صدای توپ خانه
و شایک آتش باری صاحب منصبان انفجار مرمی های قوای
دافع هوائی در کنار عساکر جانفدا فرقه در فضا و زمین شهید
پرور هرات انعکاس ملکوتی داشت ، زمین و زمان را به شادی و
لرزه در آورده بود . و در آغاز کارزار در حالیکه والی و قوماندان
فرقه و یک نفر جنرال روسی صحنه را تخلیه نموده بودند
صاحب منصبان مسلمان ، غازیان معرکه جهاد به گد ان اینکه
این مزدوران مابعد به تعمیر مرکز ولایت پناه برده اند به ذریعہ
سه عراده توپ ابوس مرکز ولایت را زیر آتش قرار داده و در
اثر آتش باری جانبازان راه حق قسمت شرق تعمیر ولایت سوراخ
و تخریب میگردد . و خلقی های مابعد از تمام مواضع حساس

شهر فرار نموده و به سوراخ های تاریک پنهان و مخفی می شوند ، و هر یکی ازین مزدوران بیگانه پرست در سوراخ های تاریک و لانه های مخفی منظره مرگ را می دیدند ، در پی آمد رستاخیزی صاحب منصبان مجاهد هر لحظه زنگ ظفر و آهنگ انقلاب اسلامی (جهاد) نضج می گرفت ، نبرد مردانه و شجاعانه سربازان حق صفحه تاریخ جدیدی را در امواج قیام گلگون کفنان هرات گشوده بود ، روس های متجاوز و خلقی های اجیر و بیگانه به جهنم مرگ فرو برده میسندند و هر لحظه در میدان کارزار بزرگ ، پیروزی در نهاد و جبین مبارزین راه حق تبلور و تجلی می نمود و فضای فرقه را هر قدر گردد و غبار و دود باروت احاطه کرده بود در جوف آن انوار آسمانی و ملکوتی ملاحظه می شد .

فرقه قوای نمبر (۱۷) که تقریباً داری (۶) الی (۸) هزار افسر و عسکر مجهز با مدرن ترین سلاح های تمام جمعی ساخت شوروی بود و در تخت دستور و سلطه روس های متجاوز ستم می کشید ، در مدت (۲) ساعت صاحب منصبان مجاهد سروران اسلام از میدان کارزار نبرد بزرگ و سرنوشت ساز ، قهرمانانه علم پیروزی را بلند کردند و بانندای الله اکبر و صفیر گلوله 'جانبازان اسلام فضای آسمان هرات پر خروش سیمای ملکوتی و فتح بزرگ را تعجبم نموده بود و فرقه مجهز (۸) هزار نفری یکپارچه در تحت

قیادت صاحب منصبان و افراد مجاهد در آمده و بکلی تسخیر میگردد.

صاحب منصبان مجاهد و دور اندیش که در پس منظر این ظفر و قیادت رستا خیزی فرقه ، خطر وحشیانه نیروی هوائی دژ خیمان کمونیست های مزدور را درک می کردند به اساس استراتژی و فن بحار بوی قوای خود ها را در مواضع حساس زلمی کوت و خطوط موازی زلمی کوت در دامنه پیر بزرگ و علم بردار عرفان خواجه عبدالله انصاری و نقاط مرتفع تپه های تخت صفر و جوار ساحه عارف بزرگ مولوی صاحب جامی تثبیت و سنگر گرفتند.

درین هنگام پیام آزادی و شادکامی به نواختن در آمده بود اسرای مسلمان و مبارز که در بند زنجیر ها و اسارت ایادی کمونیسم قید بودند بی درنگ آزاد میشوند و دیپو های سلاح برخ مردم مجاهد و قهرمان هرات باز گذاشته میشود مجاهدین اسیر ذریعه موتر های عسکری با بیرق های برا فراشته سبز و سفید در کنار تانک های فاتح داخل اجتماع پر جوش و خروش شهر میگرددند. یک عده صاحب منصبان خلقی و رچپی های مزدور و زبون در حالیکه لباس های عسکری خود را کشیده از صحنه فرار می نمایند ، دو نفر صاحب منصب فراری در محل پل جکان به مجرد شناسائی به جهنم مرگ فرو برده میشوند و

عصر همان روز یک عراده موتر جیب روسی همراهی یک افسر روسی در حالیکه از زلمی کوت فرار نموده بود در پل جکان در زیر چکمه های جانبازان مجاهد به دیار نیستی و فنا سوق داده میشود. در مقابل دفتر اداره ولایت داکتر دلاور صاحب منصب مجاهد که مورد هجوم دشمن تجاوز گر قرار گرفته بود و با یک حماسه بی نظیر روس متجاوز و محافظ حلقه بگوش او را با سلاح دست داشته شان از پا درمی آورد. درین لحظات حساس جگرن شمشیر خان که از میدان کار زار مملو از ایمان و با اراده متین فاتحانه بر گشته بود یک عراده تانک دشمن دیرینه را در مقابل عمارت ولایت با برق شمشیر که از چشمه ایمان اب حیات و قوت میگرفت در هم کوفته و حریق مینماید. در حقیقت رستاخیزی قیام فرقه همه موانع دژ خیمان دشمن را در هم می شکست و با بلعیدن موانع، قدرت تاریخ ساز خویش را لحظه به لحظه افزونتر می ساخت.

از جانبی زمانیکه قوای کاروان غلبه نور بر ظلمت از سرک ولایت بصوب شهر هرات فاتحانه سرا زیر میشوند دهمین ملحد و خصمانه از آخرین فرصت و پناه گاه های طاغوتی باز هم استفاده می نماید بذریعه آتش باری متواتر دو عراده تانک زنجیری مقابل تعمیر مخابرات و شلیک مسلسل و آتش باری متوالی و بی درپی توسط تانک های زنجیری و قوای ثقیه از

موقعیت مرکزی پارک شهر نو و جوار سینه‌ای هرات و از پناه گاه‌های مخفی مدیریت زراعت، شفاخانه و تعمیر لوای سرحدی یکنواخت صفوف فشرده جابازان راه حق را موردا صابت گلوله‌های اتشین قرار میدهد که در اثر این فاجعه المناک در حدود (۱۵۰) نفر سر باز راه حق به دیار شهادت رهسپار می‌گردند و صفوف کاروان مجاهدین ناگزیر از طریق شاهراه‌های ه جوار و غنچی به داخل شهر مزده پیروزی و فتح نوین و ارجه‌ندرا پیام همیشه جاوید به ارمغان می‌آورند.

زمانیکه کاروان نورو خیل فرشتگان مجاهد منزل به منزل - در داخل شهر حماسه‌ها داخل میشوند از فضا و در و دیوار و با مه‌ای شهر بالای صاحب منصبان مجاهد و مبارزین زهر مرد سیل گل و شرینی نثار می‌شد شور و شعف تهنیت و مبارک باد امت مسلمان، و فضای شهر از نثار کردن شرینی‌های رنگ رنگ و انداختن مبالغ هنگفت نوت‌های افغانی یک منظره بی نظیر و سیمای بهشتی ساخته بود، بیرق‌های سبز و سفید در بالای کاروان‌های غلبه نور بر ظلمت در میان امواج احساسات اهالی در بین جاده‌های شهر در احتزاز و درخشیدن بود شیپور شادیانه در تمام نواحی شهر به نواختن در آمده بود اتن ملی و شور و شعف و اغوش‌های گرم اهالی قهرمان هرات منظره دلپذیری را تمثیل می‌کرد حلوا و نان در میان جاده‌های شهر

مهمانان و یاران مجاهد خدا (ج) را شریفین کام می نمود ، اسمان رنگ سرخ و شعاع خاصی را از بالای خون شهدا تجلی میکرد و وارثان شهدا گلگون کفن عوض سوگواری جشن ازادی و پیروزی اسلام را ثنیت و میهنیت می گفتند ، مجاهدین قهرمان و اسطوره های مقاومت در خالیکه شهر هرات را کاملاً در قبضه داشتند قوما ندانی امنیه را هنوزدر حلقه محاصره سخت فشار می دادند .

میدان کارزار و معرکه خشمگین از آتش و دود باروت در تمام ابعادان در اغوش فتح و پیروزی مجاهدین تجلی و تجسم از از کاراگهی و عظمت جانبازان اسلام می کرد را مردان مجاهد و فریفتگان معرکه جهاد ، عوامل جنایت پیشه ، ملحدرا در هر سوراخ و پناه گاهی که سراغ می داشتند تعقیب و جستجوی می نمودند جمعیت گسترده افراد مجاهد و مستری زمان و ضابط خلیل الله در فریه جکان بالای خانه عبدالحی یتیم رئیس معدن ذغال سنگ و مسهره درجه یک عوامل ملحد هجوم می اورند این جرثومه فساد در حالیکه قبلاً فرار نموده بود مجاهدین دو نفر از ایادی مزدور و کمونیست اقارب او را به کیفی اعمال شان رسانیده و ۴ نفر افراد محافظ و مسلح او را به فرقه عسکری آورده و خلخ سلاح نموده آنها را رها می نمایند در باغچه مهتر نیز به خانه معاون ریاست معدن ذغال سنگ جانبازان مکتب اسلام

هجوم آورده که در اثر آن تعدادی افراد کمونیست به قتل
میرسند .

نیروی هوایی دژخیمان دشمن دیرینه طیاره های میک
۱۷ - ۲۱ - ۲۳ ایلوشن و مؤ مواضع قوای عسکری مجاهدین
و مبارزین فرقه نمبر ۱۷ را از ارتفاع بلند بمب باران می نمودند
و صاحب منصبان دلیر اسطوره تاریخ و سببول مقاومت قوای
هوایی دشمن را با سلاح دافع هوا به عقب می کشیدند . یوم
شنبه در اغوش ارمغان فتح بزرگ مجاهدین و الا همت در زیر سقف
آسمان نیل گون در کنار سیاهی شب پایان می گرفت تا سپیده
دم فردا چه حماسه ها بوجود آورد .

صبح یکشنبه ۲۷ حوت خونین در اغوش پیروزی مجاهدین و فتح
فرقه :

صبحگاهی یکشنبه ۲۷ حوت در حالیکه جانبازان فریادرس
مجاهد در تمام مواضع شهر و فرقه نمبر (۱۷) هرات ازاده تسلط
کامل داشتند و هرات شهید پرور در میان موج های خون و انوار
ملکوتی در اغوش سنگر گزینان حماسه افرین و با شور و شغف
ازاده بود و ازاده می زیست ، خورشید سقف کهکشان در حالیکه
سیمای جبروتی و جهاد با عظمت را نظاره می نمود چند نیزه بلند
نرفته بود که قوای تازه دم دشمن لگام پیکار سختی آغاز نموده
بود چه عجیب یک قوای عظیم و مجهز با انواع تانک و توپ

از صوب قندهار با بیرق های سبز اسلامی به عناوین کمک و همکاری به مجاهدین در زیر پوشش خدعه و نیرنگ داخل هرات ازاده گردیدند. در اوائل مردم قهرمان هرات نه غافل گیر شدند بلکه این ها را استقبال هم کردند. کاروان ظلمت اطراف شهر و قوای زلمی کوت را محاصره نمودند و همچنین یک بخش قوای متجاوز روسی از جانب تورغندی بندر مرز هرات و روسیه داخل شهر هرات گردید به نبرد آتشین و وخیمی دست زدند آتش در هوا شراره می نمود و قوای تازه دم دشمن به جانب زلمی کوت با انکا و حمایه نیروی هوائی طیاره های جنگنده مجهز در حال پیش روی بود و از دو جانب سخت آتش در گیری مشتعل و شعله رو گردیده بود و از دو طرف جبهه مقابل به موازت متوارد و پی هم هزاران مرمی و خمپاره شلیک میگردید و محاذ محاربه حد فاصل بین دو جبهه در حدود (۲) کیلومتری از قسمت پل جکان الی نظام قراول زلمی کوت و مواضع مجاهدین یک کتله شعله آتش و مذابه گردیده بود شش تنک زر هپوش قوای تازه نفیس دشمن از پا در آمد و قوای مجهز و تازه دم دشمن در نزدیکی نظام قراول از سبقت جوئی و پیشروئی بازمانده و متوقف گردید البته شلیک آتش باری قوای زمینی و هوائی لحظه سکوت نمی کرد قوای تهاجمی نو وارد دشمن از حومه شهر در تمام سنگرهای مجاهدین در داخل شهر و مواضع صاحب منصبان

مجاهد در قسمت های تپه های دامنه تخت صفر ، جوار خواجه عبدالله انصاری و دشت مولوی صاحب به و خامت و شدت آتش باری می نمود و صاحب منصبان مجاهد و قهرمان چون کوهپایه های مقاوم با رشادت و مهارت نبرد را ابا انتهای پایداری به پیش می بردند و برق آسا پاسخ کاروان های تانک های تازه دم دشمن را میدادند و قوای زمینی مجهز دشمن ملحد به هیچ وجه نتوانست که به صفوف مجاهدین رز منده ، و قوای عسکری مجاهدین رخنه و غلبه نماید اما به انکاء به نیروی هوائی آسمان خراش و خانمانسوز توانست که نیروی مجاهدین را از اطراف شهر و زلمی کوت از نواحی قریه شاطر ، شیدائی و دامنه تخت صفر محاصره نماید و نیروی هوائی انواع میک های جنگنده و طیاره های ایلوشن سوو در فراز شهر چون خیل عقاب های شکاری به پرواز در آمده بودند ناجوانمردانه داخل شهر و حومه شهر و مواضع مجاهدین را مورد رگبار مسلسل ، خمپاره و بمب های آتش افزا قرار میدادند باز هم نیروی خصمانه دشمن در فرار زلمی کوت مواضع قوای عسکری مجاهدین قهرمان براحتمی پرواز کرده نمی توانستند چه شدیداً مورد اصابت قوای دافع هوائی مبارزین قرار می گرفتند و از همین پس منظر خطرناک و سبعانه دشمن است که نیروی هوائی وحشت انگیز دشمن ملحد غرض تلافی و جبران عقده های زخم هائیکه از جنگ برداشته

بود به حریم شهر هرات باستان به شدت آتش باری می نماید .
و مجاهدین قهرمان چون راد مردان تاریخ در سنگر های مبارزه
نور برظلمت پایدارو استوار باقی می مانند و همچنین سه عراده
تانک صاحب منصفان رشید و مجاهد بصوب درهم شکستن مرکز
ولایت هرات آتش باری می نمایند و در قسمت تعمیر مستوفیت
جوار ولایت در اثر درگیری شدید با کاروان تانک های دشمن ،
به آتش کشیده میشوند و این جانبازان راه حق به زندگی همیشه
جاوید می پیوندند .

نیروی هوایی دشمن میک های آسمان خراش و طیاره های
ابلوشن و سؤ برفراز زلمی کوت دامنه های تخت صفر ، گازر گاه
شریف و دشت مولوی صاحب بربالای مواضع اسطوره های
مقاومت از ارتفاعات بلند وحشیانه بمب باری می نمایند ، قوای
دافع هوایی مبارزین مجاهد با متانت و مهارت ، نیروی آسمان
خراش دشمن را سرا سیمه نموده و عقب میزدند . نیروی هوایی
مجهز و جنگنده های مدرن سریع السیر رژیم کاواک و ملحد از
انتهای سراسیمگی از ارتفاع نهایت بلند بالای مواضع فرزندان
رشید نهضت اسلامی هزاران رگبار مسلسل ، خمپاره و بمب های
مخرب و آتش افزا سرا زیر می کردند ازینکه سطح ارتفاع پرواز
جنگنده های دشمن بی اندازه بلند بود بمب باری های وحشت
الکیز عوامل مزدور به هدف اصابت نمی کرد و دشمن مبتلا به

جنون هزاران بمب و به احتمال یقین صدها تن بمب مخرب و
اتش افزا را در داخل زلمی کوت و حومه آن و دامنه تپه های
تخت صفر و باقی خطوط مقدم محاذ جنگ پر تاب و انداخت می
نمود البته زندانیان چون شیر در بند کشیده از داخل محبس که
در جوار نزدیکی تخت صفر ، زلمی کوت و دامنه خواجه عبدالله
الصابری قرار داشتند این حالت وحشت انگیز رژیم به اصطلاح
دموکراتیک خلق را در حالیکه هر لحظه نابودی محبس احتمال
میرفت از نزدیک مشاهده می کردند و واقعیت رویداد غم انگیز
ازین قرار بود که در هر لحظه در فراز مواضع نظامی مجاهدین
(۸) پروند طیاره جنگنده میک ، ایلوشن و سو وظیفه کشانی و
حمایه نمودن جنگنده ها و بمبارد مان متواتر منطقه را انجام
میدادند در اثنا بمباران سرسام آور وحشت ناک تعداد از طیاره
های حمایتی صحنه های اتش افروزی را برای طیاره های
جنگنده دیگر آماده می ساختند میدان اتش باری طیاره های
میک اسمان خراش انقدر مهیب و رقتبار بود که دل هر بیننده را
مبهوت و مملوف می کرد و بایک محاسبه فنی و تخیلی از
پیکر این سایه های سیاه شوم و شرک الود چنین ارائه می شد
که در ظرف (۱۲) ساعت در حدود (۹۶) طیاره ادم خوارروسی
در فضای شهر هرات بامستان بالای مجاهدین جانبازان حق
یکنواخت وظیفه بمبارد مان را به شدت اجرا می نمودند. و محبوسین

مسلمان و به زنجیر کشیده شده در حالیکه از همسنگرهای مجاهد خود دور مانده بودند چون بسمل های زخمی (سر بریده) بخود می تپیدند و چون شیر های در زنجیر کشیده می نالیدند و چون بلبل های سوخته در قفس (زندان) سرود آزادی می خواندند و گوش های شان با صدای مهیب تانک ها ، صفیر گلوله ها و نفیر انفجار بمب ها بسته بود و چشمان خشمگین شان که یک دنیا منظره پر تهییج را تمثیل میکرد از صبحگاهی تا دل شب چشم به فضای شهر کهن و زادگاه ازاده نیاکان شان دوخته بودند که رعد و برق تانک و توپ و بمب بارد مان های عوامل روسی صحنه از جهنم را بار آورده بود . صدای مهیب و دلخراش امواج رادیو، استراق سمع بطور متواتر بدون لحظه سکوت انعکاس دهنده اعلام مخابره بمبارد مان هرات رستا خیز بود .

آواز مخابره و قومانده نبرد آتشین رژیم ماحد و کاواک از طریق امواج ۴۱ متری ۴۹ متری ۷۵ متری و ۱۲۰ متری در تمام روز الی نیم شب یک نواخت شنیده می شد گرچه قومانده و دستور مخابره به ذریعه کلمات مرموز به طور شفر و مستتر اعلام میگردد ازینکه جملات شفر بصورت یکتواخت و متواتر بخاطر آتش باری و بمبارد مان بی حد و حصر در طول روز و شب به کرات بدون تغییر شکل تکرار می گردید مسلمانان به بند کشیده بادل های ملهوف از پشت دیوار های آهنین که

عمیقاً متوجه اوضاع رقت بار و ناگوار دشمن بودند کلمات هماهنگ شده و متحد الشکل، مخابره دشمن (شفر) که بدون تغییر الفاظ در متابل حدوث واقعات و آتش افروزی های یکنواخت انجام میگرفت بالوسيله تکرار عملیات ناگوار تا اندازه مفهوم تکان دهنده شفر مستتر شده، برای زندانیان مجاهد اشکارا و واضح گردیاء بود.

از جانب عوامل ملحد و زبون دشمن که در قابل رستاخیزی بزرگ هرات قهرمان سخت سراسیمه و مبتلا به جنون شده بودند، امر قومانده آتش باری بمب های محرق را از طریق مخابره مراکز ارتباطات منابع «شاداب سنگی» و «پشتون سنگی» که محل ارتباط شفر بین طیاره های جنگنده آسمان خراش بود اکثر اوقات از انتهای عجز و مهزوم بودن خودش بدون رعایت مخفی و محفوظ نگه داشتن محتوی شفر، به عصبانیت زیاد قومانده شفر را به الفاظ فارسی و پشتو با لکنت زبان مخابره و دستور می دادند این سراسیمگی دشمن هم عواملی بود تا که محتویات شفر و دستور العمل دشمن ظاهر و روشن میگردد و طیاره های جنگنده میک (۱۷ - ۲۱ - ۲۳) و ایلوشین و سؤ به حروف عداد نام گذاری شده بود و مواضع استرا تیزیکی مجاهدین زهر مرد نیز در نقاط مختلف به اعداد نامگذاری و ترسیم گردیده بود در پس منظر این رویداد ها و مخابره ها دیده میشد که

عل دامنه و تپه های تخت صفر که مجاهدین سرمازان نظامی راه حق هنگر گرفته بودند بنام نقطه ۳۳ نام نهاده شده بود و همچنین محاذ مجاهدین را دهنش داخل زلای کوت به نقاط ۳۸ و ۴۸ تعیین و تثبیت شده بود البته محل فرود گاه نظامی قوای هوائی بنام سیم (م) و فرود آمدن طیاره ها را به میدان نظامی به کلمه مخابره «کیل» دستور می دادند و با کلمه منحوس و دلخراش «کیوتن» دستور بمباردمان و به آتش کشیدن منطقه را انجام میدادند.

البته به مجردیکه کلمات خانامانسوز و تکلان دهنده دشمنان ملحد از چینل مخابره بی سیم به منابع ارتباطی قوای هوائی ارتباط گرفته می شد بعد از یک لحظه کمتر از یک و دو دقیقه نیروی هوائی سریع السیر در فضای هرات چتر می بستند مواضع و نقاط تعیین شده مورد دستور را سرمام اور به آتش کشیده با مهارت و کار آگاهی مدرن ترین طیاره های جنگی به بمباردمان وحشیانه منطقه مبادرت می ورزیدند و از کاروان های طیاره های آسمان خراش دشمن بین میدان هوائی نظامی شنند و میدان بگرامی و فضای هرات شهید پرور پل هوائی خط دورانی بسته شده بود و حتی پل هوائی در خط مقابل شمال هرات بین فضای هرات مرد افزین و پایگاه نظامی تا شکند امپریالیزم متجاوز روسیه مستقیماً چتر بسته بود چه آن زمانیکه مسئله جنگ حق و

باطل مطرح می گردد نیروهای اتحادی دست بدست هم میدهند در مقابل موج حق متحد و فشرده میشوند، چنانچه در طول روز در اوج را دیو که آواز مخابره شنیده میشد به صراحت صدای زهراگین افسران روسی که مستقیماً با ایالت دو شنبه تا شکند همراهی یک زن روسی مخابره میکردند شنیده می شد ازینکه مسلمانان دربند کشیده در زندان خوش بخانه به لسان محسوس روسی اشنائی نداشتهند محتوی مخابره افسران روسی ناشکند مجهول و نا معلوم بود و از جانی ترجمان لسان روسی تور غندی (یکی از افراد پرچمی) در محبس قید بود که بالوسيله مذکور تا اندازهٔ بمفاهیم مخابره افسران روسی اشنائی حاصل می گردید و نیز از جریان منابع ارتباطی طیاره های جنگنده و مرکز قومانده و دستور العمل دشمن بوضاحت محسوس و تثبیت می گردید که تعداد (۷) طیاره میک ۲۳ بذریعه پیلوت های نخبهٔ روسی در فراز گهواره تاریخ ساز هرات پرواز داده می شدند که از آن جمله سه طیاره مصروف اوضاع ساحه ولسوالی غورین و مناطق حدتی ایران مصروف عملیات بوده و چهار طیاره دیگر در فراز شهر هرات با انتهای مهارت و کار آگاهی پیلوت های روسی مشغول عملیات آتش افروزی بودند و از همه مهمتر طیاره های روسی امور اجرا و ظایف محوله بمباردمان پیلوت های اشنائی را رهبری و کنترل می نمودند، چه بعضی از پیلوت

های افغانی غرض ازینکه بمب های پرتاب شده شان به هدف اصابت نمی کرد و یا اینکه اصلاً وظیفه بمباردمان را در نقطه تثبیت شده به وقت و زمان معین آن تطبیق نمی کردند ، از مرکز قومانده دستور العمل ، با خشونت هدایت داده می شد که به میدان نظامی فرود آید . در حقیقت از اوضاع مخابره بعضاً احساس می شد که یک عده نهایت محدود پیلوت های با درد افغانی اصلاً نمی خواستند که بالای ملت و کشور زاد گاه خویش آتش افروزند . بطور مثال یک نفر پیلوت از طریق مخابره هدایت داده شد که در قسمت شاهراه ولسوالی کرخ یک پسته کاروان عراده جات (به اصطلاح خلقی ها) شورشیان اشراک کشف گردیده که بصوب شهر هرات به حرکت اند فوراً بالای شان (کیوتن) بمباری نمائید پیلوت مذکور که دارای عواطف میهنی و شاید هم دارای احساس عالی اسلامی بوده است به اشکال مختلف از انجام وظیفه بمباردمان ابا می ورزید و مرکز فرمانده را اغفال می نمود حتی (۶) مرتبه به فراز کاروان عراده جات مجاهدین سوق داده شد و هرگز مرتکب عمل خائنانانه نا بخشودنی نشد و به شکلی هر دفعه جریان را دگرگون جلوه میداد تا سر انجام ذریعه مخابره به مرکز فرماندهی اعلام کرد که افراد سرنشینان عراده جات کاروان مذکور محل را ترک داده و تخلیه نموده اند و عراده جات متذکره در حال متوقف است

که خالی و بدون نفر میباشد و نیز طیاره ان مواد سوخت خلاص کرده و بیشتر آماده پرواز نیست و مرکز فرماندهی باعصبانیت برای پیلوت موصوف امر فرود آمدن به میدان نظامی دادند . بعد ها به روایتی مشعر گردیده بود که دو نفر پیلوت را در میدان هوائی شنندند به جرم اینکه وظیفه انجام نمی دادند و یا به خاطر اینکه چرا بمب های شان به نقاط و اهداف مشخص اصابت نکرده مورد جوخه آتش قرار میگیرند ، و به روایتی نیز ۲۲ نفر پیلوت به اتهام همین جرم تحت الحفظ به کابل اعزام می گردند .

اگر از مبحث اصلی دور نرفته باشیم طوریکه قبلاً اشاره کردید که آتش منقرق و شعله های لهبان نیروی هوائی دشمن ملحد در بالای مواضع و سنگر های مجاهدین در داخل شهر به شدت ادامه داشت در ولسوالی های یازده گانه و حومه شهر نیز آتش رگبار مسلسل و ریزش بمب های مخرب و آتش افزا به شدت و نخامت سرسام اوری جاری بود و هر لحظه گسترش می یافت .

قوای جانبازان نیروی حق در مواضع زلمی کوت ، دامنه تخت صفر با مقاومت و رشادت بی نظیر در مقابل نیروی مخرب هوائی دشمن خدا ناشناس پاسخ میدادند . هر چند رستا خیزی و جنبش اسلامی و توفنده جانبازان اسلام در هرات قهرمان بسان

سپیل خروشانى بود که سه سوانع دژخیمان دشمن را درهم می شکست و با بلعیدن سوانع، قدرت تاریخ ساز خویش را لحظه به لحظه افزونتر می نمود ولی دشمن حرفوی و مجهز در کمین فرصت و توطئه بود. و از جانبی قوای تازه دم قندهار و تور غندی که شاهراه های عمومی شهر و اطراف زلمی کوت و مواضع سنگر های مجاهدین را تا اندازه در حلقه محاصره در آورده بودند و بالای مجاهدین کوهپایه های متفاوت با شایک توپ و تانک و به حمایه نیروی هوایی دامنه آتش افروزی رامی افزودند. و جانبازان با ایمان در مقابل آتش گسترده دشمن با متانت و صلابت پاسخ شدید میدادند در حالیکه دشمن متحد کمونیست مواضع مجاهدین و حریم شهر را در حلقه محاصره وزیر آتش متواتر قرار میداد.

جانبازان هدفمند تلفات دسته جمعی و حتی ضایعات فرد فرد اهالی را مایه نگرانی و مورد محاسبه عمیق قرار می دادند و با درک عمیقی که از دشمن کرده بودند نمی خواستند که خط مقدم - مقاومت مبارزه خویش را به بهای تلفات هنگفت مردم بی دفاع در قبضه و تسلط داشته باشند در حقیقت دور اندیشی مجاهدین از قلب خونین و داغدار جامعه سرشت می گرفت و سربازان قهرمان به هیچ وجه حاضر نبودند که با شلیک انداخت توپ خانه بالای پسته های افراز شده رژیم دست نشانده در داخل شهر و بالای مستحکم ترین دژ طاغوتی حصار

قوماندانی امنیه ، ناگزیر اهالی مجاور آنها را هم به ضایعات و تلفات سنگین ان متضرر سازند و مجاهدین جانفدا هر نوع فتح و ظفر را در خط مبارزه پیگیر در بهای قربانی و ایثار خود ها بدست می آوردند و هر گز حاضر به تلفات مردم خود نبودند در حقیقت آخرین دژ طاغوتی رژیم ملحد همانا قوماندانی امنیه بود که همه خلقی ها و عوامل مزدور از ابتدا رستاخیزی بر حق اهالی قهرمان هرات در حلقه محاصره مجاهدین زیر مرد قرار داشت و در صورت استیلا و نابودی قوماندانی امنیه به احتمال قوی مرآوده و ارتباط بی سیم مرکز کابل بکلی با نیرنگسازان فتنه انگیز خلقی های محصور قطع میگردد و ظفر و فتح نهائی در قبضه مجاهدین هدف مند در می آمدولی مجاهدین باهمت و پاکبازان طراز که به خاطر آزادی مردم و جامعه خویش در ستیز بودند هر گز حاضر نبودند که به تلفات و قربانی دسته جمعی اهالی بی دفاع شهر پیروزی نهائی را بدست آرند و یگانه سدی که لز تخریب و به آتش بستن قوماندانی امنیه پیشروی داشتند همانا محاسبه قربانی و تلفات فرد فرد اهالی شهر هرات بود و هرگز بر حصار قوماندانی امنیه پناه گاه دسته جمعی خاکی های ملحد آتش توپ خانه را نگشودند ، این بود محاسبه و عمل کرد انقلابی سرپازان هدف مند مسلمان در محاذ جهاد علی رغم دشمن بخاطر تحفظ و بقای زندگی جامعه ، تا حتی که آخرین دست آورد های

پیروزی و فتح نهائی را هم از مجرا همین محاسبه ها و ارزش های جامعه از دست دادند.

به همه حال در حالیکه آتش باری زمینی و هوائی دشمن متخاصم در محاذ سنگر های مبارزین به شدت ادامه داشت و جانبازان حق با روحیه قوی بالمقابل دشمن به شدت پاسخ میدادند تاریکی شب فرا رسید در گری و آتش افروزی نیروی هوائی دشمن اوضاع را نهایت و خیم و گسترده ساخته بود مجاهدین هر چند تادل شب چندین طیاره جنگنده را سقوط دادند. اما آتش باری نیروی هوائی با پرتاب نمودن مرسی های رسام فضای شهر را تا نیمه شب مضطرب و حشتناک نگاه میداشت و جانبازان مجاهد درس شهامت ، ثبات و صفحه تازه و افتخار افرینی را در تاریخ ازده و شکوه مند هرات قهرمان تا دل شب باز می نمودند از کوه مقاومت و استوارتر در سنگر ایستاده بودند.

صبح دوشنبه هوت خولین :

صبح دوشنبه ۲۸ هوت در حالیکه شعاع افتاب بالای خون شهدای زنده جاوید می درخشید بیرق های برا فراشته جانبازان حق بر فراز شهر در پنجمین روز پر افتخار رستاخیزی هنوز به احتزاز بود مجاهدین زبر مر دستگر های شاق ، ودانمه ها ، تپه ها و مواضع استرا تیژی شهر و در محاذ زلمی کوت

چون فاتحان تاریخ با متانت و برا زندگی خاص علی رغم قوای زمینی و هوائی رژیم خدا ناشناس و دست نشانده ، رمز پیروزی و اسطوره مقاومت را ادامه داده میرفتند . ناگهان فراز شهر را خیل طیاره های غوا پیکر شکری سریع السیر و مجهز میک ۲۱ - ۲۳ ، ایوشن و سو سرسام اور فرا گرفت ، این کاروان های طیاره اصلاً از دوشنبه مرکز ایالت ناشکند بصوب هرات شهید پرور به پرواز در آمده بودند منظره و حشمتناک و جهنم آتش سوزی را ارمغان آورده بودند یعنی بیش از صدها تن بمب ویرانه ساز در دامان گهواره علم پرور هرات باستان فروریختند گوئی این مهد مدنیت و ازاده پرور محکوم به فنا و نیستی شده بود این طیاره های جنگنده در فراز شهر به ارتفاع پایان و پست دیوار صوتی می شکستند دامان کوهسار و حصار شهر را به لرزه و اضطراب در آورده بود اطفال معصوم سرا سیمه در گوشه های منازل و در پناه گاه‌های تاریک (انهم غیر مصئون) پناه می بردند گهواره مدنیت ساز هرات که در طول تاریخ نور عام و معرفت ان تجلی می نمود دیگر در زیر رگبار مسلسل و بمب های آتش افزا دشمن فاقد فرهنگ و کلتور ، طعمه حریق گردیده بود ، این طیاره های ماتم انگیز که در انتهای شطارت و مهارت عجیبی بطور مار پیچ در خطوط پست و پایانی فضا شهر و در فراز مجاهدین در حالیکه دیوار صوتی را می شکستند و صحنه

اضطراب و وحشت را تولید می کردند به بمباری وحشیانه خود نیز ادامه میدادند در حقیقت پل هوائی در فراز شهر هرات و وایالت تاشکند بسته بودند که از طول امواج مخابره را دیو به صراحت تثبیت و متجاهر بود که طیاره های جنکنده روس های ماجرا جوی امیرایا لیزم شوروی مستقیماً در خطه پاستانی هرات آتش باری بی امان می نمودند . البته بمباری چنان گسترده و مهیب بود که محاذ زلمی کوت را با چند هزار افراد و تعدادی چند صاحب منصب مجاهد را به خاک و خون کشانیده و ویرانه از خاکستریش باقی نگذاشتند ، بارکها ، عمارات و مخازن اسلحه و اشجار ساحه زلمی کوت یکپارچه حریق و جزتل خاک میگردد ، و خامت و شدت آتش افروزی قوای هوائی دشمن چنان وسعت و ابعاد گسترده را گرفته بود که نیروی دافع هوائی صاحب منصبان مجاهد در مقابل این وحشت مهلک برای اولین لحظه های خطرناک بیکار عاجز و مبسوت مانده بود و علی الفور تصمیم مناسبی اتخاذ می نمایند در مقابل قوای جهانهوار نیروی هوائی دشمن سکوت و خاموشی اختیار می نمایند چون پس منظر این عملیات خصمانه را دریافته بودند که با کوچکترین دفاع ، شهرمدنیت پرور و همه اثار حیات و بقای جامعه هرات باستان در زیر اوار بمب های دشمن مدفون خواهد گردید دیگر افسانه تاریخ درد ناکی ازان باقی خواهد ماند که جبران

و تلافی آن همه ضایعات ناممکن خواهد بود. صاحب منصبان دور اندیش با هوشیاری انقلابی خود مدبرانه در سنگرهای جهاد سکوت اختیار نمودند هر نوع قربانی و ضایعات سنگین در مقابل مصئون نگهداشتن هم میهنان خویش متحمل گردیدند، و سنگرهای راد مردان در یک سکوت مرگباری تجسس می نمود گاهی تصور میرفت که بکلی قوای نظامی مجاهدین در زیر اوار بمب ها احمأ و استیلا شده است لحظه های سکوت، دنیای یأس و نا راحتی را در دل بینندگان با احساس می تنید. چقدر ناگوار که لحظه سکوت یأس، در مقابل دیدگان مردم، حکایت از باور شدن نطفه و وقوع حادثه خطرناک را تجسس می نمود. تا اینکه نیروی هوایی غول پیکر و جهانخوار و آتش افروز چهره مرخصه و ماتمسرای آن از فراز هرات در حوالی (۴) بجه بعد از ظهر رخت بر بست آرایش قبل از طوفانی بوجود آمده بود گوئی جریان به نفع دشمن خاتمه یافته بود در موقعیت عصر (ساعت چهار بجه) در حالیکه در نواحی شهر نفیر تانک و توپ شنیده میشد و طیاره های میک کم و زیاد در مواضع مجاهدین به عملیات بمباری آزمایشی شروع کردند در همین فضای سکوت بود که صدای دلنشین دافع هوا قوای مجاهدین علیه جنگنده های دشمن به نواختن درآمد و سکوت یأس را در هم شکست و صاحب منصبان مبارز در سنگرهای طعمه آتش زده

خویش قد علم نمودند و مبارزه کجدار مریز را آغاز کردند در حقیقت نبرد تاریخ افرین و مجاهدات قهرمان سز مجاهدین فاتح دیگر در استانه ضعف و حالت تدافعی و عقب نشینی قرار گرفته بود شب سیاه فرا رسید صدای شلیک یکه تاز شنیده می شد اما کلمه فتح و پیروزی نهائی دیگر در زیر شعله های لهیان زراد خانه امپریا لیزم روسیه به خاکستر زیر آتش مبدل گردیده بود مواضع سنگر های مجاهدین درهم ریخته بود و خون شهدای راستین از درون سنگر های سر به فلک کشیده میل اسا سرا زیر می شد و به غلیان در آمده بود در صحن و محاذ شهر اکثر مواضع حساس با حمله و خدعه قوای تازه دم قندهار بدست رژیم طاغوتی در آمده بود چه عجیب تانک های زرهپوش پرچمی و خلقی های کاذب بیرق های سبز گلگون را توأم با پیروزی شعار اسلام برافراشته بودند و با استقبال گرم مردم داخل مواضع مجاهدین گردیده بودند، مردم مبارز را با ابراز تهنیت و مبارک باد پیروزی نهائی، رهسپار حومه شهر و ترغیب به منازل شان می نمودند این حربه و حمله سخت کاری افتاد، با تخلیه و ترک مبارزین از مواضع استرا تیژی شهر، قوای خاد و طوغوتی دشمن علی الفور، موقعیت های حساس و بارز از دست رفته شهر را واپس اشغال و در زیر سلطه خود در آوردند. طوریکه قبلاً اشاره شد تاریکی شب فرار سیده بود در همان اثنا خلقی

های مهزوم و زخم خورده با یک لحظه نفس نیمه راحت از
سوراخ های تحصن یافته و مخفی خویش سر بلند می کنند . و
دست به آخرین تلاش های مرگبار میشوند .
سه شنبه ۲۹ حوت خونین :

صبح سه شنبه ۲۹ حوت نور رستا خیزی را می دمد
آخرین نبرد شش روزه آغاز به شدت می نماید . قواق متلاشی
و آتش کشیده مجاهدین از محاذ زلمی کوت ، دانه گازر گاه
شریف و تپه های تخت صفر به امید شکستن آخرین دژ مستحکم
مجلس بزرگ هرات میدان کار زار را شدت می بخشند و حصار
مجلس را مردانه مورد اصابت شلیک توپ قرار میدهند گرچه روز
پیش (صبح دو شنبه ۲۸ حوت) با شلیک آتش توپخانه یک
قسمت دیوار مجلس اناثیه را تخریب و سوراخ نمود بودند ،
اینک بالای تانک ها و توپ های محافظ مجلس متواتر آتش می
نمودند که یک توپ دشمن از جوار مجلس مجبور به فرار گردید
و شلیک توپ خانه مجاهدین بالای مجلس مردانه ادامه داشت
و با چند ضربه کاری ، برج شمال شرقی مجلس که مملو و تعبیه
از سلاح های ثقیله و خود کار بود ، تخریب و فلج گردید و
به غرض باز نمودن مجلس آتش صاحب منصبان مجاهد بالای
منزل قوماندانی مدیریت مجلس و دروازه مجلس به شدت ادامه داشت
که در اثر آن یک قسمت منزل فوقانی مدیریت مجلس تخریب و

چند نفر عسکر مجروح گردیدند و آتش باری جانبازان راه حق چنان با شدت و خامت برق آسا فرود می آمد که الدام خلقی های زبون سست و به لرزه در آورده بود و شدت باران آتش چهار دیواری مستحکم و صحن مجس را چون توفان زلزله و گرد باد مدحش در حال در هم ریختن و واژگونی و زیرو رو نمودن داشت هر لحظه تصور میرفت که چهار مجس تل خاک و امواج آتش و خاکستر گردد. از جرعه های آتش باری تعداد (۱۱) نفر محبوس جنائی شدیداً جراحت برداشتند برای محبوسین این توفان های رگبار توپ ها هرگز مهیب و دلخراش نبود بلکه یک احساس دلنشین برای غلبه نور بر ظلمت دشمن بر شمرده می شد و به انتظار باز شدن دروازه مجس دقایق اخیری را عجولانه شمار می کردند ولی با ترفند دشمن این کار هم نشد و محبوسین در قید زنجیر های دشمن باقی ماندند. در حقیقت در هر لحظه مسیر انقلاب، حرکت استفاده از زمان نهایت حساس است آگاهی و کارآئی رهبری سالم بر تمام شریان ها و جریان جنبش اب حیات و ثمره قیام خواهد بود تا با ابتکار عمل و قاطعیت هدف در مسیر دادن جهت دادن انقلاب اسلامی کوچکترین لغزش باعث شکست و عقب نشینی نگردد مع الاسف این رمز پربروزی در موج های قیام هرات قهرمان خط درشت نکشیده بود تا زمانیکه بعد از فتح و غلبه عقب نشینی کرد. نیروی هوائی مستکبرین

ملحد طبق دست آورد های وحشیانه قبلی به شدت بالای مجاهدین فرزندان جانباز نهضت اسلامی آتش باری بی نمودند و مبارزین حماسه ساز تا اخریق لحظه پیکار آتش افروزی دشمن را پاسخ میداد و دفاع هوا' قوای مجاهدین یکا یک تا این دم علی رغم جنگنده های دشمن دفاع می کردند هر چند اکثراً در زیر آتش گسترده دشمن ذوب شده بودند و تا لحظات اخری قیام گلگون کفنان ۲۴ حوت در حدود (۱۱) پروند طیاره میک و یک پروند طیاره هلیکوپتر که با مدرن ترین نوع سلاح تخریبی مجهز بود در استانه چند روز سقوط داده شده بود که اکثر شاهد این طیاره های آتش زده بودند ر به ملاحظه میرسید که بسا پیلوت های طیاره های سقوط داده شده افسران روسی اند و از زمره البته یک پروند طیاره میک در مسیر شاهراه میر داود جنوب هرات و یک پروند طیاره در ولسوالی کشک و یک پروند طیاره در جوار شفاخانه نور در داخل شهر هرات سقوط داده شده بود که اکثریت مردم ناظر لاشه های طیاره های سقوط داده شده بودند .

در رستا خیزی قیام ظفر افرین حماسه ساز هرات در ظرف شش روز ۷۵ تن افسر نخبه روسی ملبس به لباس نظامی به خاک و خون کشیده شده و بروایتی دیگر درین قیام شکوهند ۱۵۰ افسر روسی به گورستانیکه خود کنده بودند فرو برده میشوند و این شکست جنرال های کار آزموده و افسران روسی در کنلر

دیوهای سلاح های زهراگین و پیشرفته اولین درس عصر خود بود که قبلاً این پند تاریخی برای انگلیس های متجاوز هم از همین مرزو بوم افغانستان قهزمان داده شده بود.

درین نبرد غلبه کاروان نور بر ظلمت در ظرف شش روز حماسه های جاویدانه ، اهالی مجاهد هرات بی همتا بین ۲۵ الی ۳۶ هزار شهید زنده جاوید ارمغان تاریخ گذاشتند . اگر به یک صفحه تاریخ قبل از امروز نظر اندازیم نا گواری های تلخی مشاهده می کنیم که کشور های مسلمان اسیا دائم همچو افغانستان ازاده مورد تاخت و تاز پیرحمانه همسایه شمالی خود بود ، و هنوز ناله غم انگیز مرو ، خیوه ، بخارا ، تاجکستان ، ازبکستان ، سمرقند (ترکسیان غربی) همچو ناله های ماتم انگیز فرزندی که به نیزه دشمن خون الود میشود و از پستان ما در داغدیده جدا میگردد این حادثه ها در سیمای غم الود پیکر اسیا همیشه مشاهده میشود اما یقیناً این طلسم های اسارت و دیوار های آهنین در افغانستان قهرمان در رویا روی تاریخ در هم شکسته میشود و آزادی از آن ملت های مسلمان میشود .

روز سه شنبه آفتاب در حال خم شدن بود نبرد پاسداران اسلام علیه قوای هوایی و قوای زمینی تازه دم دشمن ادامه داشت دشمن سراسیمه و وحشت زده بود امین لعین که قومانده آتش افروزی جنگ را از کابل هر لحظه شدید تر صادر می نمود

دیگر در مقابل اسطوره های سمبل مقاومت سپاه حق سیمای مرگ کمونیزم را لمس می کرد امر دستور ذوب نمودن هرات قهرمان را در زیر اوار بمب های آتش افزا روسی بدون چون و چرا به اصطلاح ارمغان داد و شهر زیبا و هرات مشعل دار علم و دانش (حالا علم دار انقلاب) را نمی خواستند در کنار افغانستان مجاهد بینند و از آن دریای خون و ویرانه های ماتمسرای افغانستان عزیز بیش از روزی نداشتند گرچه یک قسمت این کار خائینانه را هم انجام داده بودند یعنی صد ها تن بمب مخرب و محرق در دامان مدنیت پرور هرات آزاده فرو ریخته بودند. در همین لحظات حساس بود که زنگ خطر و نا بودی اهالی هرات از میان زراد خانه های زهرا گین روسیه صدا می زد. سنگر های آتش گرفته بود. سپاه ترین دوران اختناق عمل کرد های وحشیانه این رژیم سفاک نشان می داد که این ها نه تنها حامی زحمتکشان نیستند بلکه گورستانی از محرومین و مستضعفین آباد کرده بودند، شهر طعمه حریق بود و مجاهدین قهرمان و دور اندیش از تصمیم امین لعین نسبت به نا بودی هرات و در پس منظر عملیات وحشیانه حقیقت قصیه را درک کرده بودند در حالیکه تعدادی افسران جان پرکف در سنگر های با عظمت جهاد مقدس جان به جان افزین سپردند و یک عده صاحب منصبان پیکار جو در کنار سنگر رزم اسیر افزید دشمن ملحد

گردیدند تا کزیر صاحب منصبان قهرمان با قلب های پر از
حادثه و حماسه از دامنه تخت صفر، زلمی کوت، دشت
مولوی صاحب و گازر گاه شریف و دیگر مواضع شهر عقب نشینی
نمودند و عقب نشینی شرافتمندانه را نسبت بقا و ادامه حیات
هرات قهرمان اختیار کردند و در صفوف عتب جنبه متواری
گشتند.

یک عده از صاحب منصبان سهیل مقاومت و مجاهدین
قهرمان که اسیر خلیقی ها گردیدند بعد ها به صورت دسته
جمعی به رگبار مسلسل و توپ بسته شدند.

در همین جاه بود که ظفر و فتح شش روز قیام گلگون
کفنان ۲۴ حوت در زیر اوار بمب های روسی و قوای هوایی
روسیه به خاموشی مرگبار مبدل گردید، خاموشی و سکوتی که
در پس منظر آن جنگ پاسداران اسلام تا حال ادامه دارد و
انقلاب رستاخیزی سرتاسری افغانستان مجاهد را ارمغان جاویدانه
آورد. در قلوب مردم امیخته در میان موج خون، سرود
مادران داغدیده و یتیمان خاک الود و آواره در فضای تاریک
گرد و غبار و دود باروت دشمن چون سرود آسمانی همیشه یگوش
میرسد و به دل می نشیند و تداوم جریان انقلاب را اباری و
پایدار می سازد.

حکومت جبار و دست نشانده ملحد که بعد از ۲۴ حوت

یک لحظه نفس نیه ارامی کشید دیگر دروازه های سلول های زندان را باز نمود و دامان قبرستان دسته جمعی و به رگبار بستن ها و به توپ بسته شدن ها و زنده به گور کردن ها را گسترده و پهن نمود .

خلفی های خوار و زبون زخمی ها و اسرای مجاهدین را که از کوچه و بازار دستگیر کرده بودند در تاریکی شب در جوار زلمی گوت ، تخت صفر و دامنه مرستون زنده به گور می نمودند این فاجعه ماتم انگیز که تاریخ در سینه ندارد اهالی قریه باغدشت نزدیک تخت صفر و مرستون در سیاهی اندوهگین شب، ناله و فریاد مسلمانانیکه زنده به گور می شدند می شنویدند نور چراغهای موترهای که اسرای مسلمان را در حفر های که قبلاً در روز تهیه شده بود و تانک های زنجیری که بالای جسد های زخمی های زنده به گور در حرکت می آمد این منظره وحشتناک عصر را در مقابل دیدگان مردم باغدشت از فاصله دور مجسم می نمود .

این ماجرای ماتم انگیز عین واقعیت بی نظیر تاریخ خود است که بعد از درهم شکستن قیام زنده جاوید ۲۴ حوت ، مزدوران کمونیست این جلادان قرن در کوچه و بازار و در کوی و برزن در شهر و روستا هر جمعیت و هر فردی را می دیدند به تلافی زخم هائیکه از هایداری قیام جانبازان حق

برداشته بودند اسیر و دستگیر می کردند در سلول های مخفی و سیاه چالها به دیار مرگ دسته جمعی فرو می بردند و صد ها فرزند رشید و مجاهد از قریه ها و ولسوالی ها به ذریعه هلیکوپتر در بند قید زنجیر حواله سلول های زندان های مهیب مرکز کرده و ده ها مجاهد و مسلمانان پا کباز را از میان طیاره های که رنگ خون گرفته بود از هوا به زمین فرو می انداختند و فریاد و ناله های هزاران مجاهد هرات به خون تپیده و زجر دیده در زیر چکمه های مدعیان و حامیان عوام فریب کمونیست با فرو بردن برچه تفنگ در گلو خفه میشود و هزار ها فرزند صدیق نهضت اسلامی در میان موج های خون زنده به گور می شوند. در ولسوالی ها و مرکز شهر ده ها چاه های مهیب و تاریک حفر می گردد که صد ها مجاهد و مسلمانان اسیر و زخمی های نیمه جان را در دل شب های فاجعه ساز درین چاه ها زنده فرو میریزند. امار و ارقام این تعداد شهدا هر دم شهید و زنده به گور کردن ها بعد از در هم فشردن قیام ۲۴ حوت به مراتب از شهدای میدان معركة و جهاد ۲۴ حوت زیاده تر و ماتم انگیز تر است.

دشمن ملحد دست از حیله و خدعه بر نمی داشت زخم هائیکه از پهلوهای قیام بر حق هرات شهید پرور برداشته بودند، می خواستند با خونخواری جبران و تلافی نمایند در

شاهراه عمومی درب خوش تانک زرهپوش را در حالیکه بیرق سبز اسلامی در فراز آن بر افراشته ساخته بودند از میان مردم به عنوان همبستگی با مجاهدین عبور می دهند و یک عده اهالی مسلمان در مقابل عام سبز تانک بی محابا احساسات و علاقه خویش را تبارز میدهند خلی های فتنه انگیز علی الفور در حدود (۱۰) نفر را به جرم احساسات و علایق شان در زیر شلیک تانک به خون می غلطانند ، ازین حیاه ها و فتنه انگیزی های عوامل کمونیست تا توانستند استفاده نمودند چنانچه یک عراده تازی دیگری را با بر افراشتن بیرق سبز در سرک مقابل خانه مسخند ها با ابراز احساسات دو جانباز راه حق ، ایشان را رهسپار زندگی همیشه جاوید می نمایند . خلی های مزدور و خدا نا شناس برای از بین بردن مردم و خفه نمودن صدای ملت در حلقوم شان به ده ها نیرنگ و دامی که گسترده بودند دست بردار از گریبان ملت مسلمان نبودند درین فضای اختناق صد ها فامیل مجهول الهویه و لادرک می کردند که اثری از ایشان تا حال دیده نمی شود . مردم و اهالی هرات ، دسته جمعی از کوچه و بازار دستگیر و رهسپار زندان می گردیدند قوای ضربه با تانک و توپ و مسلسل منازل و خانه های مردم شهر خون و شهادت هرات را معاصره می نمودند هر مسلمانی را که در می یافتند به سلول زندان می انداختند این حالت اختناق در

دوازده ولسوالی و علاقهداری هرات مرد افرین ادامه داشت .
 زندان های مرکزی ماووپر از افراد مسلمان و مجاهد
 گردیده بود دشمن خونخوار در پهلوئی چندین مخفی گاه دست به
 تدارک زندان های مهیب و شکنجه گاه امیخته به خون و درد
 در هرات پهنا ورزده بود در این شکنجه گاه های مدحش و
 خطرناک اهالی هرات (قطعه کندک کشف ، زلمی کوت ، دژ
 مستحکم حصار محبس هرات ، توقیف محبس ، نظارت خانه
 قوماندانی ، و سلول های متعدد قوماندانی امنیه ، ماموریت های
 شش گانه پولیس ، تولی گوالیان ، باغ می فروش ، تعمیر سنگی
 قوای کارخوش رباط ، و (۱۲) محبس ولسوالی ها و علاقهداری
 های هرات بلا دیده و درد کشیده) داغ و فانه و شکنجه های
 گونا گون می شدند که در غروب آفتاب و فرش شدن گلیم سیاه
 شب تکاتک افراد مبارز و جانبازان راه خدا (ج) رهسپار مرگ
 توأم با شکنجه می شدند و تنها در محبس مرکزی مهیب و
 غم انگیز هرات که در اوائل قبل از قیام رستاخیزی گلگون کفنان
 ۲۴ حوت صرف ۳۲ سر باز حق و تا فرا رسیدن شب رستاخیزی
 ۷۵ نفر در توقیف محبس در بند و زنجیر بودند بعد از حماسه
 جاویدانه قیام تاریخ افرین هرات در حدود (۱۰۰۰) نفر بندی
 سیاسی در اسارت ملحدان خائن در محبس جنائی جای داده شده و
 رنج می کشیدند روز ها ده ها مسلمان به شکنجه گاه های مخفی

رهسپار می گردیدند و ده ها مسلمان دیگر از کوچه و بازار دستگیر شده جای آنها را پر می نمودند و این حالت ادامه داشت صرف در ساعت ۱۱ بجه شب چهارشنبه ۵/۴ نور ۱۳۵۸ تعداد ۴۶ نفر جانبازان داه حق بطور دسته جمعی در زیر رگبار مسلسل های خاکی های خدا نا شناس به دیار مرگ زنده جاوید رهنمود گردیدند . یک سال بعد از قیام همیشه جاوید هرات در زمان زمام داری مزدور دیگر روسی ببرک سردمدار باند پرچمی از یک مخفی گاه زیر زمینی باغ می فروش بیش از صد ها جسد سالم راد مردان با ایمان معجزه اسا در تاریکی فضای فاجعه انگیز آن شهدا' اسطوره مقاومت با چهره های نورانی و شناخته شده یکا یک در دیوار و کنار آن استوار و ثابت نقش بسته بودند . باند پرچمی ها مزدوران روسی این حادثه المناک و اندوهگین باند خلقی های کمونیست و هم مسلک خویش را در تاریکی شب در زیر زمین مدفون و پنهان نگاه می دارند تا سر هوشی در بالای جنایات خود گذاشته باشند ولی در نزد ملت مسلمان و مجاهد افغانستان ابدیده این رنگ ها و حناهای بوقلمون کمونیست های اجیر جز سیاهی و جرم جنایت چیز دیگری شناخته نمی شود .

حادثه لالا درپور (مشهور به لانک) که در سیاهی شب از میان افراد زیاد که در بند زنجیر و اسارت زللی کون بودند

با چشمان بسته همه شان بطرف مرگ زنده به گور کردن در دامنه مرستون آخرین دقایق را طی می کردند خود را از میان موتر مرگ دسته جمعی در تاریکی قیرگون شب فاجعه ساز بیرون انداخته نجات داده بود و به جمهوری اسلامی ایران هجرت می نماید . و باقی همه جان بر کفان با ایمان در دامنه مرستون زنده به گور می شوند . اگر شمه از تلاطم فاجعه های خانمانسوز دشمن نام ببریم عبدالحکیم معلم و نسوالی کشک که با صدها مسلمان با احساس در کشتارگاه زلمی کوت یکا یک به رگبار مسلسل بسته می شدند با آخرین مرمی دشمن به زمین می غلطد باز هم رگبار مسلسل بر جسد های به خون آغشته مجاهدین به زمین فرو رفته حواله می گردد و به جسد زخمی عبدالحکیم در لبه مرگ مرمی دشمن ختم میشود جسد های مرده ولی قلب های زنده جاوید تاریخ به میان موتر ها بالای هم فرو انداخته میشوند تا در محوطه زلمی کوت در حفر های که ترتیب داده بودند بزیب انبار خاک فرو ریزند معلم زخمی و با ایمان در اثنا فرو ریختن در میان حفز با فرصت که مساعد می گردد بی درنگ فرار می نماید رگبار مسلسل دشمن در عقب ان و در میان انبوه جنگل زلمی کوت به معلم راد مرد اثر نمی گذارد این جانباز در بند کشیده زبان گویا شمه از فاجعه اسف انگیز یادی کمونیزم در - هرات قهرمان می باشد .

در دامنه تخت صفر و در یک تصادف که جز الهام و کمک غیبی و ملکوتی چیز دیگری نبود بذریعه چند نفر که موتر خود را در دامنه ریگزار تخت صفر ریگ ساختمانی پر می کردند دو نفر مسلمان مبارز که تازه زنده بگور شده بودند در حال ضعف و بی حالی از زیر خاک کشیده میشوند و بعد از تیمارداری به جمهوری اسلامی ایران مهاجر می گردند .

در حقیقت ازین ماجرا ها و فاجعه های ماتمسرای دنیای غم انگیز صدها ارمغان کمونیزم در دامن هرات مرد خیز بعد از قیام ۲۴ حوت در آن لحظات یکی بی دیگر چون خنجر آتشین به چشم می خورد که بر چیدن این لاله های شهدا تاریخ در میان امواج ۳۶ هزار شهید و صدها فاجعه المناک قلم شکسته و محزون این اثر عاجز و قاصر است به این رشته نوشته نا چیز نا گزیر اکتفا میکنم

در استانه خورشید توانگر جهاد با عظمت و سیمای ملکوتی و عیبی راد سردان حماسه جاوید مجاهدین قهرمان افغانستان عزیز که در افق فتح و نصرت عظیم علیه دشمن ابر جناور روسیه پیروز و پیروز مندانه تر قرار دارد ، سیمای جبروتی ششمین سالگره قیام رستاخیزی گلگون کفنان ۲۴ حوت هرات پیشا هنک علیه کاروان نور بر ظلمت را در حالیکه در دل های خونین خود به خاطر داریم که پاسداران حق ، سنگر داران

وارث قران مجید در دل شب و در سپیده دم صبحگاهی تا
حال در کمین رزم و فتح اند. خداوند جل جلاله یار و مدد کار
شان باد و روان شهدای تاریخ افرین پیش روان این نهضت
بی همتا شاد و جاویدان باد .

ولا تحسبن الذين قتلوا في سبيل الله
اموات بل احياء عند ربهم يرزقون
ان الله يحب الذين يقاتلون في سبيله
صفاً كانهم بنيان مرصوص

۲۳ حوت ۱۳۶۳



تعداد : ۲۰۰۰ جلد

چاپ اول : ۲۳ خوت ۱۳۶۳

چاپ دوم : حمل ۱۳۶۴

قیمت فی جلد : (۱۰) کتدار

حق چاپ محفوظ است

**Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library**